کعب ا سود

تاریخ نیشابور

تألیف

الحاکم ابو عبد الله محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نعیم الضبی الطهمانی النیسابوری

«تلخیص»

احمد بن محمد بن الحسن بن احمد المعروف

«بالخلیفة النیسابوری»

بسعی و کوشش

دکتر بهمن کریمی

استاد دانشکده افسری

و

عضوهیئت علمی جغرافیائی آسیائی پاریس

ناشر: کتابخانه ابن سینا - تهران

چاپخانه اتحاد

کتبی از مؤلف که بطبع رسیده است

شیرازنامه ـ ابوالعباس احمدبن ابی الخیرزرکوب شیرازی

معراجنامه ـ شیخ الرئیس ابوعلی سینا

نظام التواریخ ـ قاضی بیضاوی

جامع التواریخ ـ رشیدالدین فضل الله جلددوم طبع بلوشه

نه رساله ازملامحسن فیض بفارسی وعربی

الف ـ ترجمة الصلوة

ب ـ ترجمة الشریعه

ج ـ مفتاح الخیر

د ـ ترجمة الزکوة

هـ ـ ترجمة العقاید

ر ـ شرایط الایمان

ط ـ زادالسالکین

ح ـ الفت نامه

ل ـ آئینه شاهی

ـ راهنمای آثارتاریخی شیراز

جغرافیای تاریخی ایران

راههای باستانی وپایتختهای قدیمی ایران

یزدان شناخت عین القضاة همدانی

ذیل ظفرنامه شامی حافظ ابرو

کامل جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله (در دو جلد)

(مجموع تواریخ مطبوع ـ کاترمر ـ بلوشه ـ برزین ـ یان وسایر تواریخ دیگر که جمع آوری شده)

کتاب حاضر تاریخ نیشابور

بسم‌الله الرحمن الرحیم

نسخه‌ی منحصر بفرد

تقدیم ارباب فضل و ادب

کتاب حاضر تاریخ نیشابور- امام حاکم ابوعبدالله محمدبن عبدالله‌بن محمدبن حمدویه یکی از کتب منحصر بفرد: علم الرجال علم تاریخ و جغرافیای نیشابور تا اواخر قرن پنجم هجری قمری است. این نسخه منحصر بفرد که در بورسا عکس برداری شده و بعداً اصل نسخه در آتش سوزی همان شهر از بین رفته ونسخه عکسی آنهم که بوزارت فرهنگ داده شده در فاصله وزارت فرهنگ و کتابخانه ملی بچنگال سیمرغ افتاده وبکوه قاف رفته است باتحقیق وتتبع ومطالعه سه سال بزیور طبع آراسته گردیده وبدوستدان وپاسداران علم تقدیم میشود امیداست برزلاتش قلم عفو واغماض کشیده وازفوائدش بهره‌مند گردند

و بالله التوفیق

فهرست مطالب کتاب تاریخ نیشابور

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مقدمة المصحح

الحمدلله الموفق من‌شاء من عباده لخدمة العلم والدین ، و اشهد ان‌لااله الاالله وحده لاشریك‌له شهادة تشهد لصاحبها بحسن الیقین ؛ واشهد ان‌سیدنا محمداً عبدهٔ ورسوله الی‌الناس اجمعین ،صلی‌الله وسلم‌علیه وعلی‌آله‌وصحبه والتابعین‌باحسان الی‌یوم الدین .

سالهاست که گنجینه ها وخزائن کتب قدیمی ، مورد توجه وتدقیق علمای بزرگ دنیا و متتبعین بـا ذوق قرار گرفته وتشنگان علم و ادب و صاحبان سلیقه وقریحه برای سیراب ساختن روان وارضای غوغای درونی‌خود باین گنجینه‌ها روی آورده‌اند وهر کس بحدامکان مادی‌ومعنوی خویش‌از آن‌دریای بیکران بهره‌ای بر گرفته و بدنیای دانش تقدیم داشته است .

این ذخائر که بیشتر کتب نفیس خطی‌فارسی وعربی را تشکیل میدهد دست قهارطبیعت آنهارا ازسرزمین خـود دور انداخته‌ودر نقاطی غیرمانوس برروی هـم انباشته‌وازاین جهت‌است که محققین‌برای تتبع وبحث درباره کتابی مجبورند بیکی از آن‌نقاط سفر کرده وازمنابع کتب آنجااستفاده‌نمایند،یالااقل‌فهرست کتابخانه‌های مختلف را بررسی‌کامـل نموده تـاازوجـود نسخ متعدد کتاب مورد بحث اطلاع کافی بدست آورند .

یکی‌از آن نقاط که همچو دریائی ژرف این‌درر گرانبها را در اعماق خـود

پنهان داشته واز آفات زمان حفاظت کرده کتابخانه‌های استانبول میباشد .

درهر یك از این کتابخانهها هزاران مجله کتب نفیس قدیمی عربی وفارسی که اغلب اقدم نسخ موجوده ویا نسخه منحصر بفرد دنیاست میتوان یافت کـه جز مستشرقین معدود، دیگران وبخصوص محققین ما، یاازوجود آنها بیخبرند ویادسترسی بدانها نداشتند وازاین جهت درمقدمه هیچیك از کتب ادبی که تا حال در مملکت ما تصحیح وطبع شده واقدم واصح آن دراستانبول موجود بوده بهیچوجه استفاده ننموده وحتی اسمی هم از آن نبرده اند، وهمین امرسبب شده که باهمه دقتی که در تطبیق مطالب بعمل آورده اند منظور مصحح آنطور که شاید وباید تامین نشده است .

این کتب پربها، یادر زمان مولف ویااندکی بعداز آن تحریر یافته واغلب حاوی تاریخ تحریر ونام کاتب است .

ازاین لحاظ نگارنده باسرمایه مزجاة درمدت اقامت دراستانبول بکمك دوستان ترك و استادان دانشگاه و روسای مسئول و **مکاتبه با حضرت استاد فقید مرحوم قزوینی ازیکصدجلد کتب فارسی وعربی که همگی اقدام واصح نسخ موجوده یا نسخه منحصر بفرد دنیاست .** عکس برداری نموده وبرای استفاده علما ومتتبعین میهن عزیز حاضر کرده‌ام و کوشیده‌ام تابابدست آوردن فرصت یکی راپس ازدیگری بزیور طبع بیارایم :

کتاب تاریخ نیشابور امام؛ الحاکم ابوعبدالله محمدبن عبدالله نیشابوری:

که مولف آن درسال ٤٠٥ هجری قمری درنیشابوروفات یافته ویکی ازمهمترین ونفیس‌ترین کتاب درتاریخ نیشابور است: ازهمان تعداد کتبی است که نگارنده در کتابخانه (کورسنلوجامع) واقع در شهر بورسا (بورسه) که این شهر زمانی هم پایتخت ترکیه بوده است عکس برداری کرده واکنون پس از مدت سـه سال تتبع و تدوین بچاپ میرسانم .

دکتر ریچارد فرای استاد دانشگاه هاروارد (آمریکا) (۱) نیز از این نسخه عکس برداری نموده است

نگارنده استاد فرای را در دانشگاه هاروارد ملاقات نمودم و اهمیت این نسخه را که در دنیا منحصر بفرد است بایشان گفتم و تذکر دادم که من این نسخه را در تهران بطبع خواهم رسانید زیرا بمفاد «وفی التاخیر آفات» ممکن است که از آفات و بلیات زمان در امان نماند و گویا همینطور هم شد چه چندی قبل بدبختانه شنیده شد که بورسا طعمه حریق گردید و دیگر خبری دریافت نشد که این کتاب نفیس سوخته و یا مانده است.

امام حاکم (۳۲۱ هجری - ۴۰۵ هجری) گویا کتابی نیز بعربی در دوازده جلد شامل تاریخ و جغرافیا و رجال و علما و اسامی محلات و قراء و سایر خصوصیات شهر نیشابور نوشته بوده است که باحتمال قوی این کتاب از بین رفته و اثری هم از آن در دست نیست (۲)

کتاب تاریخ نیشابور ترجمه قسمتی از این کتاب بزرگ است که

---

(۱) در آمریکا دانشگاهی بنام هاوارد در شهر واشنگتن (D.C) وجود دارد که قسمت عمده دانشجویان آن سیاه پوست هستند و از تمام دنیا محصل میپذیرد. این دانشگاه در سال ۱۸۶۸ میلادی تاسیس شده و مزیت آن بداشتن محصل سیاه است

دانشگاه دیگری در بستن بنام هاروارد میباشد این دانشگاه در سال ۱۶۳۸ میلادی یعنی تقریبا دویست سال و کسری قبل از آن دانشگاه تاسیس شده این دانشگاه در محله کمبریج بنا شده دکتر فرای نیز استاد همین دانشگاه است در ملاقات او را مردی وارد و مطلع دیدم زبان فارسی را بزحمت حرف میزد اما باوضاع و احوال ایران وارد بود

برای اطلاع بیشتری رجوع شود بکتاب آمریکا و تعلیم و تربیت نگارش نگارنده

(۲) امام الحاکم تالیفات دیگری غیر از کتاب تاریخ نیشابور داشته است مانند فضائل الشافعی - فوائد الشیوخ - امالی العشیات - تراجم الشیوخ - علوم الحدیث - کتاب العلل - کتاب الامالی و غیر ذلک

شخصی بنام احدبن محمدبن حسن بن احمد معروف بخلیفه نیشابوری یایك قسمت از آن کتاب بزرك راترجمه کرده و یاتمام آن کتاب را مختصر نموده است و نیز معلوم نشد که این شخص کیست ودرهیچیك از تذکرهها نام اورا نیافتم.

تاریخ نیشابور حاضر دوقسمت است.

قسمت اول - شامل مقدمه مولف ـ فهرستی ازاسامی مهاجرین ـ انصار ـ تابعین ـ علما ـ فضلا ـ ادبا و سایر کسانیکه به نیسابور آمده ورفته وزیسته ومرده‌اند.

واین قسمت شامل چندین بخش است بدین ترتیب:

پس مقدمه بذکر مفاخر خراسان اشارت نموده و آیات واحادیث واخبار سلف را ذکر میکند.

آنوقت فضائل نیسابور را میگوید و توصیف میکند سپس صحابه کبار نیشابوررا شرح میدهد ویکایکرا بنام صحابی اول وصحابی دیگروغیره توضیح تشریح می نماید ازاین موضوع که میگذرددرخصوص بزرگان نیشابوراعم ازعلما واشراف و تابعین قلمفرسائی میکند

این طبقه بندی بترتیب از حروف الف شروع شده و بحرف (ی) ختم میشود بدینجهت برای این قسمت فهرست الفبا که مرسوم کتب جدید است بعبارةاخری فهرست اسامی رجال واماکن تهیه نشد چه درهریك ازطبقات خود مولف این سبك را رعایت کرده و هرطبقه را ازالف (احمد) شروع وبه(ی) (یحیی) ختم نموده‌است

مولف کتاب سعی کرده است که تمام خصوصیات افراد را ذکر کند. اگر سفری کرده یا کتابی نوشته و حتی اگر نزد عالمی تلمذی نموده‌اند یادآور شود و حتی المقدور نگذاشته است مطلبی فوت گردد

قسمت دوم - شرح بناهای نیشابورومساجد وقلاع وقصبات ومقابر آن است

البته مختصرتر بدین ترتیب(۱).

ذکر بناء قهندز وشهر قدیم ومفاخر و اوضاع محلات وباروها ووادیها ـ بناء شهرقدیم ـ حفرخندق ـ ارتفاع زمین ـ قری و قنوات ـ محلات شهر ـ فتح نیسابور ـ مفاخر نیسابور قدیم ـ مقام خدام نیشابور ـ روایات دیگری ازاین قبیل

برای قسمت دوم این کتاب فهرست اسماء رجال واماکن تهیه شد.

ناگفته نماند که درحد امکان ظرف مدت سه سال تتبع وتحقیق بعمل آمد تا نسخه ای صحیح و بدون غلط تقدیم ارباب فضل وادب گردد : ولی چون نسخه منحصر بفرد آنهم عکس برداری شده وازطرفی چون دسترسی بنسخه اصلی نبود باز اغلاطی در طبع پیدا شد.

این نیزباید گفته شود که بعضی از مطالب مقدمه این کتاب مستفاداز رساله استادبارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور شده است.

در خاتمه باید از زحمات آقای رمضانی مدیر کتابخانه ابن سینا که سالهای متمادی در راه نشروتوسعه فرهنگ زحمات فراوان کشیده ورنج بسیار برده و این کتاب هم یک نمونه از فرهنگ پروری ایشان است تشکر کنم.

وهمچنین بنوبه خود ازچاپخانه صبح امروز و کارکنان آن سپاسگزاری نمایم امیدوارم که صاحبان فضل وادب از زلاتش غمض عین فرمایند

والله المستعان وعلیه التکلان

تهران ـ دکتر کریمی
(بهمن میرزا)

هفتم مهرماه ۱۳۳۷

(۱) نگارنده درسال ۱۳۱۳ کتابی بنام شیرازنامه تالیف ابوالعباس احمدبن ابی الخیر زرکوب شیرازی بهمین سبک وبهمین روش تصحیح نمودم و بامقدمه مفصلی درشرح شیرازوبناهای قدیمی آثاروابنیه وسایر خصوصیات آن شهر بطبع رسانیدم

خراسان[1]

درباب اینکه مهاجرت آرین‌ها از قسمت شرقی بسمت غربی ایران در چه تاریخ وبچه منوال بوده مااطلاع نداریم اولین دفعه که نام مدیها ذکر میشود درسال (۸۳۵ قبل ازمیلاد) درکتیبه سالمانساد دوم پادشاه آشوراست وضمناً معلوم نشده که آیامدیهاازنژاد آرین بوده‌اند ویااینکه فاتحین آریائی اسم ساکنین سابق مملکت را اختیار کرده اند اسامی خاص آریائی فقط درکتیبه‌های سارگن (۷۲۱-۷۰۵ق-م) دیده میشود ونیزمانمیدانیم که آیا مهاجرت آرین‌ها فقط ازراه شمال یعنی همان راهی که مدیها رفته بودند بعمل آمده یااینکه از راه جنوب هم که از سیستان بکرمان وازآنجا بفارس میرفت صورت گرفته‌است. شق اخیر ظاهراً بیشتر قریب بصحت‌است

هردوت گوید: هدروس‌ها (دراصل‌متن ـ ده‌روسیایوی) وکرمان‌ها (دراصل‌متن ـ کرمانی اوی) درجزو ایرانیانی بشمار میروندکه در فارس سکونت اختیار کرده بودند یعنی تمام قسمت جنوبی‌ایران‌کنونی‌را یك‌شاخه ازایرانیانی که‌خودرا پارسه مینامیدند اشغال کرده‌بودند چون‌مدیها در ورود بعرصه تاریخ بسایرانیان سبقت جستند لهذا احتمال کلی میرود که مهاجرت از راه شمالی زود تر بوقوع پیوسته است.

مقتبس از کتاب جغرافیای تاریخی استاد بارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور

خاموش کند در دوره هخامنشیان این مملکت اهمیت بزرگی نداشت .

استرابن گوید: سلاطین ایران درمواقع سیاحت و گردش در ممالك خود سعی می کردند که حتی‌الامکان زودتر ازپارت بگذرند زیراولایت مزبور بواسطه فقروبی‌چیزی قادرنبود آذوقه موکب پرجمعیت شاهان رافراهم سازدولی بواسطه همین فقر ولزوم دفع حملات کوچ‌نشینان ملت پارت نسبت بطرز زندگانی ساده و جنگجویانه که ایرانیان مترقی‌داشتند وفادارمانده و بعد از سقوط دولت هخامنشی پارت ها همان عناصر سالمی بودند که موفق شدند مجدداً دولت ایرانی مقتدری تشکیل داده وحتی بااحراز موقعیت حملات جهانگیرانه‌روم رادفع کنند،جبال بلخان بزرك و کوچك وکوه کورن داغ وکپت‌داغ وجبال خراسان که امروز سرحدبین ایران‌وروسیه است سرحدطبیعی‌بین‌ترکستان وحوضه بحرخزررا تشکیل‌می دهند .

گرزن گوید: هیچ چیز نمی‌تواند بامنظره تیره‌وتار این کوههای بی‌ثمرکه جز گیاه هرزه درآنها نروید وفقط چشمه‌های‌معدودی‌ازآنهاجاری‌است‌طرف‌مقایسه واقع شود.

درعهدقدیم وهکذا درقرون‌وسطی سکنه واحه های واقعه درامتداد دامنه ـ های این جبال را ایرانیان تشکیل می‌دادند ولی بدیهی‌است که واحه های مزبور بواسطه موقعیت‌جغرافیائی خودناچارمیبایستی‌غالباً مورد حملات متعدد کوچ‌نشینان ترك واقع شده وبتصرف آنان درآید از همین تاریخ است که این سرزمین باسم ترکی (اتک) ویابطوراصح (ایتاک) که‌بمعنای ولایت‌دامنه‌کوه پایه‌است‌نامیده شد.

ازجمله بلاداین سرزمین درقرون‌وسطی ازنسا وابیورد بیش ازسایربلاد اسم می‌برند .

شهرنسا درنزدیکی عشق آبادکنونی واقع بود وابیورد دراین زمانهم بشکل قریه کوچکی در ده فرسنگی عشق آباد پابرجاست .

رباط فراوه (افراوه) که عبدالله بن‌طاهر درقرن نهم میلادی بناکرده و مرکب ازسه قلعه متصل بهم بوددرناحیه نسابفاصله چهارروزراه ازشهرنساواقع بود ازاین رباط راه مستقیمی از وسط صحرابشهر گورگنج (درنزدیکی شهرقدیمی اورگنج کنونی) می رفت .

درفوق گفته شدکه (اتک) بواسطه موقعیت جغرافیائی خود معرض تاخت‌وتاز کوچ نشینان آسیای وسطی واقع میشد علاوه بـر آن ملوك آسیای وسطی یعنی ملوك خوارزم که نزدیك ترین همسایه آتك بودند هنواره برای‌تصرف این‌ولایت میکوشیدند.

هرودوت می‌نویسد: ماخبری میخوانیم که هنوزبطور رضایت‌بخش توصیح نشده است این خبرراجع است به‌وادی که محصور بجبال بوده و پنچ معبر داشته و روداکسس ازوسط آن جاری بوده وبین ممالك خوارزمیان وهیرکانیاوپارت‌ها وسرنکان وتمانیها واقعشده ودرابتدا تعلق بخوارزمیان داشت

خبرفوق میرساند که مدتها قبل‌از تشکیل هخامنشیان سلطه خوارزمیان تا ولایت جنوبی صحرا هم بسط یافته بود.

درقرن دهم میلادی نوح‌بن منصور سامانی نسا را به‌مامون حکمروای قسمت شمالی‌خوارزم وابیورد رابه عبدالله خوارزمشاه فرمانروای‌خوارزم جنوبی بخشید لکن عبدالله‌بواسطه مخالفت ابوعلی سیمجورکه امیرخراسان بود بتحصیل این‌عطیه نائل نگردید.

پس از آنکه درقرن دهم میلادی صفحه خوارزم در زیر سلطه مأمون که لقب خوارزمشاهی را اختیار کرده بود متحد گردید **نساوفراوه** درتصرف خوارزمیان(۱) بود تازمانی که سلطان محمود غزنوی در سال ۱۰۱۷ میلادی خوارزم را مسخر ساخت بعد که درسال ۱۰۳۵ میلادی تراکمه درتحت ریاست سلجوقیان بخراسان هجوم آوردند سلطان مسعود غزنوی مجبور گشت که نساوفراوه رابآنهاواگذار نماید.

درقرن دوازدهم میلادی که سلسله جدید خوارزمشاهیان قوت گرفت شهر نسا قبل ازسایر بلادخراسان درجزو قلمرو آنان درآمد درتاریخ این دوره اسم شهر دیگری بنام شورستان ذکر می‌شود که درسر راه خوارزم بنسا وبفاصله یك فرسنك از نسا درکنار ریگزار واقع بود

یاقوت که بسال ۱۲۲۰ میلادی درآنجا بوده تعریف می کند درحوالی شورستان بواسطه قرب ریگزار باغاتی وجود نداشت ومزروعات درمسافت بعیدی دور از شهر واقع بودند ولایت خوارزم بعد از قتل وغارت مغول اگر دوره کوچکی رادرقرن چهاردهم بحساب نیاوریم تا زمان استیلای ازبك ها در اوایل قرن شانزدهم سلسله مستقلی نداشت.

درقرن شانزدهم وهفدهم بلاد(اتك) معمولا درزیر سلطه ازبکهای خوارزم بودند بطوریکه ابوالغازی شهادت می‌دهد درآن زمان برای تشخیص اتك کلمه (تاغ بویی) (طرف کوه) مصطلح بوده واین کلمه درمقابل سوبویی (استعمال) میشد که سواحل جیحون یعنی خوارزم درمعنای اصلی، کلمه بدین نام معروف بود.

درعین حال خوانین خیوه همواره ساعی بودند که طوایف ترکمن را مطیع خود سازند وطوایف مزبوره که درقرن شانزدهم تمام ساحل شرقی بحر خزر را تا

---

(۱) این خوارزمشاهیان باسلسله خوارزمشاهیان که سرسلسله ایشان اتسز خوارزمشاه وآخرین ایشان سلطان محمدوسلطان جلال الدین خوارزمشاه است و بدست چنگیزخان منقرض شده‌اند فرق دارند ودوسلسله مجزی هستند، ایشان خوارزمیان وماًمونیان‌اند.

گرگان متصرف بودند بعدها که اقتدار شاهان ایران وخوانین خیوه رو بضعف گذاشت تدریجاً سلطه خودرا روبطرف شرق تامرو بسط دادند .

شاه عباس کبیر (۱۵۸۷ ـ ۱۶۲۸ میلادی) بنابروایت ایت : درواقع ازاتک صرفنظر کرد هرچند که جانشینانش ملوك ازبك را اسماً باج گزار ومطیع خود نمودند .

شاه عباس برای صیانت مملکت از تاخت وتاز تراکمه ازبکان تصمیم بدان گرفت که اکراد جنگجورا ازولایت غربی بدین سامان کوچ دهد و براثراین تصمیم پنج ولایت کرد نشین درامتدادسرحد از (استرابادتا چناران) تشکیل دادو از ولایات پنجگانه مزبوردر این زمان سه ولایت یعنی بجنورد و قوچان ودرگز پابرجا است و ضمناً حکومت درگز نه با سلسله کردی بل باخاندان ترك است . مقتدرترین حکام مزبور که حکمران قوچان است بلقب ترکی ایلخانی ملقب شد .

قوچان درقرون وسطی باسم خبوشان (هرچند که در کتاب مقدسی بشکل خوجان دیده میشود) معروف بوده است .

ایزیدورخاراکسی ذکرمیکند که : درقرن دهم میلادی شهر قوچان مهمترین بلاد ناحیه استوابود و استوا مطابق آستابنه و یا آستاسنه است

درقرن دوازدهم دردوره ترقی خوارزمشاهیان قوچان یکی ازمهمترین نقاطی بود که درسرراه قسمت مرکزی خراسان واقع شده بود شهر مزبور درکسب اهمیت خود علاوه بر موقعیت جغرافیائیش مرهون حاصلخیزی برجسته حومه خود بود .

کرزن مینویسد: ولایات شمالی ایران درحاصلخیزی و خوبی شرب اراضی بهتر ازقوچان ولایتی نیست، کوچ دادن اکراد ازتاخت وتازتراکمه جلوگیری نکرد این دوحریف لایق هم بودند وهیچ یك از طرفین نمیتوانستند بفتح قطعی نائل شوند

کردها فقط می‌توانستند مزارع اتک را تار ومار کرده انتقام تراکمه را از این راه بکشند

شیر قوچان در سال ۱۸۳۳ میلادی که عباس میرزا بدفع فتنه ایلخانی اشتغال داشت و بعد در زلزله‌های ۱۸۵۱ و ۱۸۷۲ میلادی صدمه‌های فراوان دیده است

کرزن نقل میکند: جمعیت شهر به ۱۲۰۰ نفر نمی‌رسید زلزله سال ۱۸۹۵ میلادی بکلی شهر را خراب کرد وقوچان جدید در دوفرسنگی شهر قدیم بناشده است.

نقطه سرحدی دیگر که با نام **نادرشاه** توأم است قلعه مهم کلات است که در آنجا دست طبیعت قلعه کوهستانی صعب‌الوصولی بنا کرده است محوطه‌ای که قریب به ۲۵۰۰ فوت ازسطح دریا ارتفاع دارد دارای ۲۰ میل انگلیسی طول و قریب به ۵ الی ۷ میل عرض وازهرطرف محصور بدیوار طبیعی است که از قلعه‌ها و صخره‌های تیز و عریان بارتفاع ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ فوت ازسطح وادی تشکیل یافته است.

این دیوار فقط دارای دو معبر تنگ میباشد ولی علاوه بر آن راه باریکی از کمرکش جبال موجود است که میتوان بقلعه داخل شد، دروازه عمده بدربندارغون شاه یعنی بنام بانی خود که روی یکی ازصخره‌های صاف نقش کرده واز بنای خود ذکر میکند معروف میباشد.

کرزن ودیگران این ارغون شاه را همان ارغون خان مغول ایران (۱۲۸۴ـ ۱۲۹۱ میلادی) میدانند درباره ارغون شاه مینویسند که وی قبل ازجلوس بسلطنت از عموی خود احمد شکست خورده ودر کلات پناهنده شد لکن قلعه درزمان وی خراب بود وهمین که عساکر احمد نزدیك قلعه رسیدند ارغون بدون مقاومت باحمد تسلیم شد. حدسی که بیشتر طبیعی بنظر میرسد این است که در اینجا مقصود ازارغون شاه پادشاه

محلی و پدر علی بیک بود که با تیمور محاربه کرده است.

شرف الدین گوید: تیمور در سال ۱۳۸۲ میلادی قلعه را محاصره کرد و در ضمن تفصیل محاصره از چند دروازه اسم میبرد که یکی از آنها در بند ارغونشاه است. علی بیك اظهار اطاعت کرد ولی بعد به تیمور خیانت ورزید و تیمور درمقابل کلات قلعه قهقهه را بین کلات و ابیورد وظاهراً درجائیکه امروز ایستگاه راه آهن باسم قهقهه واقع است بنانهاد.

نادر ازموقعیت قلعه کاملاً استفاده نمود واز زمان وی قلعه باسم کنونی کلات نادرشاه یا کلات نادری موسوم گردید.

گرزن می نویسد: که نادر میخواست در اینجا قلعه غیر قابل تسخیری ایجاد و خزائن امنی برای گنجینه هائی که ازهندوستان آورده بود دائر سازد شرح و تعریف قلعه کلات در کتاب واسیل واتاس سیاح یونانی که معاصر نادرشاه بود مندرج است. بنابقول سیاح مذکور نادرشاه میخواست شهری ایجاد کند که نظیر نداشته باشد وتمام اهالی شهر بتوانند آنچه را که میخواهند بدون احتیاج باجناس وارده ازخارج درخود شهر بیابند برای استهلاك مخارج ساختمان شهر غنائم هند بکار رفت صخرهها را از خارج وداخل تراشیده و هر کجاکه احتمال حمله میرفت برجهای پاسبانی بنا کرده بودند.

بعداز نادرشاه کلات تاسال ۱۸۸۰ میلادی تحت حکومت خانهای کوچکی که اسماً مطیع ایران بودند بماند وتازمان تحدیدسرحدات روس وایران درسال ۱۸۸۱ میلادی ابیورد و اتك در جزو خانی مزبور بودند.

گرزن قسمت کوهستانی غرب خراسان را بشرح زیر تعریف میکند:

چند رشته جبال متوازی درسمت شمال غربی بطرف جنوب شرقی کشیده شده سلسله‌های شمالی را دره‌های عمیق وتنگی که‌درقعر آنها سیلاب صدا میکند از یکدیگر جداکرده ودرسمت جنوب‌جای دره‌ها را وادی‌هائی گرفته که رودهای کوهستانی ازوسط آنها جاری وقراء ودهات در آنجاواقع شده وگاهی جلگه‌های وسیع وپرثروتی دیده‌میشود مانندجلگه قوچان در شمال وجلگه نیشابور درجنوب بینالود کوه

سلسله های جبال را دره هائی در طول کوه قطع میکنند وهمین دره‌ها راه ارتباط بین وادیهامیباشند دره‌ها اغلب منظره طبیعی زیبائی تشکیل‌داده بصورت یك سلسله مواقع صعب‌الوصولی را دارند. مشکل‌است در جائی‌ازدنیا جبالی باشد که بخط برف دائمی‌رسیده و تااین درجه پرده‌های زیبائی ازطبیعت‌وحشی کوهستانی جلوه‌گر سازند

در بالای سلسله‌های بلندتر آثارمسکین‌ترین نباتات کوهستانی بندرت‌دیده میشودزراعت فقط در قعر وادیها مقدور است‌ومنوط بوجودچشمه‌سارهای قلیلی‌است که آب آنها رابرای‌شرب اراضی قابل‌زرع آورده‌اند هردهی گوئی‌واحه ایست که‌در زمینه خاکی‌رنگ‌کویر واقع‌شده‌است

اراضی مزرعه دردامنه جبال‌هم دیده میشود واز دامنه‌های جبال چشمه‌هائی بوادی سرازیر میشوند و بطوریکه فریه تعریف میکند در مرتفع ترین نقاط‌هم زراعت میکنند اراضی‌مزروعه که‌دردامنه‌های کوه‌واقع است به صفحه‌های جداگانه منقسم گردیده وعده قراء در این وادی بواسطه وفور آب بیش از سایر نقاط است

دراینجا هم‌مثل‌سایرنقاط ایران‌سبزه‌زاریکسره‌دیده‌نمیشودوقطعات آبادیفاصله‌های مختصری ازیکدیگر واقع‌شده‌اند رودی که ازپهلوی‌نیشابور میگذرد بمناسبت مزه

شور و تلخ آبش بشوره رودمعروف است

نیشابور باندازه‌ای دچار زلزله و معرض حملات خانه خراب کنی واقع گردیده که شکل کنونی آن، هم ازحیث وسعت و فضا وعده نفوس بقدری باپایتخت قرون وسطی خراسان فرق دارد که تحقیق وتشخیص نقشهٔ آن بامشکلات بزرگی توام است .

مختصری از تاریخچه نیشابور

بنای این شهر ظاهراً درزمان ساسانیان بدست شاپور اول یاشاپور دوم شده است چنانکه مورخین و جغرافیون نقل کرده‌اند. این شهر درسال (۳۳۰ میلادی) پایتخت ناحیه ابرشهر بوده ویزدگرددوم این شهر رامحل اقامت خودقرارداده و بورجاین مهر که یکی ازسه آتشکده معروف ساسانیان باشددر نزدیکی این شهر قرارداشته است

شهرمزبور درسال (۳۱هجری) (۶۵۱ میلادی) بدست اعراب افتاده ودرسال (۴۲هجری) (۶۶۲ میلادی) حکومت این ناحیه (منظور ناحیه خراسان است که مرو وبلخ وغیره جزو آن بوده) بدست غیث‌بن‌الحسام که یکی ازاشخاص معروف آن زمان بوده است اداره شده واین خود دلیل آنست که ناحیه خراسان تاقبل ازقرن (دوازدهم هجری) (هجدهم میلادی) وسعت زیادتری را ازطرف مشرق دارا بوده و مرو وهرات وبلخ نیز جزواین قسمت بشمار میرفته ولی فعلا نیشابورتنها شهری است که جزوناحیه خراسان محسوب می‌شود و تقریباً تاچند سال بعد از واقعه مذکور اطلاعات راجع به نیشابور جزئی است

در اوائل قرن هشتم میلادی ابومسلم خراسانی نهضتی در خراسان برضد خلافت بنی‌امیه ایجاد کرد ودرسال (۱۳۱ هجری) (۷۳۸ میلادی) داخل نشابور شد وحاکم آن شهر گردید ودرمدت حکومت خود مسجدی درنیشابور ساخت ولی در سال (۱۳۸ هجری) (۷۵۳ میلادی) او را در بغدادبتحریك منصور خلیفه مقتول ساختند

پس‌ازاین قضیه خراسان دراوائل قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) درحیطه اقتدار طاهربن حسین درآمد

طاهرحاکمی‌بودکه ازطرف مامون‌خلیفه درسال (۲۰۵هجری) (۸۲۰میلادی) در قسمت مشرق ایران حکومت میکرد ودر زمان او و اولاد ش ناحیه خراسان حالت استقلال بخودگرفت/وعبدالله‌بن طاهر نیشابور راپایتخت‌خود قرارداد و باغ‌معروفی‌بنام شادیاخ در آنجا ساخت و در زمان او بودکه شهر نیشابوررفوق‌العاده اهمیت پیداکرد وساختمان جدید ودهات زیاد دراطراف آنشهر بناگردید

دراواخرقرن‌مزبور سلسله‌صفاریان خراسان‌رادرتحت تصرف گرفتند ودرسال (۲۷۹ هجری) (۸۹۲ میلادی) عمروبن‌لیث صفاری حکومت آنرا عهده دارشد واو نیزنیشابور راپایتخت خودقرارداد

اطلاعات کافی بما نشان میدهد که عمارات زیاد بشهر مزبور اضافه شده و تغییراتی درجامع آن رخ داده است

بعداز عمرولیث خراسان بدست سامانیان افتاد و در این موقع نیز نیشابور کماکان پایتخت بودوتنها ناحیه مرکزی‌خراسان بشمارمیرفت ازشهرستان‌نیشابور زمان ساسانیان شرح مفصلی توسط ابن‌حوقل واستخری نقل شده‌است واین‌اشخاص چنین می‌نویسند :

که شهر مزبور دارای سه میل طول و سه میل عرض بوده (هرسه میل یك فرسنك) وبچهل پاسگاه تقسیم میشده است‌کوچه‌های‌آن صاف وتقریبا عده‌آنها به پنجاه میرسیده واین کوچه‌هایکدیگرراطوری قطع میکردندکه چهارراه‌های‌متعدد تشکیل میدادند (برعکس عقیده اغلب ازمستشرقین‌که‌کوچه های قدیمی بعضی‌از شهرهاهمیشه‌کوتاه‌ودارای اعوجاج بوده)؛ این کوچه‌ها بسیارمستقیم ومطابق‌اسلوب

معماری ساخته شده بود خودشهر نیشابور بسه قسمت تقسیم میشده‌است

۱ـ شهر خاص

۲ ـ نواحی‌خارج شهر

۳ـ پاسدارخـانه ها

۱ ـ شهر خاص : دارای برج وحصار وچهار دروازه بوده و در خارج شهر پاسگاهها واقع شده که آنهانیز دارای دروازه‌ها بودند وخرابه‌انها باغلب احتمال همـان تپه‌الب‌ارسلان‌است

قسمت خاص‌شهر عبارت بود از‌تمام نواحی‌خارج‌که دارای دیوارها بوده‌است واینجاست، که مسجد جمعه نیشابور دیده میشود : وعمرو بن‌لیث صفاری ستون های چوبی آنرا تبدیل بستونهای اجری نموده و سه رواق در اطراف حیاط مسجد ساخته وآنرا یکی از بهترین ساختمانهای مهم که دارای کاشیکاری مذهب میباشد نموده است

این مسجد دارای یازده در با ستون‌هائی از مرمر سیاه وسفید بوده و تمام آنهابانضمام طاق مسجد نقاشی‌ومجسمه‌کاری شده بوده است و نـزدیك آن محوطه بازار وخانه حاکم شهر قرار داشته که بتوسط عبدالله بن طاهر بنا شده و بدست عمرو بن لیث صفارمرمت گردیده است .

نزدیك بازار بزرك شهر بازارکوچك‌دیگری بوده‌که محبس ها درآن قرار داشته‌است واهمیت این‌بازارها از نظر تجـارت‌بسیارمهم بوده واینکه شهر مزبور ونواحی خارج آنرا دیوارها احاطه کرده دلیل براین بوده است‌که مردم احتیاج بامنیت وحفاظت داشته‌اند

چون درشهر نیشابور خاص بنای قابل‌ذکری ساخته نشده است میتوان‌آنرا دلیل براین دانست‌که باوجودیکه شهرمز بوربتوسط ساسانیان بنا شده ولـی کم کم

بواسطه انقراض سلسله مزبور شهر متارکه گردیده و بنای مهمی در آن بنانشده است. و آنچه بعدازاسلام در این ناحیه بنا گردیده درخارج شهر خاص بوده است ولی این تنها یك قضیه بیش نیست و تاا کتشافات بیشتری ازجهت حفاری در نیشابور بعمل نیاید نمیتوان این قول را قبول کرد و نیز گفته سایکس را نمیتوان معتمد شمرد

پس از ساسانیان حکومت خُراسان بدست غز نویان افتاد و بعد از یك قـرن نیشابور در حیطه اقتدار سلجوقیان ترك در آمد و طغرل بیك (۳۲۹ هجری) (۱۰۳۷ میلادی) شهر را گرفت و پایتخت خود قرارداد والب ارسلان برای مدت کوتاهی در آنجا اقامت کرد

درزمان سلجوقیان نیشابور اهمیت فوق العاده‌ای بخود گرفت و برای باردوم اهمیت سابق را مجدداً احراز کرد. ۱

درزمان خواجه نظام الملك وزیر الب ارسلان وملکشاه نیشابور اهمیت بسیاری بدست آورد وتقریباً دارالعلم شد ومدارس متعدددر آن بناشدومرکز علم ونظامیه‌ای در آنجا ایجاد گردید.

نیشابور دراین زمان دارای سیزده کتابخانه بوده که مهمترین آ نها پنج هزارجلد کتاب داشته است .

عمرخیام شاعر ودانشمند وفیلسوف ومورخ وریاضی دان عصر در آنجا زندگی میکرده است.

درسال (۵۳۰ هجری) (۱۱۳۵) میلادی نیشابور بواسطه زلزله خراب شد و شهرمزبور درسال (۵۳۸ هجری) (۱۱۵۳ میلادی) آتش گرفت ودر همین موقع بود که طعمه غارت ترکان غز واقع شد و شهر را اهالی بکلی ترك کردند و شهر دیگری در حومه محل سابق که عبدالله بن طاهر ساخته بودبنا نمودند.

یاقوت : شهر مفصلی راجع باین ناحیه ذکر میکندواین واقعه را بسال (۶۱۳ هجری)

(۱۲۱٦میلاد) میداند .

این شهر بعدا بدست چنگیز و یارانش از بین رفت وساکنین نیشابور شهر دیگری در شمال شرقی ساختند

حمدالله مستوفی در سال(۷۳۱هجری)(۱۳۳۰میلادی) و ابن بطوطه طنجی در سال (۷۵۷هجری) (۱۳۵۵ میلادی) شهر نیشابور را دیده و آنرا یکی از پر جمعیت ترین شهر های ناحیه خراسان دانسته و از مسجدعالی و چهار مدرسه آن نقل میکنند .

عقاید مورخین و علما و مستشرقین درخصوص تاریخ نیشابور قدیم

نیولدکه گوید:

راجع به‌نشابور قدیم قبل‌ازاسلام همینقدر معلوم است‌که ابرشهر نام داشته ونام‌کنونی رایکی‌ازسلاطین ساسانی یعنی‌شاپور اول(قرن سوم‌میلادی) ویاشاپوردوم (قرن چهارم میلادی) بآن داده‌است .

مطلب اخیرعقیده‌ای راکه غالباً اظهارمیشد راجع باینکه نیشابور همان‌شهر نسایای پارت است تردیدمی کند درزمان ساسانیان وهم در دوره امرای اول عرب شهرعمده خراسان مروبوده نیشابور فقط درزمان سلسله‌طاهریان‌درقرن نهم‌میلادی اهمیت‌یك پایتخت‌راکسب نموده است.

آوازه شهرت نیشابور باصیت اشتهار عبدالله‌بن‌طاهر (۸۳۰ـ۸۴۲ میلادی) برابراست

بنابرقول یعقوبی مورخ :

عبدالله طاهر طوری درخراسان‌حکومت کرده‌که قبل‌ازوی‌کسی نکرده بود چه وی بتامین تمام منافع دهاقین پرداخته است و آنچه مهم است بامروی مجموعه قواعدی‌برای استفاده ازشرب مصنوعی اراضی ترتیب داده شد.

بالاخره عبدالله در نظریه و عقاید خود راجع باهمیت علم از عصرخود فرسنگها جلو افتاده و عقیده داشت که باید عموم آرزومندان دسترس

وسیعی بساحت علم داشته باشند و تشخیص لایق و نالایق به پیشگاه خودعلم واگذار شود .

سلسله سجستانی صفاریان هم که طاهریان را درسال (۸۷۳میلادی)ازسلطنت خلع کردند پایتخت خودرابنشابور انتقال‌دادند .

عمرولیث صفاری بسال (۹۰۰میلادی) ازاسمعیل‌بن احمد سامانی شکست خورد وازآن پس خراسان درجزو مملکت سامانیان درآمد وچنان که معلوم‌است پایتخت سامانیان بخارا بود . واراضی جنوب آمو دریا (جیحون) درتحت سلطه امیرمخصوص بودکه لقب سپهسالار داشت ودرنیشابور مقیم بود . (استاد بار تولد)

جغرافیا نویسان ، نیشابور دوره سامانی رامفصل تعریف کرده‌اند : شهر در جلگه ولی بلاواسطه درقرب کوه واقع‌شده‌بود .

ابن رُسته

جنب شهر ازیکطرف کوه بلندی سر کشیده بود محوطه شهرطولا وعرضاً یك فرسنك وخود شهر مانند سایر بلاد بزرگ آسیای وسطی مرکب بود : از قهندز یعنی ارك ـ وشهرستان یعنی شهر ـ وربض یعنی خارج شهر .

ارك‌جز وشهرستان‌نبود ولی‌بین آن وشهرستان فقط خندقی حایل بود .

در قرن دهم میلادی شهر بواسطه ترقی‌تجارت وصنعت به ربض‌که در قسمت جنوبی شهر واقع بود منتقل گردید .

اصطخری

درضمن توصیف بازار های نیشابور مینویسد که بازار در سمت‌شمالی شهر تاراس القنطره میرسیدوپیش‌ازآن درجزودروازه های شهرستان‌که مانند شهرهای بزرك چهارباب بود از دروازه راس‌القنطره اسم میبرد عدهٔ دروازه های ربض بسیار زیاد بود .

مقدسی گوید:

در بازار فزون از پنجاه مرکز بصورت میدان چهارگوشی موسوم بمربعةالکبیره بود که از آنجا به‌هرچهار سمت ردیف دکاکین و کاروانسراها ممتد میشد بدینطریق: بسمت شرقی تاپشت مسجد جامع- بسوی شمال تاشهرستان- بطرف غرب تاپشت‌میدان‌چهار گوش کوچك «مربعةالصغیره»- وجنوب تامقابراولاد حسین؛ بازار امتداد داشت .

در قسمت غربی در نزدیکی میدان کوچك قصری بود که عمرولیث میدان الحسینین بناکرده بود وهم درجنب قصرزندان واقع شده بود

مسجد جامع رامینویسند که درارد و گاه قشونی واقع شده بود

مقدسی

شرحی درتوصیف این‌بنانوشته است که‌نقل میشود:

مسجد جامع مرکب از شش قسمت بودعمارت عمده مسجد که منبر امام در آنجا بود قسمتی از انرا در اواسط قرن هشتم ابومسلم خراسانی مسبب سلطنت عباسیان ساخت وقسمت دیگرش‌را دراواخرقرن نهم عمرولیث صفاری بناکرد بنای ابومسلم به تیرهای چوبی وبنای عمرولیث بستونهای مدور آجری متکی بود .

در اطراف این قسمت سه رواق ودر وسط آن گنبدی ساخته بودند رواقها دارای یازده درب وستونهائی ازمرمر رنگارنك .

قنواتی راکه بشهر آب میدادند غالبا زیر زمین‌میکشیدند. عده پله هائی که برای رسیدن بآب پائین میرفتند گاهی بصد میرسیددرخارج شهر آب درسطح زمین جاری وبرای شرب اراضی بکار میرفت . شهربداشتن پارچه های ابریشمی و نخی معروف‌بود

وبطوریکه اصطخری میگوید این‌پارچه‌هارا بماوراء ممالك اسلامی هم‌حمل میکردند

ابن حوقل

دکاکین ومهمانخانــه های نیشابور مملو از نمایندگان صنایع مختلفه بـود در حوالی شهر مس وآهن ونقره وفیروزه ومعادن دیگراستخراج میکردند معادن فیروزه که درکوههای واقعه در ۳۶ میلی شمال غرب نیشابور در سر راه قوچان است تا بامروز در اهمیت خود باقی ودردنیا یگانــه معادن فیروزه است .

نیشابور درزمان غزنویان وسلجوقیان هم باوجودیکه بعضی ازسلاطین اخیر مرو را ترجیح میدادند معهذا مهمترین شهرخراسان بود .

درسال (۱۱۵۳میلادی) نیشابور معرض قتل وغارت عشایرغز گردید که برعلیه سلطان سنجر شورش کرده بودند .

غزها شهرنیشابور را غارت کرده وخراب نمودند خاقانی شاعرمعروف بطوری مبالغه کرده و می گوید که وقتی اهالی بعد از رفتن دشمنان بشهر برگشتند نمی توانستند مساکن خودرا بیابند .

شهر جـدیـد در سمت غربـی شهر قدیم در محل موسوم به شادیاخ آبـاد شده است.

محله شادیاخ درزمان سابق هم دایر بودو آنرا عبدالله بن طاهر بناکرده بود.

یعقوبی

درشادیاخ تپه بزرگی بودکه برروی آن ارگی ساخته بودند درهمان قرن مذکور نیشابور بواسطه موقعیت جغرافیائی سعادتمند خود بسر منزل رونق وتعالی رسید وابنیه وعمارات تمام محوطه را ازتپه تا خط قدیم اشغال کرد

یاقوت :

نیشابور دوباره اعمر بلادالله گردید وپرثروت ترین وپرجمعیت ترین بلادشد .

مقدسی

نیشابور انبارگاه مال التجاره فارس وکرمان و هند یعنی ولایات جنوبی و همچنین ری وجرجان وخوارزم بود

یاقوت

علت ترمیم‌سریع وتجدیدعمارت شهررا همان موقعیت جغرافیائی آن می‌داند نیشابور درحکم دهلیزالمشرق بود و کاروانیان نمیتوانستند از کنارآن گذشته و واردشهرنشوند .

قتل‌عام چنگیزخان(۱۲۲۱ میلادی) بمراتب بدترازحمله‌غزبودشش‌ماه قبل‌از این واقعه داماد چنگیزخان هدف تیروکشته شدبدین جهت تولوی پسرچنگیزشهر رامحاصره کردو آنچه اهل شهر عجزوالحاح والتماس عفوکردنداثرنداشت وردشد شهربه یورش‌متصرف گردید وتمام سکنه آن‌باستثنای‌چهارصد نفرصنعتگرکه‌باسیری بردندبقتل رسیدند

ابنیه وعمارات شهررا ازبیخ خراب وزمینش را شخم‌کردند ودرمحل‌خرابه های شهرچهارصد نفرمغول گماشتند تابقیه‌السیف اهالی‌راکه توانسته‌بودند درموقع قتل‌وغارت پنهان‌شوند معدوم سازند.

دستجات مغول چنگیزخان درخراسان پایدارنشدند وجانشین چنگیزخان مجبور شد دوباره مملکت رامسخرسازد مقاومت بیفایده فقط‌مانع از آن شد که جراحات وارده به مملکت ازحمله مغول التیام پذیردوشهرهای‌خراسان پیش‌ازبلاد ماورالنهربحال خرابی ماندند.

پس‌ازانقراض سلسله خوارزمشاهیان خراسان ابتدا امارت مخصوصی‌بودکه ملك مشترك سلسله مغول محسوب میشد فرمانروای خراسان راخان بزرگ معین میکرد ولی‌نمایندگان وجوه رجال خاندان خان نیز همراه‌فرمانروا بودند .

دراواسط قرن سیزدهم میلادی‌که مغولها سلطنت مخصوصی درایران تشکیل دادند.خراسان هم بدان ملحق گردید.

حمداله قزوینی مستوفی:

اداره کشوری ومالی مخصوصی داشت عایدات این ملک درجزو عایدات عمومی سلسله مغول در ایران محسوب می شد.

بعدازسقوط سلسله مغول ایران نیشابور (درحدود عشر سوم قرن چهاردهم میلادی) درجزوقلمرو سلسله سربداران که در سبزوار تشکیل یافته بود درآمد درسال (۱۳۸۱ میلادی) آخرین نماینده این سلسله بطیب خاطر اطاعت تیمور را گردن نهاده وبدین جهت نیشابور بی‌رحمی های این جهانگشا رانچشید رونق هرات در دوره تیموریان واهمیت مذهبی شهردرزمان صفویه می‌بایستی که نیشابور را تحت‌الشعاع قرارداده باشد لیکن تااواسط قرن هجدهم نیشابور شهر مهمی بود تا اینکه بدست احمدشاه افغان خراب وویران گردید.

استادبارتولدگوید:

بعد ازاین قتل وغارت یك منزل قابل سکونت درشهرنمانده بود احمدشاه شهر را به عباسقلی خان شاهزاده ترك داد وی برای تعمیر وتجدید عمارت آن اقدامی کرد.

دراواخرهمان قرن نیشابوربتصرف قاجاریه درآمدمساعی عباسقلیخان وکسان دیگراهمیت سابق شهرراعودت ندادند.

فریزر:

درسال (۱۸۲۱ میلادی) طول باروی شهر/۴۰۰۰ قدم بوداگرتمام این محوطه مسکون می‌بودعده‌نفوس آن به۳۰هزاریا۴۰هزارمی‌رسیدلیکن قسمت‌عمده شهرخراب بود ایرانیان خانه‌های مسکون شهررا قریب بدوهزارباب می‌دانستند لیکن فریزر ازروی تاثیراتی که شهر دراو بخشیده بودتصور میکندکه عده‌نفوس ازپنجهزارنفر تجاوزنمیکند.

استاد بارتولد گوید:

پارچه هائی که در شهر می‌بافند فقط برای حوائج محلی تهیه می‌شد یگانه جنس صادره فیروزه بود .

فریه

عده نفوس شهراز ۸۰۰۰ متجاوز نبوده وضع دیوارها گلی وخراب وبدبود خندق آب نداشت ارك بشکل خرابه افتاده بود حدود بازارها ومسجدجامع وسعتی نداشت.

در زمان سیاحت گرزن معلوم نیست از روی چه مقصودی مشغول تعمیر دیوارهای بکلی بیفایده خراب شهر بودند گرزن احتمال می‌دهد که درزمان وی جمعیت شهر به ۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود.

راجع به آثار قدیم نیشابور تحقیقات ومفصلی دردست نیست. دراین باب فریزر ودر زمان اخیرهم ایت بعضی اطلاعاتی می‌نویسند ازاطلاعات تاریخی ووضع کنونی شهرفقط این مطلب مستفاد می‌شود که شهرمانندمرو وبلخ ازسمت شرقی بغربی متصل شده است بلافاصله در سمت شرقی شهر کنونی خرابه هائی نمایان بوده که قسمتی ازگل و قسمتی ازآجر بوده

استاد بارتولد

ارك شهرسابق دراین مکان بوده

فریزر نمینویسد :

که بلندی هم دراین مکان بوده یانه

بطوریکه ایت تعریف میکند :

خرابه‌های مزبور دیگر وجودندارد وآثارشهرسابق بفاصله یك میل انگلیسی درسمت جنوب شرقی شهرکنونی شروع می‌شود در زاویه جنوب غربی خرابه های

مذکور ارک برروی تپه بلند واقع است .

ایرانیان به فریزر گفته بودند که ارک نیشابورقدیم که دردوره سامانیان بنا شده بوددراین مکان بوده ولی‌مشکل است‌این‌مطلب اساس داشته باشد.

مقبره فریدالدین عطارصوفی معروف که درموقع تصرف شهر بدست مغولها مقتول گردیده پهلوی زاویه جنوب شرقی ارک‌واقع‌است سنگی از مرمرسیاه که خط فارسی روی‌آن نقش کرده‌اند دروسط‌دیوار آجری‌واقع‌شده. این مقبره یگانه اثری است که از قرون وسطی درنیشابور باقیمانده وممکن‌است تاریخ‌بنای آن بصحت معلوم شوداین‌مقبره رادرزمان سلطان حسین بایقرا قرن یازدهم میلادی‌وامیرعلیشرشاعر ووزیر معارف پرور معروف که در ادبیات فارسی مخصوصا ترکی‌معروف‌ومشهوراست‌بنانهاده‌ونیزمقبره یکی‌ازآل‌عای که‌درقرن‌شانزدهم میلادی شاه طهماسب صفوی ساخته درهمان نزدیکی است .

استادبار تولد گوید :

امامزاده محمد محروق برادرعلی‌بن‌موسی‌الرضا که قبرش مهمترین زیارتگاه است دراین مکان مدفون است .

پهلوی این مکان‌مقدس دروسط باغی‌که درختانش‌بهم پیچیده وعلفهای هرزه درآن‌روئیده. مقبره عمر خیام منجم‌وشاعرفکر آزاداواپل‌قرن‌دوازدهم‌میلادی واقع شده است .

اینك بطور مختصر ترجمه‌ای از گزارش هیئت اعزامی موزه متروپولتین آمریکا را ذیلا درج میکنیم :

از گزارش هیئت اعزامی اینطور بنظر میرسد که هیئت نامبرده بیشتر در آثار قدیم بخصوص دوره ساسانیان توجه داشته و اگر هم حفاری در اطراف نیشابور نموده‌اند و اشیاتی بدست آورده بواسطه این بوده است که هیئت مزبور میخواسته‌اند در اطراف شهر قدیمی نیشابور که بدست شاپور اول و یاشاپور دوم ساسانی ساخته شده بود کاوش نمایند ولی درضمن کاوش آشیائی بدست آمد که ابداً مربوط به‌دوره قبل از اسلام نبود واثری از شهر نیشابور قبل از اسلام بدست نیامد (دوره ساسانیان) و گزارش که‌هیئت مزبور میدهدعبارت است :

۱ ـ شرح مختصری از تاریخ نیشابور

۲ ـ شرح ظروف سفالین و کتیبه‌های پیدا شده دراین‌ناحیه

۳ ـ مختصری از نوع و تاریخ سکه‌های مکشوفه و خلاصه هر یك از آنها

۱ ـ هیئت نامبرده‌در شش‌موضع نزدیك نیشابور فعلی (همان‌نیشابور حمدالله مستوفی و ابن بطوطه طنجی که از آن‌نقل کرده‌اند)شروع بحفریات نموده و کاسه‌و کوزه و کتیبه‌هائی بدست آورده‌اند که مطابق ریز جداگانه بعضی از آنها در موزه ایران‌باستان و برخی دیگر در موزه نیویورك ضبط است

تاریخ این اشیاء را هیئت مزبور از روی سکه‌هائی که بدست آمده تا حدی توانسته‌اند معلوم دارند ولی بطور یقین نمیتوان ذکر کرد که خرابه‌های فعلی که هیئت مزبور مشغول حفاری‌اند متعلق بکدام دوره است و برای اثبات این مطلب لازم است که هیئت نامبرده عملیات بیشتری دراین ناحیه بنمایندو شاید بعدها بتوان بطور یقین تاریخ حقیقی این خرابه‌ها را معین نمود

در اینجا بی تناسب نیست که از نوع ساختمان و رنگ آمیزی کاسه‌ها و کتیبه‌های پیدا شده‌وسکه‌هائیکه از این سرزمین بدست آمده‌است و تا حدی بتاریخ قدمت کاسه‌هاوخود خرابه‌ها کمك کرده ذکری بشود .

کاسه‌هائیکه از این ناحیه بدست آمده اکثر ظریف‌ودارای لبه‌های نازك و ته‌های محکم‌اند و درساختمان و رنگ آمیزی آنها استادی و مهارت کامل بکار رفته واغلب آنهااز کل سرخ ساخته شده و دربعضی از آنهاخط کوفی که بارنگ سرخ شفاف وحاشیه‌سیاه است دیده میشودوازهرحیث بی‌شباهت بکاسه‌های سمرقند نیست ولی بعضی دیگر از این کاسه‌ها دارای حاشیه سفیدی که در روی زمینه‌قهوه‌ای‌رنگ آمیزی شده وشبیه بکاسه‌های ساوه وسامره وحیره‌اند دیده میشودواین کاسه‌های اخیر را می‌توان بقرن دوم‌هجری (هشتم‌میلادی) نسبت داد ونیز کاسه‌های بسیار قشنگ‌وظریفی‌بدست آمده که‌ازهرحیث‌شباهت کامل‌بکاسه‌های‌عصر ساسانی دارد و از این رو می‌توان گفت که نفوذساسانیان دراین ناحیه بعد از اسلام بوده‌است وکاسه‌های دیگری که نفوذ چینی را نشان میدهد بدست آمده‌است والبته‌نباید‌تعجب کردزیراکه نفوذچینی دراین‌سرزمین و آنزمان‌بسیار بوده چه‌تاریخ بما نشان میدهد که در زمان سلطنت (تانگ) کوزه سازی وصنایع دیگرچینی‌درعراق‌وایران‌ومصر رونق یافت و ما بخوبی‌میدانیم که‌درزمان سلطنت این‌پادشاه وسعت‌چین بترکستان

رسید و رابطه چینیها با خلیج فارس بسیار بودوهمینکه چینی‌ها با اعراب مـواجه شدند زیاد بن صالح آنها را در رودخانه تالاس نزدیك تاشکند شکست داد وبقول خود اعراب بیست‌هزاراسیراز آنها گرفت وبگفته ثعالبی این چینیها بساکنیین سمرقند کاغذسازی راتعلیم دادندوبگفته ابن فقیه همدانی این اسرا اغلب صنایع خودرا باهالی خراسان آموختند و از این رو نفوذ صنعت چینی وبخصوص کاسه‌سازی درایران دیده میشود ولی رویهمرفته ثابت‌شده‌است که این ناحیه کمتر درتحت نفوذ صنعت خارجیان مانند عراق و سامره‌ونقاط دیگر واقع شده‌و کاسه‌های نیشابور دارای ممیزات خاص ومشخص است که اصلی ومتعلق بهمین ناحیه است وشاهد بتوان گفت که اولین کاسه های دوره اسلامی است

۲ـ درناحیه سبزپوشان چندین سکه بدست آمده که کومك فـوق العاده‌ای بتاریخ اشیاء پیداشده نموده‌است مثلاً دریك ناحیه ۹ عدد سکه بدست آمده که ۷عدد از آنها بین سنوات (۱۵۳ـ۲۰۰هجری) (۷۷۰ـ۸۱۵ میلادی) است و یـکی از آنها متعلق بعهد طاهریان ویکی درحدودسال (۵۹۸هجری) (۱۲۰۰ میلادی) است ودو عدد سکه‌دیگر بدست آمده که‌تاریخ آن (۱۵۳هجری)(۷۷۰ میلادی) است‌واز روی این سکه‌می توان حدس زد که‌تاریخ ساختمان‌اولیه این‌ناحیه(درنیمه دوم قرن دوم‌هجری) (هشتم میلادی) بوده است و از این ساختمان دیوار جنوب غربی که محراب در آن ناحیه قرار گرفته بود و شاید دیوار غربی دیوار اطـاق باقی مانده باشد و این ساختمان‌را درقرن (سوم هجری) (نهم‌میلادی) ـ خسارتی وارد آمده و آنهم درمواقع وکشمکش سلسله طاهریان با صفاریان بوده است وپس ازساختمان وتعمیر دوباره دیوار محراب بدوتقسیم‌شده ومحراب را دوپاره کرده بطوریکه یك گنبد دراین‌محل ایجاد شده است‌ودراین‌جا کتیبه‌ها ونقاشی‌های عهد سلجوقی بدست آمده و تصور

میرفت که سلجوقیان در ساختن این بنا شرکت داشتند چه طغرل بیك (۳۲۹هجری)
(۱۳۰۲ میلادی) سلطنت سلجوقی را بدست آورد ودرسال (۵۱۰ هجری) (۱۱۳۵
میلادی) نیشابور را پایتخت قرار داد ودر حوالی این محل تپه ایست که بـسم
تپه‌ی الب ارسلان معروف است ولی بیشتر این نظریات حدس است مقرون بیقین
وپس از دقت ومطالعه معلوم میشودکه ممیزات ساختمان تپه **سبز پوشان** ابداً
شباهتی به ساختمان زمان سلجوقی ندارد واگر نظری بقبر جلال‌الدین‌در **اوزکند**
ترکستان شود (۵۳۷ هجری) (۱۱۵۲ میلادی) وبا مقایسه از حیدریه قزوین بعمل
آید (قرن ششم هجری) (دوازدهم میلادی) اختلاف ساختمان این ناحیه با زمان
سلجوقیان بخوبی معلوم خواهد شدوتا حال چیزی بدست نیامده که شباهت تام به
سبزپوشان داشته باشد مگرچند طراحی از کتیبه مسجد نائین که شباهت به کتیبه
این محل دارد اگرچه ساختمان آنهم بکلی متفاوت با این ناحیه است چه بعضی
ممیزات مخصوص این‌ناحیه مثلا اگر حروف گنبد مسجد نائین را که باخط
کوفی نوشته شده و بخصوص در کلمه (الاخرین) آن نگاه کنیم یك رابطه
وشباهتی بکلمه‌ای که در کتیبه سبز پوشان نوشته شده است دارد

فرق عمده در طراحی است نه خطاطی چه در کلمه (یوم‌الدین) دال آنها با
هم فرق دارد بدبختانه تاریخ ساختمان نائین‌درست معلوم نشده و (Flury) (فلوری)
تاریخ آنرا بقرن دهم نسبت‌میدهد واو حدسش ازروی شباهت خطاطی این ناحیه
با سامره وابن‌تولون درقاهره است وبعلاوه درسبز پوشان سکه یا علائم دیگری به
دست نیامدکه از سلجوقی باشد چه سکه های بدست آمده را میتوان بسه دوره
تقسیم نمود

اول ـ قرن دوم وسوم هجری ـ قرن هشتم ونهم میلادی

دوم ـ نیمه دوم قرن چهارم هجری ـ نیمه قرن دهم میلادی

سوم ـ قرن ششم ببعد ـ دوازدهم ببعد

وچون دوره‌اول مهمند ومطابقت باسایرعلایم میکنندمیتوان گفت که سکه‌های دوره سوم ازدست رعایا کـه درحدود قرن دوازدهم وسیزدهم میـلادی در اطراف این ناحیه بوده‌اند افتاده زیرا شهر نیشابور پس ازغارت غزها بمحل دیگر انتقال یافت وتنها سکه های دوره دوم مهمند که در زمان صلح و صفـا و زمان حکومت محمد بن سیمجور که از طرف منصور اول ونوح دوم در آنجـا حکومت میکرده بوده است .

پس کتیبه‌های سبزپوشان بین‌سنوات(۳۰۵-۳۲۱هجری) (۹۶۱-۹۸۱میلادی) نوشته شده است.

خلاصه سکه‌های پیدا شده

از ۱۸سکه پیدا شده درسبزپوشـان ۳۱ سکه‌آن تاریخ دوم وسوم هجری ـ (هشتم ونهم میلادی) رادارد ودوسکه‌آن متعلق باواخرسامانی است وچهار سکه‌آن تاریخ معین‌ندارد.

از ۱۳ سکه تپه الب ارسلان ۹ سکه‌آن متعلق بقرن هشتم ونهم وبقیه بدون اهمیت اند .

خلاصه ازروی سکه هائیکه توسط ابومسلم بـاسم عبدالرحمن ضرب شده و سکه محمد المهدی که حکومت افتخـاری نیشابور را داشته (۱۳۱-۱۵۱هجری) (۲۵۸ - ۲۶۸ میلادی) وازسکه ضرب شده دربخارا (۱۶۰هجری) (۶۲۶میلادی) توسط عبدالمالك‌بن یزید الخراسانی که حـاکم نیشـابور بوده ودیگر ازموحدین

مسلم وسایر سکه ها که در این ناحیه پیداشده است میتوان ثابت کرد که ساختمان وتعمیرات این ناحیه در این قرن بوده است اطلاعات بیشتری در این باب منوط باکتشافات بیشتری است.

تهران - دکتر بهمن کریمی

اول مهر ماه ۱۳۳۹

بسم الله الرحمن الرحیم

رب یسر و تمم

حمد و سپاس لایق بعد دانفس و انفاس خلایق مرخالق قدیم راکه جواهر روحانی و عناصر جسمانی از مکامن عدم در میادین وجود، بقدرت بدیع ابداع کرد. وبسایط فسطاط خضرا، وبساط بسیطه غبرا را محتوی برغرایب حکم بحکمة منیع اختراع فرمود. وباختلاف احوال سال بشتا ومصیف، واتفاق ایام ولیال بربیع و خریف صحاری و براری وجبال و تلال آنرا مظهر اطهار اجناس از هار، و انتشار انواع انوار ساخت. وبابنات نبات در مراتع اوساط بسیط و حواشی آن بطیب هوا و تطییب غذا برصنوف و افراد رواتع و حواشی خصوصاً درخراسان، خور آسان کرد، و قطر نسابور صینت عن الفتور باعتدال هوا وفسحت فضا و نزهة اماکن وخلقة معادن براماکن ومساکن اقطار هردیار فضیلت بخشید، وطینت طیبه وتربت طاهره آنرا منبعث اولیاء کرام و اصفیاء عظام وعلماء هداة وادباء ثقاة داشت.

درود بیغایت و سلام و تحیة بی‌نهایت کی آن خلص کرام باوقات ولیالی وایام باد فره نثار، نثار آستانه نبوت حضرة سید المرسلین و شفیع المذنبین و رحمة للعالمین و خاتم النبین صلوة الله وسلامه علیه و علی آله وصحبه اجمعین کردند

سبب رفعت مقام، وقربت علی الدوام، و حلول منازل هدایة عظمی، و صعود مدارج ولایة کبری ایشان گردانید: صلوة الله و تحیاته علی المصطفی حبیب الله محمد النبی الامی و علی آله و اصحابه اجمعین.

غرض ازعرض این تقریب آنکه در سالف زمان، وسابق اوان وقرون ماضیه،

سنه ثمان و ثمانین و ثلثمائه. شیخ اسلم واسوة اولیای کرام سلطان المحدثین برهان المحققین امام حاکم شیخ ابوعبدالله النیسابوری رضی‌الله عنه. بوصف نسابور قدیم، کتابی کریم بلغت فصیح صریح، ثبت فرموده‌اند، و مقصود اعظم و مقصد اهم ازآن کتابة ذکر اسامی کرام صحابه وعظام تابعین و اولیاء و اصفیاء امت است که بآن بلدهٔ نفیسه وارد و صادر شده‌اند ودرآن شهر نشو وظهور یافته وبذکروقت ولادة، وصفت نشاة، وبیان نسبت، وارادة وسلوك وریاضة، وکیفیة صحبت وخلوة، و شرح کرامه و مدة حیوة و سنه وفات و مدفن هریك ازآن اربـاب الباب، آن کتاب باجار ده مجلد اطناب یافته و برسبیل مذییل و طریقه تطویل بعضی از اوضاع شهروبانی‌وبنا وبنیان وتقلب احوال و ظهور دین اسلام و اسلامیان بس اوصاف معابد ومساجد وبعضی مفاخر و مآثر آن بیان‌فرموده، و باشاره‌آیه وحدیث نفیس وآثار ائمه کبارموشح گردانیده، بعدهابعضی‌ازاجله‌کرام‌و ائمه اسلام رضی‌الله عنه وعنهم از آن‌کتاب نفیس‌مختصری هم بعبارة تـازی مشتمل براسامی کرام اولیا و اعـلام اصفیا وبعضی از آن مذیـلات انتخابی فرموده بعدالاستجازت آن اختصـار را بآثار سلف بطریق ایجاز بعبارت فارسی ترجمه اتفاق افتاد مگرآیات تنزیل و احـادیث نبیل که بهمان‌نظم‌فصیح‌صریح کتابة یافت‌ورمزی ازآن بفارسی معروض گشت.

نکتهٔ‌که کشف بعضی‌مقاصد آن‌کتاب بآن‌منوط وفهم مرادبآن مربوط است،آنست که بعرف فصحان عرب‌وسکان‌غرب، خراسان عبارت ازطرف شرق است تاغایت‌که: خوارزم و ماوراء النهر و حوالی آنرا خراسان خوانند و دیگرآنك هرمتکلم بلغت اهل خراسان را بفارس نسبة دهند و فارسی گویند هر چند اصطلاح این دیار خراسان عبارة از این بعضی اماکن معینه و فـارس اشارة بآن بعضی بلاد معلومـه است چنانچ سلمان رضی‌الله‌عنه باآنك اتفاق جمهور است‌که از اصبهان بود واصبهان

از عراق عجم است ایشان را بفارسی وصف فرموده‌اند وکلی این کلمات ترجمه کلام آن امام است قدس سره و اگر احیاناً بروجه تقریب و محل تاویل حکایتی یا روایتی ازجانبی دیگر ذکر کرده شود بر آن تنبیه خواهد شد وبالله العصمة والتوفیق

ذکر مفاخر خراسان باشارت آیات و احادیث و اخبار کبار سلف

عن ابی‌هریره رضی‌الله عنه فلمانزلت هذه‌الایة «و آخرین منهم لمایلحقوا بهم» کلهم‌فیها الناس فاقبل رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم‌الی‌سلمان فقال هم قوم هذا.«لوکان‌الدین بالثریالناوله رجال‌هوالاء»

امام حاکم فرمود که این حدیث در صحیح امام مسلم قشیری رضی‌الله عنه مذکور است مفهوم آیة و ماقبل آن والعلم عندالله : اوست آن خدائی که بعث‌فرمود درعرب رسولی از ایشان که میخواند بر ایشان آیات او ، وپاك میگرداند ایشان را از اعتقادات و اعمال خبیثه ، و تعلیم میدهد ایشان‌را قرآن و احکام شریعت و سنة ، و بدرستی که بودند ایشان پیش از آن بعثت در ضلالی آشکار و درکسان دیگر یعنی بعث فرمود در عرب و درکسان دگر آن رسول را و آن کسان دگرقولی است که همه مؤمنان‌اند که بعداً از صحابه پیدا آمدند و پیدا آیند تا قیامت . وقولی دیگر آنست که مراد عجم است بدلیل آنك چون این آیة نازل شد صحابه در آن سخن گفتند و دوبار یا سه بار از حضرة صلوة‌الله علیه وسلامه علیه سؤال کردند سلمان فارسی رضی‌الله‌عنه حاضر بود حضرة صلوة‌الله علیه وسلم دست مبارك بر سلمان نهادند وفرمودند این وقوم او، ودرحدیث که مذکور شد چنین است که آن گروه قوم این اند . اگر ایمان معلق بودی بپروین هر آئینه دریافتی اورا مردانی ازقوم او

وجهی دیگر در آیه آنست که بعث فرمود رسولی که تعلیم میدهد ایشانرا قرآن

وسنت وتعلیم میدهد آن کسانرا قرآن و شریعت وسنة وتحقیق آیه چنان مینماید
که هرپاك وعالم بکتاب وسنة که بود وباشد تاقیامت پاك کننده وتعلیم فرمایندهٔ همه
نورمقدس حضرت مصطفی اند صلوةالله وسلامه علیهم بسلمان فارسی ویاد کردن ایشان
قوم اورا اشارت است بهمه کسانی که بفارسی سخن میگویند تااقصی بلاد خراسان
این آیه درشان این جماعت نازل است.وایضا درحدیث است که . چون حضرةصلوةالله
وسلامه علیهم این آیت خواندند که: ان تتولوا یستبدل قوم غیرکم ثم لا یکونوا امثالکم
مفهوم آیه والعلم عندالله اگر روی بگردانید یعنی از ایمان وطاعة بدل آورد خدای
تعالی قومی غیر شما. پس نباشند ایشان امثال شما یعنی روی ازایمان نبگردانند و
طاعت کنند. صحابه گفتند یارسول‌الله کیستند آنها که بدل ما بیاورند ونباشد امثال ما
حضرت صلوه‌الله وسلامه دست مبارك بران سلمان زدند پس فرمودند هذاوقومه این
وقوم او. لو کان الدین عندالثریا لناوله رجال من الفرس اگر بودی دین نزدیك پروین
هرآینه فراگرفتی آنرا مردانی ازفرس یعنی فارسیان

الاحادیث

عن ابن عباس. قال ذکرت فارس عندالنبی صلوةالله وسلامه
علیه قال فارس عصبتنا اهل البیت قلنا ولم یا رسول الله قال لان
اسمعیل عم ولد اسحق ـ واسحق عم ولد اسمعیل

عبدالله عباس رضی الله عنهما فرمود که ذکر کرده شد فارس پیش حضرت
نبی صلوةالله وسلامه علیه فرمودند که فارس عصبهٔ ما انداهل البیت، گفتیم چرا یا
رسول الله فرمودند برای آنك اسمعیل عم فرزندان اسحق اند، و اسحق عم فرزندان
اسمعیل. عصبه اقربا را گویند که ازطرف پدر باشد چون برادر پدر و مادری وپدری و
پسران ایشان وعم همچنین وپسران ایشان گوید که این طایفه از اولاد اسحق اند
علیهما السلام.

عن ابی هریره: قال رسول الله صلوة الله و سلامه علیه اعظم الناس نصیبا فی الاسلام اهل فارس
مفهوم حدیث والعلم عندالله بزرگوارترین آدمیان بجهت نصیب در اسلام اهل فارس اند.

آثار سلف عظام رضی عنهم

حضرت امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه فرمودند: والعلم عندالله ترجمه این است بدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست کـه آنـرا مرو گویند اسلس آن ذوالقرنین کرد وعزیر علیه السلام در آنجا نماز گزارد در آن جویهاء آب روان نهاده وزمین آن گشاده برهردری ازدرهاء آن ملکی شمشیر کشیده دفع میکند از آن شهر بلارا تاروز قیام ساعت. وبدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست آنرا طالقان گویند چه گنجها استدر آن شهر، لاازنقره وزر لکن مردان ایمان دار، دین پرور، ایشان درمصلی بطاعت قائم وخلق دربستر نائم. وبدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست که آنرا اشاش گویند قایم اودرحجرات ونائم درجامه خواب همچون مجاهد آلوده بخون استدر راه خدای بطلب ثواب. وبدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست که آنرا بخارا گویند وچه مردانند ببخارا ایمن ازفریاد هنگام فتور، ساعة اندوه خندان ازسرور، خوش باد بخارا رااطلاع فرمایند: خدایتعالی برایشان هرروز اطلاعی پس بیامرزدهر کس راکه خواهد از ایشان و توبه قبول کند از هرکه توبه کند از ایشان. و بدرستیکه خدایتعالی را بخراسان شهریست آنرا سمرقند گویند بنانهاد آنرا شمربن برعش در گذرد خدایتعالی از گناهان ایشان وقبول کند فریاد و انـدوه ایشان منادی می کند بایشان هرشب منادی خوش باد شما را وخوش باد شمارا جنة عیش خوش و گوارنده باد سمرقند را، وهرکه را درحوالی اوست ایمن آید ازعذاب خدای تعالی در روز قیامت. اگرفرمان برید سید کریم را صلوة الله و سلامه علیه، پس فرمودند حضرت

امیرالمؤمنین کرم الله وجهه خادم خاص خود ابن کوا رضی‌الله عنه که ای ابن کوا چندست میان فوشنج وهرات گفت شش فرسخ فرمودند نی بل هفت فرسخ است زائد نیست یك میل و کم نیست یك میل. همچنین خبر کرد مرا خلیل‌من یا حبیب من صلوة الله علیه بعد از آن فرمود بدرستیکه خدای تعالی رابخراسان. شهریست آنرا طوس گویند وچه مردانند بطوس مؤمنان درمیان ایشان است حجة قائم باشد بطاعت او واحیا کنند سنت نبی او صلوة الله وسلامه علیه. وبدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست آنرا خوارزم گویند نائم او در و همچون قائم است در درازتر ایام تابستان. بدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست آنرا جرجان گویند خوش است زرع او، سبز است صحرای او و کوههای او، کثیرست آبهای او، وسیع است برخورندگان مایه‌های او، اوامر خدا را مترصد، و بطاعة او متعبد خوش ایشان را و خوش ایشان را. اگر ایمان آرند و طاعة دارند. و بدرستی که خدایرا بخراسان شهریست آنرا قومس گویند وچه کوهها است برجوانب قومس. و بدرستیکه در قومس اعتبار و منزلتست ارباب الباب را.

وامام شعبی رضی‌الله عنه گفت نرود شبها و روزها تا منتقل نگردد علم بخراسان و عبدالله عباس رضی‌الله عنهما گفت چون برون آید علماء سیاه ازخراسان آن مار است اهل البیت.

و روایة است از شریك بن‌عبدالله که او گفت خراسان کنانهٔ خدای است عزوجل در زمین او. پس چون غضب فرماید خدایتعالی برقومی تیرزند ایشان را بکنانهٔ خویش و عبدالله مبارك گفت که بیرون نیامد از خراسان علمی که باز گردانیده شده باشد پیش ازآنکه فتح و نصرت یابد و امیرالمؤمنین علی کرم‌الله وجهه فرمود که بدرستیکه مرپدرما ابراهیم را علیه السلام

نشانها بود در کوهها خراسان ، بآنجا آمدی و آنجا مسجد بنانهاد ، و آثار ایشان اینجا پیداست و عبدالله عباس رضی‌الله عنهما در مسجد حرام غریبی دید فرمود که بگوی ازکدام شهری گفت ازاهل‌خراسانم گفت ازکدام شهری گفت ازهراة گفت از کدام موضع هراة گفت از فوشنج گفت مرابراهیم را علیه‌السلام دو مسجد بود مسجد حرام یعنی درمکه و مسجد فوشنج . پس‌از درختی که نزدیك مسجد بودی پرسید فوشنجی گفت درخت برحال خودست . فرمود که پدرم عباس بن عبدالمطلب رضی‌الله‌عنه مرا گفت که بسیار در سایهٔ آن درخت چاشتگاه خواب کرده‌ام.

ذکر فضائل نیسابور شیخ ابن جریح از کبار تابعین فرمودند که بهترین خراسان نیساربوراست پرسیدند که برای خود فرمودید گفت بل که‌شنیده‌ام درحدیث، امام‌حاکم فرمود این آن‌حدیث است که مروی است ازابن‌مخارق عن‌النبی صلوة‌الله‌وسلامه علیه : قال‌خیرخراسان‌نسابور و روایت است ازشیخ ابراهیم بن طهمان وایشان‌نیز از کبارتبع تابعین‌اند که خیرخراسان‌نسابوراست وشیخ‌عبدالله مؤذن‌نسابوری رحمه‌الله گفت حضرت‌خواجه را صلوة‌الله وسلامه علیه بخواب دیدم که فرمودند که من‌این انت ازکجائی‌تو ، گفتم از نسابور فرمودند صلی‌الله علیه و سلم نعم‌البلد نسابور . نیك شهریست نیشابور

ذکر صحابه کبار رضوالله‌علیهم به نیسابور رسیده‌اند یا گذشته‌اند یاساکن شده وروضهاء مبارك‌ایشان آنجاست:قال‌صلوة‌الله‌وسلامه‌علیه مامن احد من اصحابی یموت بارض الابعث قایداً او نوراًلهم یوم‌القیامة : العلم عندالله فرمودندکه نیست هیچ یکی از اصحاب ماکه فوت شود درزمینی‌مگر که‌برانگیزند اورا پیش رو اهل آن زمین یانور ایشان روزقیامت. راوی‌راشك است که قاید فرمودند یانور فرمودند

امام حاکم فرمود که هر کدام از صحابه که بمرو یا هرات یا بلخ یا بخارا یا سمرقند فرود آمده‌اند به نیسابور آمده‌اند در رفتن و آمدن و یا رفتن یا آمدن .

اول ـ ابوالفضل عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف عم حضرت خواجه ماصلوة الله وسلامه علیه وحاصل قصهٔ ایشان آنست که ایشان اول عمر تجارت میکردند واز دیار مکه بخراسان میآمدند واجناس بزازی از خراسان میبردند و تردد ایشان بهراة و فوشنج بود .

عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت پدرم مرا خبر کرد که او بسیار بزیر درخت خواب چاشتگاه میکرد عبدالله عباس مردی رادید از خراسان گفت از کدام شهر خراسانی گفت از اهل فوشنج گفت آن درخت که در کوه اسفار (؟) است میدانی گفت بلی همچنان است گفت که پدرم گفت که بسیار آنجا خواب چاشتگاه کرده‌ام وفرمود که پدرم رخت بزازی از خراسان بمکه میبرد ابن مخلد میگوید که شیخ من بمکه مرا گفت کسی رادید جامهای عجیب نه برسم اینجا پرسیدم که کیست گفتند عباس بن عبدالمطلب عم خواجه ماصلوة الله وسلامه علیه از ایشان پرسیدم که این جامه از کجاست فرمود که بهراة بودم از آنجا آوردم این جامه‌ها را

صحابی دیگر: بریدة بن حصیب بن عبدالله اسلمی چون حضرة خواجه ماصلوة الله وسلامه علیه از غزاء بدر مراجعت فرمودند او اسلام آورد و آخر در مرو فوت شد و نزدیک حصارك مرو دفن کردند پسرش عبدالله میگوید که پدرم بریده گفت مرا حضرة مصطفی صلوة الله وسلامه علیه فرمود یا بریده: انه سیبعث بعدی بعوث فاذا بعثت تلك البعوث فکن فی بعث المشرق ثم کن فی بعث خراسان ثم کن فی بعث ارض یقال له مرو فاذا اتیتها فانزل مدینها فانها بناها ذالقرنین وصلی فیها عزیر انهارها تجری بالبرکة علی کل باب منها ملك شاهر هاسیفه یدفع السوء عن اهلها الی یوم القیامه . مفهوم حدیث و العلم عندالله

ای بریده بدرستی که برانگیخته شود از مالشگرها سپس چون برانگیخته شدند آن لشگرها پس باش در لشگر مشرق پس باش در لشگر خراسان پس باش در لشگر زمینی که گفته میشود مر آنرا مرو پس چون بیائی در آن زمین فرود آی در شهر آن پس بدرستی که آن شهر بنا کرده است آنرا ذوالقرنین و نماز کرده است در آن عزیر جویهای آن میرود ببرکت. برهر دری از آن ملکی است شمشیر کشیده دفع میکند بدی از اهل آن تا روز قیامت.
و روایتی دیگرست از رسول صلوة الله وسلامه علیه که بریده ربع الاسلام. العلم عندالله بریده چاریك اسلام است و مؤید این حدیث است آنچ روایت است که بریده اسلام آورد آن وقت که حضرة خواجه ما صلوة الله وسلامه علیه از مکه هجرة فرمودند باامیر المؤمنین ابی بکر رضی الله عنه و عامر بن فهیره بمدینه بریدة آمد و از جانب مکه بود اگرچ هنوز آشنا نبود اما چو برنبی آمد و پی روی کرد باین پی روی نیز محبوب حق شد و نور نبوت بروی تافت و اسلام آورد وجون سیم خدام شد که با حضرة بودند صلوة الله وسلامه علیه اورا ربع اسلام خواندند و بریده گفت بمدینه درنیائیم مگر باعلمی. وجامهٔ خود بگشاد و برسر نیزه تعلیق کرد و در پیش مرکب حضرة خواجه ما صلوة الله وسلامه علیه میرفت پس اول علمی که در اسلام بسته شد علم بریدة بود رضی الله عنه وارضاه و بریدة و این قصه و بودن او در خراسان فضلة ومفاخرة است اهل خراسانرا

و روایت است که خواجهٔ ما صلوة الله و سلامه علیه فرمودند مر او را یابریدة لایکل بصرك ولا یذهب سمعك انت نور الاهل المشرق مفهوم حدیث والعلم عندالله. ای بریده مانده نشود بصر تو و نرود سمع تو و تو نوری اهل مشرق را وصیت کرد که جون فوت شود او را برمیان راه جاده دفن کنند و جون قبر کندند و لحد ساختند ازهمه جوانب دیوارهاو لحد درهم افتاد از آنجا دور بردند و علی حده برمیان راه گذر روضهٔ او مرتب کردند رضی الله عنه

صحابی دیگر- عبدالله بن حصیب برادر بریده پیشتر از بریده وفات کرد رضی‌الله عنهما

صحابی دیگر: الحکم عمر والغفاری رضی‌الله‌عنه امام حاکم فرمود که معاویه بن ابی‌سفیان حکم‌را برمال خراسان عامل کرد حکم رضی‌الله عنه باکفار جهاد کرد و غنیمتهاء بسیار گرفت بمعاویه نامه نوشت که غنیمتهاء بسیار بسیار گرفتم معاویه باو نوشت که نیك بنگر هرچ از صفرا و بیضا یعنی زرونقره یابی همه را با امیرالمؤمنین بفرست وباقی برلشکر جهاد قسمت کن حکم رضی‌الله‌عنه علما را جمع کرد و گفت حکم شرع چیست گفتند کتاب خدای تعالی آنست که همه از آن لشکر جهادست مگر خمسی که از آن سادات ودیگر مستحقانست وگفتند که معاویه را در آن حقی نمی‌بینیم حکم رضی‌الله‌عنه بمعاویه نامه‌نوشت که نامهٔ تو باکتاب خدای عرض کردم موافق نبود متابعة کتاب خدای واجب دیدم آنچه غنیمت گرفته بودم همه برلشکر قسمت کردم معاویه فرستادتا اورا حبس کردندودر سلاسل وبندها کشیدند حکم خسته شد ودر آن فوت شد بوقت وفات وصیة کرد که اورا باسلاسل وبندفن کنند تامخاصمه کند با معاویه روز قیامت که اورا برای‌چه امربند کرده است و او را پهلوی بریده دفن کردند چنانك میان ایشان یك ذراع بیش نیست رضی‌الله‌عنهما.

صحابی دیگر: عطیة بن عمر والغفاری برادر حکم که ذکر رفت واونیز مدفونست بمرو نزدیك برادر اوحکم رضی‌الله‌عنهما.

صحابی دیگر: ابوزره اسلمی رضی‌الله عنه ونام او گفته‌اند عبدالله و ساکن مدینه می‌بود از آنجا ببصره آمدبس بخراسان آمد و در خراسان فوت شد سر او اولاد او بمرواند بدرستی که روایت است که به نیسابور فوت شد اینجا آسوده است رضی‌الله‌عنه

صحابی دیگر: عامر بن سلیم الاسلمی رضی‌الله‌عنه و می گویند که اوصاحب علم

بود کرم‌الله وجهه سه مقدمه علم نحواز ایشان تعلیم گرفت وعلم‌نحو استنباط کرد و بخلیل‌بن احمد آموخت و خلیل بسیبویه آموخت واقوام دیگربس این‌علم منتشر، خخام را بمرو اولاد وآثار است .

صحابی : العباس‌بن مراس السلمی الشاعر باحضرت‌صلوة‌الله‌وسلامه‌علیه صحبت داشت و او را درمرو فرزندان بودند

صحابی : اقرع وورقه پسران حابس‌تمیمی .

صحابی : محتقربن اوس باحضرة صلوة‌الله و سلامه علیه صحبت داشت وآخر بموقف وطن گرفت .

صحابی : قاسم‌بن عباس‌بن عبدالمطلب با لشگر اسلام بغزا بخراسان آمد و باامیرالمؤمنین‌حسن کرم‌الله‌وجهه برادر رضاعی بود و او بسمرقند فوت شد و او را بحضرة صلوة‌الله و سلامه علیه مانند میگفتند چون پسرعم بود .

صحابی دیگر:اس‌بن ثعلبة التمیمی باسعیدبن عثمان‌بغزا بخراسان‌آمد

صحابی دیگر :کعب بن‌عتیبه اورا بمرو اولاد بود

صحابی:عبدالله‌بن‌خازم‌سلمی‌والی‌نسابور بوداز‌جانب‌عبدالله‌بن‌عامر‌وساکن‌جوین شد واورا آنجااولادشدند امام‌حاکم‌فرمود‌که آنجا اولاداورادیدم قوی‌بودنددهاقین.

صحابی:ابوعمروانصاری‌درمرو‌درقریه‌بایشان‌ساکن‌شدواوراولادبودندعلماوفقها

صحابی دیگرمحمد مولی حضرة خواجه ما صلوة‌الله و سلامه علیه و از مرو بود تجارت میکرد نام‌او ماناهیه بود مجوسی نمودی‌خود را ناگاه‌نام حضرت ما شنود صلوة‌الله و سلامه‌علیه هجرت کرد وبحضرت خواجه آمد صلوة‌الله وسلامه علیه اورا محمدنام نهادند و مولی حضرة شد صلوة‌الله وسلامه‌علیه وسلمان بمرو مراجعه کرد و در مقابل در مسجد جامع مروسرای اوبود

امام حاکم فرمودکه آنچ بما رسید از صحابه که این دیار بقدوم ایشان مشرف شد این بود که ثبت افتاد .

ذکر بزرگان کی بنسابور رسیده‌اند ازعلماواشراف تابعین رضوان‌الله علیهم اجمعین وساکن شده‌اندیا گذشته‌اند

فایده ـ هر کس که باایمان در بیداری حضرة خواجه ماصلوة‌الله وسلامه علیه رادیداو صحابی‌است و آنها که باایمان صحابه را در یافتند اما خواجه مارا صلوة‌الله و سلامه علیه ندیدند یادیدند اما در آن زمان ایمان نیاوردند بعد از آن ایمان آوردند این جماعة را تابعین خوانند . کعب اخبار در زمان خواجه ما بود صلوة‌الله وسلامه علیه‌اما بعد از آن زمان‌ایمان آورد اونیز از تابعین است و کسانی که صحابه را ندیدند اما علماء تابعین را دیدند این جماعت را تبع تابعین گویندو کسانی که این جماعت بزرگان‌را دریافتند اما تابعین‌را ندیدند ایشانرا اتباع گویند تابعین‌قرن دوم‌اند ازصحابه۔ تبع تابعین‌قرن سیم‌اند ازصحابه ـ اتباع‌قرن چهارم‌اند ازصحابه رضوان الله علیهم اجمعین

احنف بن‌قیس سعیدی.امیة‌بن‌اسعدخزاعی .اسلم بن ذرعه. اس بن ودیعه. ارقم‌بن ارقم.درزلزله‌نسابوربرحمت خدای‌منتقل شد. بسربن جلال‌عدوی.بکربن‌با عر کوفی. بشیر بن‌یحیی.ازعلماتابعین بود.واز نسابور بود بمروو ساکن‌شد،ثمانة بن‌عبدالله‌بن‌انس‌بن مالك‌رضی‌الله عنه.جعدة‌بن هیره مخزومی حضرة امیرالمؤمنین علی کرم الله‌وجهه خال او بودند علم‌از حضرة ایشان آموخت‌وحدیث‌ازایشان روایت داشت جاریة‌بن بدر بنسابورفوت‌شدومدفن مبارکش اینجاست ، خراج‌بن‌عبدالله الحلمی‌ابن سعید البلخی جراب بن عبدالله التمیمی الحسن البصری الزاهد النقیه الواعظ کنیة ابوسعید و کنیة ابیه ابوالحسن از تلامذه و تربیة یافته حضرة امیرالمؤمنین علی بود کما هو

مشهور کرم‌الله وجهه. الخرث‌بن عمرو الکیدی، الحکم‌بن کثیر الحارث المازنی حضیر‌بن المبذر، حجاج‌بن الثقفی، خلد‌بن عبدالله خلد‌بن الاسلمی داود‌بن عمان بن حبیب. ابوسلیمن النیشابوری علم حدیث از انس‌بن مالك استفاده کرد. الربیع بن انس‌بن‌مالك بمرو ساکن شد، الربیع بن زیاد بهراة فوت شد، زید‌بن الحواری البصری قاضی هراة، زیاد‌بن ابی عمرو التابعی، سعید‌بن امیرالمؤمنین عثمان بمدینه متولد شد وبالشکر تمام بغزاء خراسان آمد ودر آن لشکر صحابه و تابعین بودند وبنسابور آمد و لشکر بماوراءالنهر برد و بخارا و سمرقند او فتح کرد، سعید بن عبدالرحمن السلیمن البصری، سلیمان از اولاد حصیب الاسلمی، سالم الخراسانی و او از نیسابور بود، سلیمن‌بن ربیعه - شهر‌بن حوشب، صلت‌بن ایاس، سفرة‌بن حمید ضحاك‌بن مزاحم، طلحة‌بن ایاس البصري، طلحة الطلحات، با لشکر سعد‌بن عثمان بود رضی الله عنه بنسابور آمد عبدالله‌بن بریده‌بن خضیب الاسلمی، عبدالله صامت و این صامت پسر برادر ابی ذرغفاری بود رضی الله عنه، عامر‌بن شراحیل الشعبی همدانی، علقمة‌بن تیس النخعی از ملازمان تلامذه حضرة امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه علم از ایشان آموخت، عطا‌بن ابی السایت المکی، عمرو‌بن عبدالله الهمدانی، عمرو‌بن سالم الانصاری، عمرو‌بن مسلم عمرو‌بن‌عبدالله عکرمه، مولی عبدالله عباس مدتی در نیسابور فتوی او داد، عباد البصری، علیا‌بن احمر، غیاث بن عبدالله از کبار الصحاب امیرالمؤمنین علی بود کرم الله وجهه، قرعة‌بن دنیا و قتیبة‌بن مسلم از علماء تابعین بود و والی خراسان بود، محمد‌بن واسع البصری الزاهد مهلب الاردی، مغیرة‌بن عبدالملك، مشعث بن طریف، مروان‌بن عبیدالله النیسابوری وله اولاد کبار، مصعب بن ابی زهیر مقاتل بن سلیمن البلخی، منصور‌بن عبدالحمید الخراسانی، نصر‌بن عمران نافع، مولی عبدالله بن عمر، نافع الارزق

نهارالعبدی ، وهب بن منیة‌ابن وهب وهمام و عبدالله و معقد پسران منیة از هراة بودند کسری ایشانرا اجلاکرده بفارس برده بود هرون بن عبدالله بن علمر ، لاحق بن حمید، یحیی بن یعمرفقیه ادیب از کبار تابعین بود ، ابن حمید البصری ، یحیی بن عقیل البصری ، یزیدبن المهلب و الی بود هریك از این بزرگان کوکب دری آسمان علم وهدی بوده‌اند.

ذکر اتباع التابعین من النسابوریین و من وردها اوسکنها او حدث بها

من‌علماءالاسلام: ابراهیم بن‌طهمان بن‌سعیدالفقیه‌الزاهد بهراة متولـد شد و بنسابور وطن گرفت و آخر بمکه رفت ومجاور شد آنجا برحمت حق منتقل شد رضی‌الله‌عنه‌وارضاه ، ابراهیم‌بن‌مراء بن‌بصربن انس‌بن مالك انصاری، ابراهیم‌بن‌رستم المروزی‌الفقیه ساکن نیسابور شدو اینجـا وفات یافت ابراهیم‌بن سلیمان البلخی ، اسمعیل‌بن‌ابراهیم‌النیسابوری ، اسحق‌بن بشرالکاهلی ، ابوحذیفه‌البخاری اصل او از بلخ ومنشأ اوبخارا، احمدبن ابی‌طیبه‌الجرجانی، اصرم‌بن‌حوشب‌الخراسانی ، اصرم‌بن غیاث‌النیسابوری مسجده فی محلة‌الزمجار اسدبن‌عبدالله از علما بود و والی بود در خراسان، انس‌بن عیاض‌المدنی، بسار بن‌قیراط‌النیسابوری، بکربن‌معروف‌النیسابوری، سنه‌ثلث وستین و مائه وفات یافت، جعفربن‌الحارث جـارود النیسابوری ، حسن‌بن محمدالقاصی، حسین‌الولید شیخ‌شهر بود در نسابور سنه ثلث و مأتین برحمت حـق پیوست،حسین‌بن‌داودالبلخی حمادبن‌سلیمن‌الفقیه‌النیسابوری‌مسکنه بمحلة‌قز حفص‌بن عبدالرحمن النیسابـوری ، حفص‌بن سالم‌السمرقنـدی ، حجاج‌بـن ارطاة الکوفی ، حبیب‌بن مهران‌النیسابوری، الحکم‌بن عبدالله البلخی خارجه‌بن مصعب السرخسی ، اودبن سلیمن‌الجرجانی داودالقشیری ، زافربن سلیمن القهستانی زهیربن محمد

نسابوری سکن مکه والمدینه ، سفین بن الثوری امام عصره و زاهد زمان بنسابور رسید وقت رفتن ببخارا ، سفیان بن حسین سلمی ، سلیمن بن عیسی سخری ، سلم بن قتیبه که این قتیبه والی خراسان بود ، سالم بن سالم البلخی ، سعیدبن سالم بن قتیبه چون جد والی نسابور بود، شیبان بن ابی شیبان، شفیق بن ابراهیم الزاهدالبلخی، صالح بن سعید النیسابوری ، عبدالله بن مبارك امام عصره فی الافاق ، عبدالله مسلم الدمشقی ، عبدالله بن عبدالرحمن النیسابوری ، عبدالله بن و افدالهروی، عبدالله بن عبدالرحمن عبیدالله بن محمـدالنـیسابوری فقیه عصره ، عبدالله بن المطوعی ، عبدالرحمن بن مسلم ابوقتیبه، ابومسلم عبدالرحمن حاجب الدوله عبدالرحمن بن عبدالله النسوی قـاضی نیسابـور ، عبدالرحمن عماد النیسابوری ، عبدالعزیزبن ابی رواد ، عبد العزیز المروزی ، عبدالملك الاصمعی

اما اهل اللغة عمر بن هارون البلخی، عمر بن الرماح، ابوعبدالله عمر القاضی اصل او از بلخ بود اما عبدالله نیسابوری است ،عمر بن قیراط النیسابوری ، عیسی بن موسی البخاری، عیسی بن ابراهیم القرشی، عیسی بن نصرالله السرخسی، ابوعامر النیسابوری، عامر خداش النیسابوری ، عینة بن عبدالرحمن اللغوی، فضل بن خالدالنحوی ، فضل بن موسی المروزی، قتیبة بن سعیدالبغلانی در نیسابورمقیم شد عینة قحده بن سلیمن البصری ورد نیسابور، کتانه بن حلیلة الهروی و گویند بپوشنج ساکن بود ، محمدبن مشیر الصقانی ، محمد بن الفضل بن عطیه محمدبن الحق القرشی توفی ببغداد ، محمدعبدالرحمن المقری ، معمر بن حسین الهروی، معروف بن حسان، مورخ بن عمروالبصری اقام بنیسابور ابوسهل نصر النیسابوری، نصر بن عبدالکریم النیسابوری مکی بن ابراهیم البلخی، مجیر بن مخدم در اصل از بصره بودند اما در نسابور متولد شد ، نهشل بن سعیدبن وردان ازعلماء نسابوربود، مسکن اودر کوچه صرامین بود درمسجد اومسجد عتیق برسر کوچه بعدها

بلقاباد انتقال فرمود، نوح بن ابی مریم المروزی، نصر بن سمیل المازنی صاحب علم عربیة، وهب بن وهب الفرسی القاضی واو از خراسان بوددر اصل بی شکی و گویندکه از نسابور بود ولیدبن سلمه الازدی از اهل طبرستان بود، هیاج بن بسطام التمیمی الهروی اکثر اوقات ساکن نسابور می بودند مدفن مذکور نیست اما یحیی بن صیح النیسابوری معلم قرآن اول معلمی که درنیسابور قرآن بمسلمانان تعلیم داد ومسجد ایشان معروف بود بر در کاروان سرای معربکه رفت و آنجا وفات یافت رضی الله عنه امام المحدثین که دعا برسر قبر ایشان مستجـاب است البته اما یحیی بن بکربن عبدالرحمن التمیمی کنیته ابوزکریا معلم قرآن بود بنیسابور متولد شد اولاد درنسابور مدفون اند در معیره، حسن بن معاذبن مسلم رضی الله عنهم

اتباع الاتباع بعدالصحابه وهوالقرن الرابع بعدالنبوة والثالث بعدالصحابه

ابراهیم بن نصر بن منصور ابواسحق الفقیه، ابواسحق ابراهیم بن هانی النیسابوری سکن ببغداد، ابراهیم بن الحارث بن اسمعیل ابواسحق البغدادی سکن بنیسابور و توفی بها، ابراهیم بن مخلد الکبیر، ابراهیم بن محمدبن عبدالله الرباطی ویقال له الحمال، ابراهیم بن عبدالله بن یزیدالسعری، ابراهیم بن سالم ابوخالدالنیسابوری، ابراهیم بن زیدالاسلمی النیسابوری، ابراهیم بن الاشعث ابواسحق البخاری ابراهیم بن اسحق عیسی السان الطالقان و یقال المروزی، ابراهیم بن ابی صالح وابو صالح اسمه هاشم بن عبدالله الثقفی المروزی ضاضی نیسابور وتوفی بها، ابراهیم بن محمدالقرشی من اهل مدینه وردبنسابور واستوطنها وتوفی بها، ابراهیم بن محفوظ ابواسحق السلمی، ابراهیم بن سعدان الحمراوی ابواسحق الازدی النیسابوری، ابراهیـم بن منصور ابواسحـق، ابراهیم بن شماس المروزی الزاهد ابراهیم بن هاشم بن منصورالنیسابوری ابراهیم بن مهدالبزازالبصری امام بنسابور، ابراهیم بن محمدبن عبدالله السلمی و محمد ملقب

ملحمش النیسابوری ، ابراهیم بن عمار الانصاری، ابراهیم بن الایوب النیسابوری ، ابراهیم
بن عثمان النیسابوری، ابراهیم بن سلیمن الخیاط النیسابوری ، ابراهیم عبدالرحمن البصری
نزیل نیسابور ، ابراهیم بن الفضل ابواسحق النیسابوری، ابراهیم ابن الفضل یحیی
النیسابوری، ابراهیم بن القاسم اخو بشر بن القاسم الفقیه، ابراهیم بن الحصین بشر النسابوری
ابراهیم بن حرب ابواسحق النسابوری ، اسمعیل بن ابراهیم بن الولید الاسفراینی ،
اسمعیل بن الفضل ابو ابراهیم قاضی جرجان یعرف بالشالجی ، اسمعیل بن
الحجاج ، اسمعیل بن حمید النسابوری ، اسحق بن محلد بن مطر الحنظلی ابو یعقوب
راهومه سکن بنسابور و توفی بها و قیل اصله مروزی وقیل هروی و لکن مات
بنسابور قال له عبدالله طاهر لم قیل لك راهویه و مامعناه قال اناولدت فی طریق مکه
فقالت المراوزه راهویه لانه ولد فی الطریق و کان ابی یکره هذا ولکن انا ما اکره، اسحق بن
منصور بن بهرام الکرسخ مولده بمرو ومنشأوهٔ بنسابور و توفی بها ، اسحق بن ابراهیم
بن یحیی العفصی، اسحق بن عبدالله بن محمد بن زرین السلمی المعروف بالحشل النسابوری
اسحق بن حکم بن ابی خدیحه المهار النسابوری ، اسحق بن ابراهیم السمی النسابوری
اسحق بن نعیم النسابوری ، اسحق بن موسی عبدالله بن یزید الانصاری وارد بنسابور ،
اسحق بن الصباح ابومحمد التاجر النیسابوری، اسحق بن العنبر بن محمد الحرش النیسابوری
احمد بن عمرو بن سعید الحرش النیسابوری ، احمد بن ازهر بن بنیع العبدی ابوالازهر
النیسابوری احمد بن احجم الخزاعی ابوالحسن المروزی سکن بنسابور و توفی بها ،
احمد بن ایوب ابوذر العطار النیسابوری من المدینه الداخله ، احمد بن ابراهیم البرمقی ،
احمد بن ابراهیم حرب بن یزید ابوعبدالله القرشی ، احمد بن بکر النیسابوری ، احمد بن
جواد بن قطی الکثیری النیسابوری، احمد بن حواس ابوجعفر الاستوایی، احمد بن حفض بن
عبدالله بن راشد السلمی النسابوری ، احمد بن الحکم بن سان السلمی النیسابوری احمد بن

حريس ابومحمدالقاضی بنسابور و هراة ، احمدبن حرب وهوسهل بن فيروز وفيروزهو عبدالله الزاهد النسابوری قال يحيى بن زكريا بن حرب ، سمعت ان تقول توفی ابی حرب بن عبدالله الاصفهانی بنسابور سنه ثمانين ومائه وخلف محمدا والسه لتسع واحمد لاربع سنين وولدت امابعد وفاته، احمدبن الحسن الحافظ ابو الحسن الترمذی صاحب امام احمدبن حنبل، احمدبن حمزة النسابوری احمدبن حاج بن القاسم العامری وله مسجدفی نيسابور، احمدبن الخليل ابوعلی البغدادی التاجر سکن بنسابور وتوفی بها ، احمدبن حواس بن محراق السمی النسابوری، احمد بن خلدبن حمادالدنيلی توفی بنسابور، احمدبن خلدبن عبدالله ابو بکر النسابوری ، احمدبن سنان القشيری ابوعبدالله الخرقنی وخرقن قريةعلى باب مدينه نسابور، احمدبن سعيدبن صخرابو جعفر الدارمی ولدبسرخس ونشاة نيشابور وتوفی بها، احمدبن سليمن القری النسابوری شيخ قديم من محلةقز ، احمدبن ستار ابوالحسن الفقيه المروزی ، احمد بن عبدالله الحميری النيسابوری وکنيته ابوجعفر، احمدبن عاصم ابو بکر صاحب ابی عبيد نيسابوری، احمدبن عبدالله بن وافدابو اليدالهروی، احمدبن علی بن حمومه النحوی النيسابوری ، احمدبن عمروابو سعيدالقهندزی النيسابوری احمدبن عبدالرحيم الازدی النسابوری، احمدبن عمر بن عبدالله الفراری، ابوبکر المروزی ولی قضابنسابور، احمدبن عمر بن ربيعه الحرسی النسابوری، احمدبن عبدالوهاب بن حبيب بن مهران العبدی ، ابومحمد النسابوری ، احمدبن علی بن سعيد السرخکی النسابوری، احمدبن عبير النسابوری، احمدبن العباس بن منصور النسابوری، احمدبن معاذبن عبدالله السلمی النسابوری احمدبن منصور بن راشد الحنظلی ابوصالح المروزی و اقام بنسابور ، احمدبن منصور النسابوری ، احمدبن محمدبن يوسف البلخی کتب عنه بنسابور احمدبن مسلم الزاهدالنسابوری کنيته ابومسلم ، احمد بن محمد بن نصر المعروف بالمعاذ النسابوری ، احمدبن مخلد ابو شجاع العيدلانی النسابوری ، احمدبن محمدبن

سعیدالفراری النیسابوری، احمدبن محمدبن المهلب بن همام النسابوری ، احمدبن نصربن زیادالقرشی ابوعبدالله المقری، احمدبن یوسف ابوالحسن السلمی النسابوری ، احمدبن یحیی بن الصباح بن اخی سعیدبن الصباح النسابـوری ، ایوب بن الحسن ابـوالحسن الفقیه الزاهد مسجده ومسکنه بنصرآباد ولمجده کرامات مروته محترمه قبره فی رأس میدان زیاد ، ایوب بن منصورالنسابوری ، اسلم بن سلیمان النسابوری ، اشرف بن محمدالقاضی ابوسعید قاضی نیشابوری من اصحاب ابویوسف القاضی ، اسدبن عمادبن عبدالله العتکی اسدبن عبدالله المرابطی النسابوری ، اسدبن موسی الفقیه النسابوری ، از هربن حبیب النسابوری، اسدبن نوح صاحب خراسان، اسودبن ابی الاسودالنسابوری ، بشربن الحکم بن حبیب بن مهران العبدی ابو عبدالرحمن النسابوری، بشربن ابی الازهر القاضی النسابوری و ابوالازهر نزیل بنسابور وهومن اعیان علماء کوفه ، بشربن القسم بن حماد النسابوری بسربن ،سهل بن موسی النسابوری ابوسهل العباد، بشربن یحیی السکری ابواحمدالمروزی ،بشربن حفص بن یحیی الفقیه النسابوری ،بشربن محمدالعاری المطوعی النسابوری ، بشربن هاشم ابوسهل السجستانی،بشربن عیسی النسابوری، بکربن جداش اخوعامربن جداش النسابوری، بدیل بن محمدالاسفراینی،جعفربن محمد عروة النسابوری جعفربن عبیدالله الفزی النیساوری ، حسن بن عیسی سرخسی ، ابو علی مولی عبدالله المبارک و کان نصرانیا ثم صار امام المسلمین ، الحسن بن ابی عیسی و ابو عیسی موسی بن میسرة الهلالی النسابوری الحسن بن عبدالصمدبن عبدالله بن رزین السلمی ابوسعید النسابوری ، الحسن بن بشر بن القسم بن حمادبن عبدرب السلمی النسابوری ، ابوعلی قاضی نیسابور ، الحسن بن هارون بن المعیره بن فرقد التمیمی النسابوری ، الحسن بن سهل اخوجعفربن سهل المذکر ، الحسن بن شجاع بن رجا ابو علی البلخی الحافظ ، الحسن بن عمروبن عبدالله بن معاذ

حماد بن هرون النسابوری ، الحکم بن المبارك النسابوری ، الحکم بن حبیب بن مهران العبدی النسابوری ، الحکم بن عبدالله الحرودی النسابوری ابوالفضل حامدبن ابی حامد المقری النسابوری ، حامدبن عبدالوهاب الاسفراینی ، حمدان بن خالدابوالعباس القرشی النسابوری ،حمدان بن محمدبن عبدالعزیزبن سلام النسابوری حجاج بن مهاجر ابو یوسف البصری نزیل بنسابور حجاج بن مسلم القشیری، ابومسلم الام النسابوری وتوفی ومسلم کان صغیراً ، حاتم بن یونس الجرجانی اقام نیسابور برهة من الدهر ، خاتم بن منصور ابوطیب الکشی حدث بنشابور ، حمیدبن رنجویه النسوی ، ابواحمد محدث کثیرالحدیث، حسویه بن کیسان اخو محمدبن کیسان النیشابوری ،حسین بن حشام الحرسی النیسابوری ، حسوبه بن عبدالله النیسابوری ابوعلی اخوحسین المرتفع ،حسن بن عبدالرحیم الرتکی الزاهد ،ابوعبدالله المطوعی النیسابوری صاحب الصومعةو المسجد اللذین یتبرك بهما ، حمران بن عثمان بن عفن النیسابوری، خاشدبن اسمعیل البخاری ، حری بن محمدبن یوسف البلخی ،خلدبن حمادبن عمروبن مخلدبن مالك وهوالخخام روی عنه احمد واحمد عندنامدفون بنسابور خلدبن یزیدبن الخلد البلخی النیسابوری ، خشنام بن الصدیق النیسابوری ومسکنه رأس مکه عمارفی سکة معتیاباد، خشنام بن عبدالرحمن النیسابوری المعنیابادی ، خشنام بن عبدالله بن ابی زیادالنسابوری، خضر بن عبدالله بن سنان بن الحکم النسابوری ابوسعید السلمی ، خلیل بن محمدبن عبدالرحمن النحوی ابومحمدالنسابوری ،خلف بن عبدالله العنبری الهروی حدث بنشابور ، خلف بن ایوب العامری ابوسعید البلخی فقیه اهل بلخ ، حدائش بن عمروابوعامر النسابوری، داودبن محراق الفاریابی،داودبن مجدبن مخدم ابوسلیمن قیل ولد بنسابور و مات ببغداد ، داودبن ابراهیم النسابوری ، داودبن علی بن خلف الفقیه الاصبهانی اقام بنسابورمدة ، داودبن سعید ابوسلیمان

ابو علی النسابوری، الحسن بن یعقوب بن موسی البخاری ابو یوسف نزیل بنشابور، الحسن بن محمدبن جعفر المدینی الزاهد ابوجعفر المدفون مقبرة مولقاباد الذی یزار ویرجا اجابت الدعا، الحسن بن ماهان ابو الزبیر النسابوری نزیل بغداد، الحسن بن ایوب ابوعلی الرفخاری النسابوری، الحسن بن عبدش النسابوری الزاهد، الحسن بن عبدالرحمن ابوعلی المستملی النسابوری، الحسن بن نصر ابو شد اد الخزاعی النسابوری الحسن بن مهاجر ابوالحسن المقری النسابوری، الحسن بن علی النسابوری الحسن بن مسلم ابوعلی البغدادی نزیل نسابور، الحسن بن صالح بن محمد ابوعلی الزجاجی النسابوری، الحسن بن قتیبه البشتی، الحسین بن منصور السلمی ابوعلی النسابوری الحسین بن جریث بن ابوعمار المروزی الخزاعی، الحسین بن عمارة المقری النسابوری، الحسین بن فضل بن عمیر بن القاسم بن کیسان الحلی ابوعلی الکوفی امام عصره قدم مع عبدالله طاهر الی نیسابور وسکنها وتوفی بها ودفن فی مقبرة الحسین بن معاذ، الحسین بن بشر بن القسم بن حماد بن عبدربه السلمی، الحسین علی النسابوری المشهور بابی علی المرتقع، الحسین بن ضحاك بن عبدالرحمن ابوعلی القربین النسابوری الحسین بن عیسی بن حمران ابوعلی البسطامی کان من کبار المحدثین سکن نیسابور وتوفی بها، الحسین بن عبدالله بن محمد ابونصر النسابوری، الحسین بن حرب الفقیه النسابوری، اخو احمد بن حرب الزاهد، الحسین بن سلم ابوعلی القرنین النسابوری، الحسین بن عمرویه ابوعلی الصانع النسابوری، الحسین بن منصور بن ابراهیم بن عبدالله ابومحمد النسابوری، الحسین بن معاذ بن مسلم النسابوری، حفص بن عبدالله بن راشد ابوعمر والسلمی النسابوری، حفص بن عمر و القصیر النسابوری، حفص بن یحیی بن حفص التمیمی ابو الاشعث السرخسی، حماد بن سلیمن النسابوری، استاد احمد بن حرب، حماد بن موسی النسابوری، اخو مسرور بن موسی الفرا،

النسابورى ، داودبن عدى‌الطوسى ، رجابن السندى‌النسابورى، ابومحمد الأسفراينى ركن من اركان الحديث، رجـابن عبدالرحيم ابوالمصا القرشى الهروى ، رجابن اسدالنيسابورى، رجابن ابراهيم بن طهمن ، زياد بن عبدالرحمن‌ابومحمد المنسوب اليه ميدان زياد ، زكريابن حرب النسابورى ، ابويحيى اخو احمد حرب زكريابن يحيى بن يحيى النسابورى، ابومحمد التميمى، زاهربن بجرالنسابورى، زنجويه بن عبدالرحمن‌العابدالنسابورى و يقال‌له زنجويه الحيرى من محلة الحيره، زيدبن ابى موسى النسابورى ، سلمين بن‌ابى‌مطرالمطوعى‌النسابورى ، سليمن‌بن مطرالنسابورى اخو قتاده، سليمن‌بن بحربن معاذالنسابورى الزهلى ، سليمن بن‌داودبن بكرابوداود النسابورى الحفاف ، سليمن‌بن داودبن‌شعيب كيسان‌النسابورى، سليمن‌بن محمدبن ابى‌داود النسابورى المستملى ، سليمن بن عمربن الحسى النيسابورى ، سليمن بن خلدبن‌يونس الكاتب ابوداود النيسابورى، سليمن بن الاشعث ابو داود السجستانى امام اهل عصره بلامدافعه وكان مقيماً بهراة وتوفى‌ببصره ، سليمن بن‌عبدالله البكرى النيسابورى ، من محله قز ، سليمن بن‌مسلم بن‌الحسين بن معاذ النسابورى ، سليمن بن عبدالله العامرى النسابورى ، سليمن بن سعد القرشى النسابورى ، سعدبن يزيد للفرا النيسابورى اختلفوافى كنيته ، سعيد بن معاذ ابو عصمة المروزى ، سعيدبن عبدالرحمن موالى ال الجرود النسابورى و يقال سعدالحيرى من محلة حيره ، سهل‌بن‌مهران ابوبشر البغدادى نزيل بنسابور ، سهل‌بن بشربن‌القسم‌الفقيه‌النسابورى ابوالقاسم و يلقب‌بسهلويه ، سهل‌بن‌عماربن عبدالله العتكى النسابورى ، سهل بن‌عمان النسابورى المعروف بالسخرى ، سهل‌بن‌اسلم‌النسابورى، سهل بن عبدالعزيزبن موره الصنانى ، سعيدبن الصبـاح اخويحيى النسابوريان المنسوب اليهماالخان والمحله : سعيد بن محمود ابوالطوسى نزيل نيسابور ، سعيدبن ابى سعيد البلخى قوم بنسابور

جاجا، سعیدبن اشکاب الساسی حدث بنسابور، سعیدبن مروان البغدادی ابوعثمان ویقال الرهاوی سکن بنسابور و بهامات، سعیدبن سام بن قتیبه بن مسلم والی نیسابور، سعیدبن صالح النسابوری، سعیدبن عبدالرحمن الجارودی النسابوری، سعیدبن یحیی الکریزی البصری، سعیدبن منصور ابو عثمان النسابوری و یقال الخراسانی و یقال الجورجانی و یقال البلخی، سعیدبن النصر ابوالنصر النسابوری، سلمه بن شعب النسابوری ابو عبدالرحمن المستملی، سلم بن الحرودبن یزید النسابوری، سلمه بن بشیر النسابوری، السری بن عطیة التمیمی النسابوری، السری بن نصر ابوسهل النسابوری، السری بن خزیمه بن معویه ابومحمدالابیوردی و توفی بابیورد، ساسان بن الحسین ابوکسری الخراسانی، سختویه بن مازیار النسابوری، سختویه بن الجنید ابوعبدالله الجرجانی، شبل بن عبدالرحمن الادیب النحوی النسابوری. شداد بن حکیم البلخی حدث بنشابور شریک بن عبدالله النخعی القاضی ولد بخراسان و قیل بنشابور، شریح بن عقیل بن رجا ابوعقیل البیهقی، شوکر بن عبدالله الاسفراینی، شفم بن اصیل ابواحمد العجلی النسابوری وهومن رستاق ارغیان، صالح بن یونس ابوحاتم النسابوری، صالح بن جناح ممن ادرک الاتباع بلاشك، صالح بن محمد بن حبیب بن ابی الاشرنین الحافظ ابوعلی البغدادی و توفی بیخارا، طاهر بن الحسین بن مصعب بن دریق بن شادان الخزاعی ابوطلحه ذوالیمینی والی خراسان، طاهر بن سعید المقری النیسابوری، ابوالقاسم طاهر بن عبدالله بن عطا الامیر و توفی بنشابور یوم الاثنین من رجب سنه ثمان واربعین وماتین و دفن من العذ، طیفور بن عبدالله النسابوری ابوالطیب المؤذن، عبدالله بن حسان ابوعبدالرحمن الطوسی ولد بهاو بنشابور نشر علمه، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن جعفر الیمان المسندی ابوجعفر البخاری، عبدالله بن عثمان بن حبله بن ابی داود العتکی المروزی، عبدالله بن هرون بن مامون بن الرشید الرشید امیر المومنین، عبدالله بن مهران

الطبسى ابومحمد عبدالله بن الجراح القهستانى ابومحمدسكن بنسابور و بهاانتشر علمه عبدالله بن يوسف بن خرشيدالدويرى النسابورى و دوير قرية على باب نيشابور، عبدالله بن محمد عبدالرحمن المقرى النسابورى ، عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام السمرقندى، عبدالله بن عبدالوهاب تميمى ابومحمدالخوارزمى اقام نيسابور، عبدالله بن مخلد التميمى النسابورى ابومحمد النحوى ، عبدالله بن يونس ابومحمد النسابورى الفقيه ، عبدالله بن محمد الدقيقى النسابورى ، عبدالله بن عمر بن الرماج القاضى النسابورى، عبدالله بن محمد برهانى ، ابوعبدالرحمن النحوى النسابورى، عبدالله بن محمد بن عبدالله النسابورى ، عبدالله بن ابراهيم المروزى حدث بنشابور، عبدالله بن مهدى العامرى ابومحمد النسابورى، عبدالله بن طاهر بن الحسين بن مصعب بن زريق الخزاعى ، ابوالعباس الامير العادل ووفاته بنسابور قدمر اربع تسعة بنين له من سبعة عشر : عبدالله بن ابرهيم الشنفاضى النسابورى : عبدالله بن يونس النسابورى، عبدالله بن سعيد بن جعفر الجعفى البخارى حدث بنسابور، عبدالله بن محمد ابوالطيب المكفون الفقيه النسابورى، عبدالله بن خالدبن فارس الدنبلى النسابورى، عبدالله بن احمد بن عبدالله بن سنان الملالى النسابورى عبدالله بن سنان الهروى صاحب ابن المبارك . عبدالله بن حماد ابوحامد القهندرى النسابورى. عبدالله بن محمدبن رباب النيسابورى، عبدالله بن ابى نجيه النيسابورى ، عبدالله بن ابرهيم ابومحمدالخشاب المعروف بالبصرى وهو نيشابورى عبدالله بن عرامه الساسى حدث بنشابور، عبدالله بن الحارث ابومحمدالصنعانى طرطرى على رساتيق بنسابور مثل جوينى واسفراينى وبيهقى وبشتى، عبدالله بن سعيد بن يحيى بن براليشكرى السرخسى الاان رواية واصحابه بنيشابور ومسكنه بنيشابور الى ان توفى : عبدالله بن محمد بن سليمن الهاشمى حدث بنسابور، عبيدالله بن عبدالله بن ابى الهيثم عم ابى جعفر الترك وكان يسكن دارالترك فى سكه باذان ، عبدالرحمن بشر بن الحكم بن حبيب بن مهران العبدى

النیسابوری ، عبدالرحمن بن علقمه ابو یزید السعدی المروزی ، عبدالرحمن بن عمار النیسابوری الشهید و هو المنسوب الی سکه عمار ، عبدالرحمن بن مسعود الجورجانی حدث بنشابور : عبدالحمید بن عبدالله بن محمد بن هانی ابوهانی ابوهانی النیسابوری عبدالوهاب بن منصور ختن الحسین بن عبدالله النیسابوری الترك ، عبدالوهاب بن حبیب بن مهران العبدی النیسابوری ، عبدالوهاب بن الضحاك النیسابوری ، عبدالعزیز بن یحیی ابو عبدالرحمن المدینی ، عبدالعزیز بن مسلب المروزی ابوالدردا ، عبدالعزیز بن سلیمن بن یحیی بن معاد بن مسلم النیسابوری عبدالجبار بن امان القرشی النیسابوری عبدالرحیم النیسابوری ، عبدالصمد بن حسان ابو یحیی المروزی ، عبدالصمد بن مسعود بن عبدالله بن زرین السلمی النیسابوری ، عبدالصمد بن ابی مطر ابی بکر البلخی ، عبدالسلم بن صلح بن سلیمن بن میسره ابوالصلت خادم علی بن موسی الرضا ، عبدالسلم بن نهشل بن سعید النیسابوری ، عبدالخالق بن محمد بن القسم النیسابوری عبید بن سعد الیسابوری ، عمر بن عبدالله بن محمد بن رزین النیسابوری ، عمر بن عبدالعزیز بن سلام بن عبدالعزیز بن حبیب فیروز التمیمی السعدی ، عمر بن عصام بن سلم بن زیاد النیسابوری ، ابوحفص المقری و کل القرار یسمونه عمروا و هو عمر عمرو بن عقبة الا ستوائی النیسابوری من رستاق استوا ، عمر بن سعید بن دردان التشیری النیسابوری ، عثمان بن عبدالله بن عمرو بن عثمان ابو عمرو القرشی سکن بنشابور و بها حدث الی ان توفی ، عثمان بن سعید بن خالد ابو سعید الدارمی ، امیر المؤمنین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب رضی الله عنهم الرضا ابوالحسین الامام الشهید ورد بنشابور ، سنه ماتین فلما وافی الرضا بنشابور و اقام بهاجدة والمامون بمرو الی ان امر باخراجه الیه ثم کان بعد ذلك ما کان و استشهد بسناباد من طوس لتسع یقین من شهر رمضان لیلة الجمعه من سنه ثلث

و ماتین و هوابن تسع واربعین سنه و تسعةاشهر و قال‌الرضا رضی‌الله عنه من زارنی
علی بعد داری اتیته یوم القیمة فی ثلث مواطن حتی اخلصه من اهوالها اذا تطایرت
الکتب یمنیاو شمالا و عندالصراط و عندالمیزان ، علی بن ابرهیم البناتی المروزی ،
علی بن اسحق المروزی صاحبا عبدالله المبارک، علی بن اسحق الحنظلی ابوالحسن
السمرقندی من کبارشیوخهم ، علی‌بن بشر النعانخدی النیسابوری ، ابوالحسن‌علی‌بن
بکر البرنوذی الکبیر علی بن جریر ابوالحسن الابیوردی حدث بنشابور ، علی بن
الجرودبن یزیدالنیسابوری ابوالحسن ، علی‌بن جمعه بن هانی بن قنبر مولی
امیرالمومنین علی رضی‌الله عنه و هوممن ولدبنشابور فان هانی سکنها عند وروده
مع‌جعدة بن هبیره و آل قنبر عندنا بنشابور بیت‌کبیر وخطیبهم باب‌الری ، علی‌بن
الحسین بن سفیق العبدی‌المروزی، علی بن الحسین بن‌عبدالرحمن‌بن یزید ابوالحسن
الذهلی النیسابوری شیخ عصره ، علی بن الحسن‌بن‌موسی الهلالی‌النیسابوری وهو
ابوالحسن‌الدرابجردی والدّرابجرد محلة متصله بالصخرآتی علی البلد ، علی‌بن
الحسن الترمزی‌ابوالحسن ،علی‌بن الحسین بن وافدالمروزی ، علی بن الحسین بن
عبدویه البیهقی النیسابوری ، علی بن‌الحسین بن الولیدالقرشی النیسابوری ، علی بن
حجربن ایاس المروزی ، علی بن الحکم المروزی و یقال‌له الملحکانی ابوالحسن
علی‌بن سلمه عقبة القرشی ، ابوالحسن اللیقی‌النیسابوری ، علی‌بن سعید بن جریر
ابوالحسن النسوی ، علی‌بن عثام بن‌علی العامری، ابوالحسن الکوفی‌ساکن نیسابور
علی‌بن عیسی‌بن حرب البیهقی النسابوری ،علی بن قدامه بن سلمه النشابوری ، علی
بن مخلد بن شیبان النیسابوری ابوالحسن خطته مشهوره فی المربعه الصغیره سکه
زنحونه ، علی‌بن‌محمدبن آدم‌الذهلی‌النیشابوری، علی‌بن محمدبن معاویه‌النیشابوری
علی‌بن موسی بن‌خاقان النیسابوری ، علی‌بن‌محمد الزیادابادی النیشابوری و زیاد

اباد قریه بیهقی ، علی بن نصر الوراق النیشابوری ، علی بن یعقوب بن صباح القس النیشابوری ، علی بن یونس البلخی حدث بنشابور ، عیسی بن جعفر ابوموسی قاضی الری ، عیسی بن ابی عیسی الدرابجردی النیشابوری ، عیسی بن حنان النیشابوری ، عمرو بن زرارة بن واقد ابومحمد الکلابی النیشابوری ، عمرو بن هشام بن زبیر النیشابوری عمرو بن معمر العمرکی النیشابوری ابوعثمن ، عمرو بن عامر بن الفرات ابوسعید الذهلی النیشابوری ، عمرو بن مسلم ابو حفص الزاهد النیشابوری ، عمرو بن صالح المروزی حدث نیشابور ، عمرو بن عصام الاستوایی ، عمار بن عبدالجبار ابوالحسن النیشابوری ، عاصم بن عصام بن منیع بن ثعلبه الشیری النیشابوری ، عاصم الباخرزی النیشابوری ، عصمة بن الفضل المیری النیشابوری سکن بغداد ، عصمه بن ابراهیم الزاهد النیشابوری : عصمه بن ابان النیشابوری ، عامر بن شعیب النیشابوری یقال له الاسفنجی من قریه بارغیان من رستاق نیشابور ، عباس بن سهل ابوالفضل المیدانی النیشابوری من میدان زیاد ، عباس بن الضحاک البلخی ، عقیل بن خویلد بن معویة بن سعید رشد صاحب رسول الله النشابوری عقیل بن عمر بن بکر والی نیشابوری ، عقیل بن الهلال النشابوری ، عقیل بن یحیی النشابوری عمران سوار البغدادی نزیل نیشابور ، عمران بن سهل ابوسعید النیشابوری ، عمران بن علی الخزاعی النیشابوری ، عتیق بن محمد بن سعید الحرسی ابوبکر النیشابوری ، عبدان بن یوسف السلمی النیشابوری ؛ عبدان بن محمد بن الفضل النیشابوری غسان بن سلیمن الهروی ، غسان بن محمد بن عبدالله بن سالم النیسابوری ، غسان بن عبدالله السلمی الصبری حدث بنشابور ، فضل بن محمد بن المسیب بن موسی ابومحمد السران البیهقی النیسابوری ، فضل بن عماد التمیمی النیسابوری و ملقب ببندش او ابن بندس ، فضل بن الحکم بن نصر بن عقیل العدل النیسابوزی ابوالعباس التاجر ، فتح ابن الحجاج ابونوح الفقیه النیسابوری فتح ابن محمد بن عبدالرزاق التمیمی

النیشابوری ، فتح بن نوح بن سنان بن راشد بن عبدالله العامری ابو نصر الشاهنبری محله فی اعلی البلد ، فتح بن محمد السمرقندی حدث بنشابور ، فضیل بن اسحق بن النصر بن اسحق النیشابوری ، فضالة بن ابی زید التشیری عم محمد بن رافع ، القسم بن الضحاك القرشی ، القسم بن حیوبه النیسابوری و هو من رستاق نیشابور باستوا، القسم بن دهیم البیهقی النیشابوری ، القسم بن محمد بن عبدالله الفرغانی ابو عبدالرحمن المذکور توفی فی اسفر این ، قرة بن حبیب العتوی اصله من نیشابور ، قتادة بن مطر النیشابوری ، قطن بن ابراهیم التشیری ابو سعید النشابوری محمد بن الازهر بن حریث بن ماهان ابوجعفر السحری نزل بنشابور فی عنفوان شبابه و بها اولاده ابوالعباس و بها توفیا جمیعاً ، محمد بن احمد حفص النیشابوری ابو عبدالله ، محمد بن اسلم بن سالم بن زید الکندی ابوالحسن الطوسی توفی بنشابور و دفن فی جنب اسحق بن راهویه فی مقبره شادیاخ وهذا من انشاده :

ان الطبیب لطبه و دوایه ⁂ لایستطیع دفاع مقدوراتی

ماللطبیب لموت بالداء الذی ⁂ قد کان سوی مثله فیما مضی

هلک والمداوی والذی ⁂ حلب الدواء و باعه و من اشتری

محمد بن ابان ابوبکر البلخی المستملی ، محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری ابو عبدالله الجعفی ورد بنشابور علی کبر سنه واقام به خمس سنین الا ان وقعت الفترة بینه و بین شیخ عصره محمد بن یحیی الذهلی رضی الله عنه

ولولاذاك لما خرج من نیشابور فقد کان سکنها قال ابوحسان مهلب بن سلیم الکرمینی مات محمد بن اسمعیل رحمة الله عندنا لیلة الفطر اول لیلة من شوال سنه ست وخمسین ومأتین و کان بلغ عمره اثنین وستین الاعشر لیله و کان مولده فی شهر شوال من سنه اربع وتسعین ومائة و کان فی بیت وحده فوجدنا لما اصبحا و هو میت و هذا کان فی

فترة اخرجوه فيهـا من بخارا و سببه جريب ابن ابى الورقا و تمسك محمد بن يحيى الذهلى النشابورى و قال انه اخرجه من نيشابور و هو امام عصره وقيل سبب اخراجه خالدبن احمدالذهلى الامير خليفه الطاهريه ببخارا الان اباعـبدالله محمدبـن اسمعيل ابى تعليم اولاده رحمة الله عليه رحمة واسعة ؛ محمدبن اسدابوعبدالله النيسابورى الخوشى والخوش قريةمن قرى اسفراين ؛ محمدبن ابراهيم بن طهمن، محمدبن احمدبن محمد النيشابورى ، محمدبن احمد بن غالب النيسابورى الانصارى ، محمدبن اسكاف بن خلدالنيسابورى ، ابوعبدالله الجـورى ، محمدبن اشرس بـن موسى السلمى ابـوعبدالله النيشابورى ،محمدبن ابراهيم بن سعيدبن عبدالرحمن العبدى ابوعبدالله الفقيه الاديب نزل بنشابور وتوفى بها ؛ محمدبن احمدبن انس القرشى النشابورى ؛ محمدبن اسحق بن ابرهيم بن يونس النيشابورى ابوعبدالله محمدبن احمدبن الجراح ابوعبدالرحيـم الجوزجانى حدث بنشابور واقام بها ،محمدبن اسمعيل الرمانى النيشابورى؛ محمدبن ايوب بن الحسن الزاهدالنيشابورى ابوعبدالله الفقيه، محمدبن ازهر ابوحفص النيشابورى محمد بن اسمعيل بن على الهاشمى ابوعبدالله البغدادى حدث بنشابور ، محمدبـن احمدبن اسلمه السلمى ابوعبدالله النيشابورى ، محمدبن احمدبن ابرهيم بن داود ؛ محمدبن ابرهيم الصابغ النيشابور، محمدبن افلح بن عبدالله الملقب بالترك النيشابورى كنيته ابوعبدالرحمن ختن يحيى بن يحيى على ابنته ، محمدبن احمد بـن حفص ابوعـون النيشابورى ،محمدبن احمدبن الحليل بـن سوادبن عبدالله القـرشى النيشابـورى ، محمد بن بنداد ابوعبدالله النيشابورى ؛ محمدبن بشربن النجم الحرشى النيشابورى ، ابوعبدالله محمدبن بكربن خلد ابوجعفر النيشابورى ساكن بغداد ، محمد بن بحر ابوعبدالله الاسفراينى ،محمدبن الحنيدالزاهد ابوعبدالله الاسفراينى ،محمدبن جعفر بن محمدبن على ابن حسين بن على بن ابيطالب رضى عنهم ابوجعفر يعرف بالديباج ورد

خراسان نزل بنشابور وسمع منه مشایخها و توفی بجرجان وله بها مشهد رضی الله عنه ،
محمدبن حجاج بن عیسی السلمی النیسابوری ابوجعفر الوراق محمدبن الحسن بن
الحیری النیشابوری ، محمد بن الحجاج العامری النیشابوری ، محمدبن الحجاج
النیشابوری، اخواسمعیل بن الحجاج، محمدالحسن بن شهریار النیشابوری ابوعبدالله
محمدبن الحسین بن طرخان النیشابوری ، ابوعبدالله السعرانی الصواف و المنسوب
الیهم سکه طرخان ، محمدبن حفص ابوثابت الجرشی النیشابوری ، محمدبن حماد
ابوعبدالله الابیوردی الزاهد، محمدبن حمدویه بن عبده بن شیبه الانصاری ، محمدبن
الحسین الکابلی النیشابوری ، محمدبن خلد ابوبکر الصومعی الطبری الزاهد الفقیه
ورد بنسابور و بها ظهر حدیثه و بهامات، محمدبن خلد الحنجرودی ابوبکر النیشابوری
محمدبن الشامی حدث بنشابور ، محمد بن خلف بن شعبه النعمان النیشابوری
ابوعبدالله القشیری و یعرف بحمدان بن خلف ، محمدبن خالدبن بشر النیشابوری ابوبکر
المعروف بالفاق ، محمدبن دادویه بن منصور ابوبکر الفقیه الزاهد توفی فی صفرسنه
خمس و ستین ومأتین و دفن فی مقبره حیره ، محمدبن رافع بن ابی زیدالقشیری
النیشابوری شیخ عصره فی خراسان ابوعبدالله خطة السکه الادلی، من باغ الزارس ،
محمد بن رحابن السندی ابوعبدالله النشابوری ، محمدبن زیادبن سنان القشیری
النیشابوری ؛ محمدبن زیدبن عبدالله الثعلبی الشامی ابوالحسن البزاز سکن بنشابور
و بهامات ؛ محمدبن سعیدالحلاف النیشابوری ابوعبدالله اخوخشنام ، محمدبن سعید
القاضی نزیل بنشابور و بهامات ، محمد بن سعیدبن هناد ابوعالم العوسخی نزیل
بنشابور بهامات محمدبن سهل بن ابرهیم بن حماد ابوعبدالله النیشابوری ، محمدبن
سعید ابولقاسم النیشابوری سکن مصر ، محمدبن سعید الهروی محمدبن سلیمن بن
عبدربه المروزی ، محمد بن شعیب ابوعبدالله الاسدی النیشابوری ، محمدبن شعیب

ابوبکر النیشابوری الحیری ، محمدبن ساذان ابوسعید النیشابوری المعروف بالصبری محمدبن طاهر ابوبکر النیشابوری من رستاق جوین ، محمدبن عبدالله بن حبیب ابویحیی النیشابوری ، محمدبن عبدالله بن عمار العتکی النیشابوری ، محمدبن عبدالله الخوی النیشابوری محمدبن عبدالرحمن قدم بنشابور حاجاً ، محمدبن عبدالرحمن ابوعبدالسعران النیشابوری ، محمدبن عبدالرحمن الانصاری النیشابوری المحتسب محمد بن عبدالرحمن بن موسی ابوعبدالله النیشابوری ، محمدبن عبدالرحمن ابوجعفر النیشابوری من رستاق استوا ، محمدبن عبدالرحیم بن سعودبن عبدالله بن رزین النیشابوری و یعرف بجمش ، محمدبن عبدالوهاب بن حبیب بن مهران العبدی ابو-احمدالادیب الفقیه الفراوکان اعقل مشایخنا و یلقب بحمد وذلك ان اهل الثروة و الشرف فی بلاد نا خصوصاً بنشابور یلقبون اولادهم لعزهم وشفقتهم علیهم فیقولون لمحمدحمداوحمش اوغیرذلك ، محمد بن عبدالجبار العبدی ابو مسافر النیشابور وروی ان الاصمعی لماورد بنشابور نزیل بلاده فی القصر ویعرف الیوم بقصرجند بسکه شکش وقال الاصمعی سمعت اعرابیایقول ایاك و الحسناء فانها تزهو علیك بحسنها و اکثرعشاقهاثم انشأ

ولن تصادف مرعی مرعاً الا وجدت به آثار مأکول

محمد بن عبدالعزیز ابوعمر المروزی ، محمدبن عبدالسلم المؤذن النیشابوری ، محمد بن علی بن الحسین بن شفیق المروزی ابوعبدالله المطوعی ، محمد بن علی بن حمزه ابوعبدالله الحافظ المروزی ، محمدبن عمربن زیادبن مهاجربن ابی السمح النیشابوری ، محمدبن عثمان القیسی النیشابوری ، محمدبن عیسی یزید الطرطوسی ابوبکر التمیمی وتوفی ببلخ و من نال بنشابور و هم محمدبن عمیره ابوعبدالله الجرجانی بهراة ، محمدبن عیسی بن عبدالرحمن ابوعلی النیشابوری ، الوزیر بن الوزیر ذوالتمینی

محمدبن عمرويه‌الهروى ابوعبدالله ، محمدبن عمروالقرشى النيسابـورى ، محمدبن عمرو ابوعبدالله القهندزى ، محمدبن عمروبن النصر النيشابورى ابـو على الجوشى ، محمدبن‌عقيل‌بن‌خويلد بن معوية‌بن سعيدالخزاعى، ابو عبدالله النيشابورى، من اعيان العلماء الصالحين المنسوب اليه المسجد و المناره على رأس سكه حرب ، محمدبن عبدك ابو عمروالزوزنى النيشابورى ، محمد بـن عنبر بن عثمان الحرشى النيشابورى ، محمد بن كاشه بن محصن ابو عبدالله الكرمانى ، محمد بن‌عنير الاطروش ابوالحسن الخزار الكوفى نزيل‌بنيشابور و مات بها و دفن فى مقبرة بـاب معمر ؛ محمد بـن الفضل المعبرى ابو عبدالله الورى الزاهد ؛ محمد بن فيض النيشابورى ؛ محمد بن القسم بن مجمع الطالقاق النيشابورى ؛ محمد بن كيسان النيشابورى ، ابـو عبدالله التميمى و يعرف بابى عبدالله المحاملى ؛ محمد بن منصور بن عبد الرحمن ابو عبد الله النيشابورى ؛ محمد بن منحل مولى عبد الرحمن بن تمرة القرشى النيشابورى ؛ محمد بن معويه بن اعين النيشابورى، ابو عبد الله الهلالى و يقال ابو على نزيل مكه ،محمد بـن موسى العال النيشابـورى، ابو عبدالله المطوعـى الفقيه ؛ محمد بن مكى ابو عبدالله المروزى، محمد بن موسى ابو عبدالله السلمى النشابورى محمد بن موسى البلخى ؛ محمد بن مسلم بن واره ابو عبد الله الرازى ؛ محمد بن مسلـم النشابـورى ؛ محمد بن مروان الاسدى النيشابورى ؛ محمد بن المهلب السرخسى ، محمد بن النعمان بن بشير النيشابورى، ابو عبد سكن بيت المقدس و بهامات ؛ محمدبن نوح السعدى النيشابورى محـمد بن نصرالله النيشابورى ؛ محمد ابن الوجيه النيشابورى، محمدبن هانى بن عبدالله السلمى ابو عبد الله النيشابورى من ميدان زياد محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس النيشابورى، ابوعبدالله الذهلى امام اهل الحديث فى عصره بلا مدافعه ، محمد بن يوسف بن عبدالله ابـو

سعید النیشابوری و یعرف بالجوسقی ؛ محمد بن یحیی بن عمار ابو مسلم القهستانی رضی الله عنهامحدث کبیر المحل و قیل توفی بنشابور ، محمدبن یونس ابو عبدالرحمن السرخسی ، محمد بن یحیی بن موسی النیسابوری، ابوعبدالله الاسفراینـی و یحیی ملقب یحیویة ، محمد بن یزید بن عبدالله النیشابوری ، ابو عبدالله السلمی شیخ اهل الرای ،محمدبن یحیی ، محمد بن یوسف ابوبکر المقری النیشابوری ، محمد بن یحیی ابو ابراهیم الصفار النیشابوری ،محمدبن یحیی بن سعید ابوبکر النیشابـوری و هو ولد ابراهیم بن محمد الصیدلانی ، محمد بن یحیی بن بلال البزاز النیشابوری والد ابی حامد البزاز

الامام مسلم بن الحجاج بن مسلم ابو الحسین القشیری النیشابوری المقدمو الحجة فی التمییز بین الصحیح و السقیم وکان مسکنه اعـلی الزمجار و منجزه خان محمش و معاشه من ضیاعه باستواو توفی رحمة الله عشیة یوم الاحـد و دفـن یوم الاثنین لخمس سبعین من رجب سنه احدی وستین و مأتین ومقبرته فی راس میدان زیاد

قـال الحـاکم رضی الله عنه سمعت ابا عمرو بن ابی جعفر یقول سمعت ابا العباس بن سعید بن عقده و سألته عن محمد بـن اسمعیل البخاری و مسلم بـن الحجاج النیشابوری ایهما اعلم فقال کان محمد عالماً و مسلم عالماً فکررت علیه مراراً و هویجیبنی بمثل هذا الجواب ثم قال لی یا عمرو قد یقع لمحمد بن اسمعیل الغلط فی اهل الشام و ذاك انه اخذکتبهم فنظر فیها مربما ذکر الواحد منهم بکنیته و یذکرو فی موضع آخر باسمه و یتوهم انهما اثنان فامام مسلم فقل ما یقع لـه الغلط فی العلل لانه کتب المسانید ولم یکتب المقاطیع والمراسیل

ذکر مصنفاته کتاب المسند الکبیر علی الرجال ، کتاب الجامع الکبیر علی الابواب کتاب الاسامی و الکنی کتاب المسند الصحیـح ، کتاب التمییز ،

كتاب العلل،كتاب الواحدان ، كتاب الافراد ، كتاب الاقران ،كتاب سؤالات احمد ابن خليل ، كتاب الانتفاع باهب السباع ، كتاب عمرو بن شعيب مذكر من لـم تحيج بحديثه و ما اخطأفيه ،كتاب مشايخ مالك بن انس ، كتاب مشايخ الثورى ، كتاب مشايخ سعبه ،كتاب ذكرمن ليس له الاراو واحد من رواة الحديث ،كتاب المخفرنين كتاب اولاد الصحابه فمن بعد هم من المحدثين ،كتاب ذكر اوهام المحدثين ،كتاب تفصيل السنين ،كتاب طبقات التابعيين ،كتاب افراد الشاملين من الحديث عن الرسول صلى الله عليه و سلم ،كتاب المعمر فيه ذكر ما اخطاء معمر

مسلم بن الحسين الذهلى النيشابورى و يقال انه ابو معاذ بن مسلم ، بن معاذ بن مسلم ابو سلمه النيشابورى، مسلم بن الحسين بن معاذ بـن مسلم النيشابـورى راى سفيان بن سعيد الثورى ، موسى بن يزيد بن عبد الرحمن ابو عمران الاسفنـجى النيشابورى واسفنج من رستاق ارعنان ، موسى بن ابراهيم بن سعد ابو عمران الروزنى النيشابورى،موسى بن يزيد العمى النشابورى،موسى بن سليمن عبد الرحمن ابوعمران النيشابورى ، مسعود بن عبدالله بن زرين بن محمد بن برد ابو عبدالله السلمى النيشابورى القهندزى اخو الجماعة و هو اولهم ، مسعود بن قتيبة بن زياد ابو قتيبة النيسابـورى ، منصور بن طلحة بن طاهر ابو العباس اخو عبدالله طاهر و خـليفة مرو و سرخس و مرو الرود وكان عالماً و هو مدفون بنيشابور بالشاد ياخ فى محلة محمدآباد و من اشعاره فى الحية الكثيفة الطويله ليس للحية الطويلة معنى غير قبح اسمها و عم النوادان راها الحكيم اعرض عنها اوراها الشنعيه قام ينادى و قال لمدح الخليفة الواثق بالله

ان الذى بعث النبى محمدا — و هب الخلافة للامام المهتدى

قمران اجـدى و ناران سطـا — لا يعدلان عن الطريـق الاقصد

اشرب على وجـه السرور مدامـة — خمـراً كالعيوق او لفرقـد

من لون اعيذ قد تضرع كفـه — من لـونهـا اوخده المثورد

قال ابو تمام فی حق عبدالله طاهر و لم یقبل صلته .

یا ایها الملک المقیم ببلدة	لاتأمنن حوادث الا زمان
صاح الزمان بآل برمك صیحة	خروا لشدتها علی الاذقان
وثنی باخری مثلها فارادهم	واتی الزمان علی بنی ماهان
و غدایصیح بآل طاهر صیحة	غضب یحل بهم من الرحمن

منصور بن جعفر بن عبدالله بن زرین السلمی النیشابوری ابو العباس ، منصور بن الحارث الزمجاری ابو عبد الرحمن النیشابوری میشربن عبدالله بن رزین بن محمد ابن سرو السلمی ابوبکر النیشابوری اکبر الاخوة القهندزی ، مبسر بن القاسم النیشابوری اخوانس ، مسیب بن زهیر بن مسلم ابو مسلم البغدادی نزیل بنشابور و بهامات ، مسرور بن موسی ابو عبدالله النیشابوری ، مسرور بن نوح بن خزیمه ابو بشر الذهلی النیسابوری ، معاذ بن الحارث بن معاذ بن محمد بن مخلد بن حسان السامی النیسابوری، معاذ بن مسلم بن رجا و رجا اسمه فی العجم ابادوار النیشابوری معاذ بن خلد النیشابوری مسکن عستلان ، معاذ بن اسد المروزی حدث بنشابور ، مقاتل بن ابراهیم ابو الحسن العامری البلخی القلاس ، مخلد بن مالك ابو جعفر الحمال الرازی سکن بنشابور و بها خرج حدیثه و بهامات ، مخلد بن عمرو بن لبید ابو موسی البلخی حدث بنشابور فی میدان الحسین بن معاذ ، مخلد بن خلد بن عبدالله التمیمی النشابوری ابو عبدالله ، محمود بن خداش الطالقانی ، محمود بن غیلان ابو احمد المروزی ، محمود بن محارب ابو سهل النیشابوری ، محمود بن هشام بن محمد بن میمون بن ابراهیم ابو یحیی النیشابوری ، محمود بن احرب ابو حامد المقری النیشابوری ، محمود بن یزید النیشابوری، مهدی بن حرث النیشابوری من رستاق استوا من قریة یقال لها الفرعری ، محمش بن عصام النیشابوری ابو عمرو المعدل مهر جان الزاهد النیشابوری، محمش بن عبد الرحمن السالمی ، مطرف بن عبدالله

الیشابوری نصر بن فضاله ابو عبد الرحمن النیشابوری، نصر بن خلف بن ابو محمد النیشابوری ، نصر بن زیاد بن نهیك بن حسل القاضی النیشابوری ابو محمد وکان کوفی المذهب واعقابه ءواخر هم کوفیون وولی قضا بنشابور سنه ثلث عشر و مأتین و توفی لسبع بقین من سفر سنه ست وثلثین ومأتین هوابن سته و تسعین ، نصر بن جناح ابو اللیث القهستانی ، نصر بن ابرهیم ابو احمد النیشابوری الحقاف ، نصر بن خلف الفراابومحمد النیشابوری. نصر بن الحسین المعروف بفروية التاجر النیشابوری نصر بن جمیل القشیری النیشابوری ، نصر بن عبدالله بن مروان النیشابوری ابوالقسم المؤدب نزیل بغداد ، نصر بن مهران ابو سعید الطوسی حدث بنشابور ، نوح بن صالح ابو القسم الفرا النیشابوری، نوح بن عبدالرحمن الصیرفی النیشابوری، النصر بن محمد ابن النصر بن سلمه بن الحرود بن یزید ابو محمد النیشابوری البیشکی و هی قصبة الرخ و بقره الان بیشکی مشهد یزار قال یحیی بن منصورالقاضی ان سعید بن عثمان ابن عفان لما توجه الی خراسان وردعلی طریق اصبهان الی بیشك و منها الی طریق الرخ فل نزل بیشك مرض بها فتزوج و خرج و قدولدت له بنتاً فسما هاعین نساء و کانت بیشك الی ان تزوج بها محمدبن نصر البیشکی وکان من علماء الوقت فولدت ابناً فسماه النصر و هو النصر بن محمد البیشکی جدوالد ابی الحسن المحمی النصر ابن سلمه بن عروة ابو سعیدالنیشابوری ، النصر بن سلمه المؤدب النیشابوری ، النصر ابن منصور ابو غیاث الحارثی النیشابوری ، نعیم بن زیاد بن ابا زیاد النیشابوری ، نعیم بن مرتع ابوالفضل النیشابوری نعیم بن زرین بهلول ابو منصور النیشابوری ، ولید بن محمد بن النعمان ابو سعید السلمی البصری وکان ملقب بالحجام حدث بنشابور هرون بن المهدی بن المنصور ابو جعفر الرشید امیر المؤمنین و هومات بسنا باد طوس و هی قریة وهو ابن ستة و اربعین سنه وکانت خلافته ثلث وعشرین

سنة و شهرين و ثلثه عشر يوما ، هرون بن عمرو الار غيانى من رستاق نيشابـور ، هرون بن يزيد بن اخت ابى جعفر محلد بن مالك النيشابورى ، هاشم بن الوليد ابوطالب الهروى سكن بغداد ، هيثم ابن سعيد النيسابورى ، هشام بن الزبير الشيبانى النيسابورى همام بن علی النسابوری . ابو الحسين البشكرى و يعرف مالسورسى ، همام بن زكريا ابومحمد النيسابورى ، يحيى بن محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلى حيكان امام نيشابور فى الفتوى و الرياسة و سكه و مسجد منسوبتان اليه و صـار شهيداً ، يحيى بن معاذ الرازى ابو زكريا الواعظ سكن به نيشابور و توفى بها و قبره فى مقبرة باب معمر القريب من قبر احمد بن حرب رحمهما الله ، يحيى بن جعفر بن عبد الله السلمى ، يحيى بن ابراهيم الضرير النيسابورى الزاهد ، يحيى بن الـمسى ابو زكريا النيسابورى يحيى بن اسحق بن حكيم بن ابى خديجه النيسابورى يحيى بن صالح النيسابورى ، يحيى بن معاذ بن مسلم النيسابورى يحيى بن بكر بن مسلم النيسابورى يحيى بن الياس النشابورى يحيى بن الحسن بن غافم النيسابورى ، يحيى ابن اكثم بن محمد التميمى ، ابو محمد القاضى المروزى ، يحيى بن عاصم البخارى حدث بنشابور و اقام بها ، يحيى بن الحسين ابو زكريا الا سفراينى النيسابورى و يقال انه من قرية خوريد من اسفر اين رستاق نيشابور ، يحيى بن عامر بـن خداش النيسابورى يحيى بن الجنيد ابو زكريا النيسابورى ، يحـيى بن حماد كـاتب عبدالله طاهر وهو نيشابورى ، يحيى بن منصور الزوزنى من رستاق نيشابور ، يزيد بن صالح ابو خالد الفرا النيسابورى ، يزيد بن مخلد ابو خالد الهروى حدث بنيشابور يعقوب ابن سفيان ابو يوسف القسوى امام اهل الحديث بفارس ، يعقوب بن يوسف النيسابورى يعقوب بن عبدالله ابو يوسف النيسابورى ، يعقوب بن اشرش ابويوسف ، يوسف بـن عيسى البخارى ابو يعقوب ساكن نيشابور وله دار معروف بها ، يوسف بن يـحيى

ابن‌عبدالله بن خلد بن فارس الذهلی اخوالامام محمد بن یحیی ، یاسین بن‌النصر بن یونس بن سلیمن بن سلمن الباهلی ابو سعید القاضی النیسابوری و خطة سلیمان بنشابور مشهوره ؛ یعمر بن بسر المروری من کبار اصحاب عبدالله مبارک یونس بن آدم ابو محمدالنیسابوری ، یونس بن افلح ابو محمد الملقب باکترك النیسابوری ابو الاسود المنسوب الیه المحلة و هی محله فی اعلی البلد بنشابور علی‌طریق‌الجبل تدعی باب ابی الاسود ؛ ابو نصر الدهان النیشابوری ؛ ابوبکر بن ابی‌طالب اخو ابراهیم بن ابی طالب

ذکر الطبقة الخامسة من علماء نیسابور و من دخلها و نشر علمه

ابرهیم بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفی النیسابوری سکن بغداد الی ان توفی بها وکان احمد بن حنبل یحضره و یبسط فی مجلسه و یفطر عنده و هو اکبرالاخوة، ابرهیم بن احمد بن عبدالله بن خبله ابو اسحق الهروی ، ابرهیم بن اسحق بن یوسف الانماطی ابواسحق النیشابوری ابرهیم بن‌اسمعیل الغیری ابو اسحق الطوسی‌محدث عصره بها ، ابرهیم بن اسمعیل النیشابوری ، ابرهیم بن اسمعیل ابو اسحق المعلل النیسابوری القران ، ابرهیم بن بلال ابو اسحق الاسفراینی و هو نیسابوری؛ ابرهیم ابن‌جعفر بن الولید ابو اسحق المعدل النیسابوری من باغ الرازمین ، ابرهیم بن ابو اسحق الکرامینی النیشابوری من محلة الجوری ، ابرهیم بن الحسن النیسابوری المیدانی من میدان زیاد ، ابرهیم بن حمش الزاهد ابو اسحق الواعظ النیشابوری ابرهیم بن الحصین بن بشر النیشابوری ، ابرهیم بن خلد الزوزنی ابو اسحق ، ابرهیم بن زیادة العابد النیشابوری ، ابرهیم بن سعید ابو اسحق النیشابوری المعرف ماکزمکی ، ابرهیم بن سلمة بن زیاد النیشابوری ، ابرهیم بن علی بن محمد بن آدم الذهلی ابو اسحق النیشابوری ، ابرهیم بن علی المروروذی حدث بنشابور ؛

ابرهيم بن على بن‌الحسين ابو اسحق الترمدى نزيل بنشابور ، ابرهيم بن عمر بن عباد النيسابورى ابو اسحق الحيرى ، ابرهيم بن عيسى بن عمير الذهلى ابو اسحق النيشابورى ، ابرهيم بن عبدالرحمن بن سهل الانادبارى ابو اسحق النيسابورى ، ابرهيم بن الفضل بن اسحق الهاشمى و الفضل ملقب بفضلويه ؛ ابرهيم بن محمد بن نوح بن عبدالله بن خلد بن اشر بن ابو اسحق المزكى النيشابورى و محمد مكنى ابوطالب ، عبدالله بن سعيديقول ما رأيت مثل ابرهيم بن ابى طالب ولاراى مثل نفسه و توفى يوم الاحد الثانى من رجب سنه خمس و تسعين و مأتين و دفن فى مقبرة الحسين ابن‌معاذ و قال ابو عبدالله محمد بن‌يعقوب الحافظ غير سره يقول انما اخرجت مدينتنا هذه من رجال الحديث ثلثه محمد بن يحيى و مسلم بن الحجاج و ابرهيم بن ابى طالب رحمهم الله و له تصانيف فى علم الحديث ، ابرهيم بن محمود بن حمزة الفقية ابو اسحق المالكى المعروف بالقطان و مسجده و مدرسة المعروف بميان دهيه ولم يكن بعده للمالكيه بنيسابور مدرس ؛ ابرهيم بن سعيد ابو اسحق المعدل الصيدلانى ابرهيم بن محمد بن مخلد النيشابورى ابو اسحق الضرير ، ابرهيم بن عبدالله بن موسى بن‌جعفر بن محمد بن على‌بن‌الحسين بن على بن‌ابيطالب رضى‌الله عنهم المعروف بابى اسحق الاسبح المدنى حدث بنشابور سنه خمس و ثمانين و مأتين ؛ ابرهيم بن محمد بن عبدالله الابيوردى نزيل بنشابور ، ابرهيم بن محمد بن هانى ابو اسحق النيشابورى المحدث على رأس ميدان زياد ، ابرهيم بن مخلد ابو اسحق البلخى سكن بنشابور ، ابرهيم بن محمد بن هاشم ابو اسحق البناتخدى النيشابورى ، ابرهيم بن محمد بن‌سفيان ابواسحق النسابورى الفقيه ، ابرهيم بن محمد بن‌اسمعيل النيسابورى ابرهيم بن الحسن المهلبى ابو اسحق النيسابورى ، اسمعيل بن قتيبة بن عبدالرحمن السلمى ابو يعقوب الزاهد البتبقانى و هى قرية على نصف فرسخ من البلد و كان اكبر

من وجوه نيشابور توفى سنه خمس و ثلثمائه بمحلة سولقا باد و هناك خطتهم و قبورهم ، احمد بن ابرهيم بن ابى صلح المروزى ابو صلح نزيل نيشابور ، احمد ابن اسحق بن ابرهيم الطوسى نزيل بنشابور ، احمد بن حمدويه بن مسلم ابو على البيهقى من رستاق بنشابور و من قرية ايوره محدث كبير ، احمد بن حمدون ابو حامد الاعمش النيسابورى ، احمد بن حجاج بن عاصم بن مرواس النيسابورى ابو جعفر ، احمد بن الحسن بن فضل ابو الفضل المستملى النيسابورى ، احمد بن حفص الزاهد النيشابورى ، احمد بن حديفه ابوالحسن النيسابورى البشتى ، احمد ابن خلد ابوالحسن الدامغانى نزيل بنشابور شيخ كبير و سكن بنشابور و توفى بها احمد بن خلد بن احمد الذهلى ابومحمد ولم يكن فى اولاد خلد بن احمد الامير افقه منه قول قضا بنشابور احمد بن خلد الحيرى ، احمد بن الخليل بن محمد البشتى احمد بن زرعة بن قيس الذهلى النيسابورى ، احمد بن سلمة بن عبدالله النشابورى ابوالفضل البزاز ، احمد بن سهل بن بحر ابوالعباس النيسابورى ، احمد بن سهل بن مالك ابوبكر الاسفراينى النيسابورى ، احمد بن سعيد بن مسعود ابو العباس المروزى قيل ما اخرجت خراسان من الرؤسا مثل ابى العباس فى الرأى والعقل والدها ، احمد بن سليمن العبدى النيسابورى ، احمد بن شعيب بن بحر ابو عبد الرحمن الفقيه ، احمد بن صالح بن عبدالله ابوبكر الجوهرى النيسابورى ، احمد ابن عماد بن كوكب ابوالحسن العامرى ، احمد بن يملك ابو العباس الجوهرى المروزى والدعمر اقام بنشابور مفيدا و مستفيدا ، احمد بن عمرو بن معقل ابو حامد النيسابورى ، احمد بن على بن عبدالله المعروف بابى على الانصارى ، احمد ابن على بن عبدالله بن سنان النيسابورى ، احمد بن عبدالله ابوحامد المناشلى النيسابورى من محله مناشل ، احمد بن عقيل بن الازهر البلخى ، احمد بن عثمان بن عبدالرحمن

النسوی ابو عبد الرحمن ، احمد بن علی العدنـان النیسابوری ، احمد بن عبدوس بن حمدویه ابو العباس النیسابوری ، احمد بن عباس بن حمزة الواعظ النیسابوری ، احمد بن علی بن اسد البردعی ، احمد بـن الفضل بن منصور ابو حامد السامانی ، احمد بن محمد بن عمار النیسابوری ابو حامد المستملی ، احمد بن محمد بن سعید الصیدلانی ، احمد بن محمد بن سالم ابو حامد النیسابوری ، احمد بن محمد بن الازهر بن السحری ابوالعباس الازهری ، احمد بن محمد بن یزید البراز ابو حامد النیسابوری ، احمد بن عبیده بن زیاد النیسابوری ابوبکر الوبری ، احمد بن محمد ابن موسی الدهقان النیسابوری ، احمد بن محمد بن بکر النیسابـوری ابو العباس نزیل بغداد ، احمد بن محمد بن الحسن ابو بکر الذهبی من مامله بلخ و عداده فی نیشابور بین و بها مسکنه و اعقابه ، احمد بن محمد بن ابی خلد ابو جعفر الاصبهانی نزیل بنشابور قدیما و توفی جمادی الاخر سنه ثلث و ثلثمائه و دفن فی مقبره باب معمر احمد بن محمد بن عمر ابوبکر المکندری مولده المدینه ومنشائه الحرمین و ورد بنشابور واقام بها و ولد له بها ابـو عمر المکندری ، احمد بن محمد بن نصر ابـو جعفر الترمذی ، احمد بن محمد بن عمر بن بسطام ابوبکر المروزی والمراوزه بهایسمونه البسطامی ، احمد بن محمد بن آدم الشاشی ابوبکر احمد بن محمد بن عمر ابو الحسن النیسابوری ، احمد بن محمد بن حفص بن یزید بن مسلم بن علی الحرسی ابو عمرو الحیری شیخ نیسابور فی عصره فی الریاسه والعداله و الثروة والتحدیث و وفات الشیخ الجلیل الزکی بن الزکی العاشر من آذر ماه سنه سبع عشره و ثلثمائه رحمه‌الله و صلی علیه فی مصلی حیره ، احمد بن محمد بن هاشم المعدل ابوحامد الطوسی سکن بنشابور الـی ان مات بـها ، احمد بـن محمد بن جعفر ابو حامد النیسابوری ، احمد بن محمد بن حامد ابو نصر البلخـی ، احمد بن عبد الکریـم

الجرجانی وکنیته ابو زرعه ، احمد بن حبیب الدهان النیسابوری ، احمد بن محمد ابن عمار المستملی النیسابوری ، احمدبن المبارك الزاهـد ابو عمروالمستملی و ملقب بحملویه العابد و کان مستجاب الدعوة و راهب اهل عصره دعا یوم الجمعه وقال اللهم اقبضنی الیك فمات لیلة الخمیس الحادی عشر من جماد الاخره من سنه اربـع و ثمانین ومأتین و دفن عشیة یوم الجمعه فی مقبرة الحسین بن معاذ رحمه الله رحمة واسعه ، احمد بن محمد بن سعید ابوحامد الصیدلانی النیسابوری ، احمد بن محمد ابن الحسین ابو العباس الماسرخس بن بنـت الحسن بن عیسی النیسابوری ، احمد بن نصر بن ابرهیم ابوعمرو الحافظ المعروف بالخفاف ومات یوم الاحد بسبع خلون من شعبان سنه تسع و تسعین و مأتین و دفن یوم الاثنین تحب الحوض الذی لصدق به رحمه الله رحمة واسعة ، احمد بن نصر بن عبدالوهاب النیسابوری ، احمد بن نصر البوزجانـی الشهید و بـوزجان من رساتیق نیشابور ، احمد بن هرون البـودنجی ابوبکر البرزعی الحافظ ، احمد بن یحیی بن یوسف اسمه یعقوب ابوبکر البسطامی المقیم بنشابور الیاس بن رجا النیسابوری ابو اسحـق الدهقان ، بدل بن محمد بـن اسد الحوشی الاسفراینی ، بشار بن حمدان ابو عفان المعـدل النیسابوری ، تمیـم ابن محمد بن طمغاج ابو عبد الرحمن الطوسی ، جعفر بن محمد بن الحسن ابوالفضل النیسابوری شیخ عشیرته فی عصره ، جعفر بن محمد بن سواد بن سنان ابـو محمد النیسابوری من اکابر الشیوخ ، جعفر بن احمد بن ابی عبدالرحمن النیسابوری ، جعفر بن احمد بن تصر ابو محمد الحافـظ المعروف بالحصیری رکن مـن ارکان الحدیث بنشابور فی الحفظ والاتقان و توفی سنه ثلث و ثلثمائه و دفن بشاهنبر ، جعفر بن سهل ابوالفضل المذکر النیسابوری ، جعفر بـن محمد بن موسی الحافظ ابو محمد النیشابوری ، جعفر بن المفید بهذا یعرف فی بغداد وبنیشابور مسکنه و

عشيرته ، جعفر بن شعيب ابو محـمد الشاشى ، جعفر بن احمد بن سلمه السلمى ابو محمد النيسابورى ، جعفر بن ولويه النيسابورى ابو محمد الدقايق ، جعفر بن محمد بن الفضل بن زياد التميمى ابوالفضل النيسابـورى السعدى الملقب بـصعومه جعفر بن محمد بن القسم الزاهد ابومحمد النيسابورى ، جعفر بن حمويه الفارسى نزيل بنشابور ، جعفر بن محمد بن الحرات النيشابورى ، جعفر بن يعقوب بن سليمن المقرى النيسابورى المطوعى ، جبريل بن مخاع بن الفضل السمرقندى ، الحسن بن سفيان بن عامر بن عبدالعزيز بن النعمان بن عطاء الشيبانى ابوالعباس النسوى من قرية بالوز و هى على ثلث فراسخ من بلـد النشابور و محدث خـراسان فى عصره و توفى رضى الله عنه سنه ثلث و ثلثمائه ، الحسن بن مخلد بن سنان النيسابورى ابو محمد المطوعى ، الحسن بن على بن نصر ابو على الطوسى الملقب بكروش تـوفى بطوس ، الحسن بن حمدون بن الوليد بن عسان بن الوليد مولى عبدالقيس ابوعلى النيسابورى و كان يسكن بباب عروة ، الحسين بن على ابى عيسى الهلالى ابـو على النيسابورى الدرا بجردى المحدث بن المحدث ، الحسن بن ابى جعفر واسمه محمد بن يحيى الجوزجانى ابو على الحاجى ، الحسن بن عبدالله ابو على النيسابورى ، الحسن بن على بن القاسم بن عباس بن عبدالصمد ابو على الشاديـاخى ، الحسن بن الازهر بن الحارث بن سكسك النيسابورى ابو عـلى السكسكى، الحسن بن عبدالرحيم بـن سهل بن نوفل النيشابورى ابو على : الحسن بن صاحب بن حميد ابوعلى الشاشى ، الحسن بن عبدالله بـن مخلد النيشابورى ، الحسن بن جعفر بن محمد الهمدانى نزيل بنسابـور ، الحسن بن بالربه بن زيد بن سيار النيسابورى ابو على الحيرى ، الحسن بن اسمعيل بن سليمن ابو على الفارسى نزيل بخارا ، الحسين بن الحسن بن مهاجرين النيسابورى ابو محمد المهاجرى من كبار المحدثين و كان

یحدث فی سکه معقل فی مسجد عبدالله عامر و توفی فی سنه ثمان و سبعین و مأتین
الحسن بن محمد زیاد نیشابوری ابو علی القبانی الحافظ احدارکان الحدیث واستاد
محمد بن اسمعیل البخاری ، الحسن بن احمد بن حفص بن عبدالله النیسابوری ابوعلی ،
الحسین بن معاذ بن محمد منصور النمیری ابو علی النیسابوری مسکنه بباب
عروة ، الحسین بن علی بن مهران النیسابوری ابو علی الدقاق ، الحسین بن احمد
بن الفضل بن عبدالله بن عیسی ابو علی البلخی ، الحسین بن اسمعیل بن علی الارنیانی
ابو عبدالله النیسابوری وارنیان قریة من رستاق استوا الحسین بن معاذ بن ادریس
النیسابوری ابو عبدالله المودب ، الحسین بی عبدالله بن محمد بن مخلد النیسابوری
الحافظ ابو علی الباعکی ، الحسین بن المسیب ابو علی المروزی نزیل بنشابور ،
حمدون بن احمد بن بکر النیسابوری ابو نصر الذهلی ، حمدون بن احمد بن عمار
بن رستم النیسابوری الزاهد ابو صلح القصار و کان من الابدال من اصحاب ابی حفص
و هو والدابی حامد الاعمشی ، حمدون رجا بن رجا بن شجاع بن المهدی النیشابوری
ابو رجا العمری من محلة الزمجار ، حمدون بن الفضل بن عمر النیسابوری ابوسعید
الخفاف ، حمدون بن خالد بن بزید بن زیاد النیسابوری ابو محمد الملقابادی ،
حماد بن معاذ بن سعید بن حماد الباهلی ساکن نیشابور ابو سلیمن ، حاتم بن
الحسین ابو سعید الساسی نزیل نیسابور ، حاتم الخلیل بن سنان بن عبد الرحمن
ارداد القرشی السمرقندی الحراث بن زکریا المقری ابو سعید النیسابوری ، حامد
بن موسی الابزاری وهی قریة بقرب البلد ، حمدان بن محمد بن رجا ابوعلی البیهقی
حمادبن الحکم ابوبکر النیسابوری ، حم بن احمد بن سعید بن محمدالبلخی ،
حمویه بن عماد النیسابوری ابو عبد الرحمن السراج ، حیان بن محمد بن حیان
المیرانی النیسابوری ، خلد بن احمد بن خلد بن حماد بن عمرو بن مخلد بن ملك

و هوالخمخام بن الحارث الذهلى الامير توفى ابوه بنشابور و هو احمد بن خلدو يقال خلد ولد بنشابور و سكن بخارا و له بها آثار مشهورة محمودة الا ما فعل في حق امام اهل الحديث محمد بن اسمعيل البخارى الجعفى فانها زلة و سبب لزوال ملكه ، خشنام بن اسمعيل بن مسيب ابوبكر النيسابورى من المتقين الاثبات ، خشنام بن ابى معروف النيسابورى ابو محمد داود بن الحسين بن عقيل بن سعيد النيسابورى ابوسليمن الخسروجردى ، داودبن عبيدالله بن الفضل النيسابورى ابوالفضل الاستوايى، زكريا بن دلشاد بن مسلم بن العباس النيشابورى ابو يحيى الفرهادچردى، زكريا بن داود بن بكر بن عبدالله النيسابورى ابو يحيى الخفاف المقدم فى عصره ، زكريا بن يحيى بن الحرث النيسابورى الزكى ابو يحيى البزاز شيخ اهل الراى فى عصره وله مصنفات كثيرة ، زكريابن يحيى بن موسى بن ابرهيم النشابورى ابويحيى الملابادى ، زكريابن ولويه الزاهد النيشابورى ابويحيى الواعظ ، زكريا بن يحيى حوثرة البرنودى النيسابورى ابويحيى الدهقان ، زنجويه بن محمد بن الحسن بن عمر النيسابورى ابو محمد الزاهد المعروف باللباد وكان من العباد ، سعيد بن اسمعيل بن سعيد منصور ابو عثمن الزاهد الواعظ الحيرى وبها مسجده و و منزله وله بالرى و نشا بها ثم سكن بنشابور الى ان توفى بها وكان مجاب الدعوة و مجمع العباد والزهاد وكرماته كثيرة لايحصى و توفى رحمة الله عليه ليلة الثلثالعشر يقين من ربيع الاخر سنه ثمان و تسعين و ماتين ، سعيد بن شادان بن محمد ابو عثمان النيسابورى وهو الذى يعرف سعيد بن ابى سعيد البشتى سعيد بن عيسى بن زيد ابو عثمان النيسابورى وكان من فقها اهل الكوفه ، سعيد بن سعيد ابو عثمان النيسابورى ، سليمن بن سلام ابو داود النيسابورى ، سليمن بن منصورابو داود

النیسابوری ، سهل بن عبد العزیز سورة الصنعانی ، سلیمن بن اسرائیل ابوعبدالله الخجندی ، شعیب بن ابرهیم بن شعیب النیسابوری ، ابو صالح العجلی هویقول سمعت اعرابیا یقول ما اطیب الثلج بماء العذب یستخرج الحمد من اصل القلب ، صلح بن خغضویه النیسابوری وکان من حفاظ الحدیث ، صلح بن محمد الجوینی ابو سعید النیسابوری ، صلح بن محمد رجیح الترمذی طیب بن محمد بن طلحه بن طاهر النیسابوری ابو اسحق الطاهری ، عبدالله بن احمد بن شبویه ابو عبدالرحمن المروزی من ائمه اهل الحدیث ، عبدالله بن احمد بن الهیثم بن مخلد ابو محمد النیسابوری الخفاف ، عبدالله بن اسحق بن الیاس بن ابی عصام النیسابوری ابوالقاسم من باب عروة ، عبدالله بن احمد بن جعفر السرخسی ابو محمد الفقیه ، عبدالله بن بشر بی عمیرة البکری ابو محمد الطالقانی سکن بنشابور و بهامات ، عبدالله بن نحر بن عبدالله بن طیفور ابوبکر الطیفوری ، عبدالله بن جعفر بن خاقان بن غالب من ولد حجاج بن غلاط السلمی ابو محمد المروزی محدث عصره ، عبدالله بن الحسن بن ایوب السامی من الزهاد رازی ، عبدالله بن زید بن سیار ابو محمد النیسابوری المودب ، عبدالله بن سلمه بن یزید القاضی النیسابوری ابو محمد بن سلمویه ، عبدالله بن سلیمن بن الاشعث بن اسحق بن بشر بن عمرو بن عمران الازدی و قتل عمران یوم صفین بین یدی امیرالمومنین علی علیه السلام ، عبدالله بن صلح بن یونس ابو محمد الفرائضی النیسابوری ، عبدالله بن علی بن الجرود ابو محمد النیسابوری نزیل مکه ، عبدالله بن عمر بن سلیمن ابوالعباس الرکنی النیسابوری عبدالله بن قتیبه بن سعید الثقفی ابو قتیبه بن ابی رجا البغلانی ، عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدالرحمن الفقیه النیسابوری ابو محمد بشرویه و محمد ملقب بحمویه

القرشي ، عبدالله بن محمد داود النيسابورى الدهان ، عبدالله بن محمدبن على الحافظ
البلخى ركن الحديث وله مصنفات فى التواريخ والعلل و غيرها ، عبدالله بن محمد بن
العباس ابو محمد المروزى ، عبدالله بن محمد بن الحسن المؤذن النيسابورى
ابو محمد الحيرى ، عبدالله بن محمد بن عمر ابو محمد النصر آبادى النيسابورى
من محلة نصر آباد فى اعلى البلد وكان بذكر اصحاب الرأى . عبدالله بن عمرو القراطى
الواعظ النيشابورى ابوبكر ، عبدالله بن محمدبن سعيد ابومحمد المروزى ، عبدالله بن
محمدبن عبدالله بن يونس بن عبدالله السمنانى ابوالحسين من اعيان المحدثين ، عبدالله
بن محمدبن الحسن بن شهريار النيسابورى ، عبدالله بن محمدبن مالك النيسابورى نزيل
سمرقند ، عبدالله بن محمد بن رجا النيسابورى ابومحمد ، عبدالله بن محمدبن
ابى خلد النيسابورى ابومحمد الصيدلانى ، عبدالله بن محمد بن عبد العزيز الجرجانى
ابوالحصب العاصى ، عبدالله بن هرون بن يحيى النيسابورى ابوبكر الحرى ، عبدالله بن
يحيى بن موسى السرخسى ابومحمد العاصى ، عبيدالله بن عبدالله النيسابورى
ابوعبدالرحمن الحداد نزيل بغداد ، عبدالرحمن بن محمدبن عقيل بن خويلد بن اسد
الخزاعى صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم ، عبدالرحمن بن الحسن بن خلد القاضى
ابوسعيد النيسابورى امام اهل الرأى فى عصره بلامدافعه وخطته وخطه اسلافه محله متاشل ،
عبدالرحمن بن جعفر ابوسعيد النيسابورى سكن مرو ، عبدالرحمن بن رجا ابوالقسم
النيسابورى فقيه لاهل الرأى من قرية بزديغر ، عبدالرحمن بن يوسف بن خراش الحافظ
البغدادى ، عبدالرحمن بن بحر بن معاذ النسوى ابومحمد البزاز ، عبدالملك بن الحكيم
بن عبدالملك النيسابورى ابوبكر بيهقى الملقب بعبدان الخسروجردى ، عبدالصمد بن
هرون بن عمرو بن حنان بن يزيد القيسى النيسابورى وهو يلقب بمقاتل قيتبه ، عبدالرحمن
بن عيسى الجرجانى ابوعبدالرحمن ، عبدان بن محمد بن عيسى الحافظ ابو محمد

المروزی الزاهد علی بن ابرهیم بن احمد ابوالحسین النسوی اقام بنشابور ، علی بن احمدبن محفوظ بن معقل ابوالحسن المحفوظی النیسابوری و سکه معقل خطهتم ، علی بن احمد الفقیه الشافعی الجرجانی ، علی بن الحسن بن شهریار ابوالحسن الرازی نزیل بنشابور وقبره بالحیره ، علی بن الحسین بن بشر بن القسم النیسابوری ابوالحسن الفقیه ، علی بن الحسن بن سلم الاصبهانی ابوالحسن الحافظ ، علی بن مهران النیسابوری ابوالحسن الصفار من محله باب عروة ، علی بن الحسن بن هشام ابوالحسن النیسابوری ، علی بن حمدون بن هشام ابوالحسن النیسابوری من اجله مشایخنا ، علی بن الحسین بن بشار النیسابوری ابوالحسن الکرمانی کان ابوه من اهل کرمان نزیل بنشابور ، علی بن خاتم البخاری ابوالحسن الحاجی ، علی بن الحسن بن معاذ النیسابوری ابوالحسن السجستانی ، علی بن حمدان بن سلمه ابوالحسن المروزی ، علی بن سعید بن عبدالله ابوالحسن العسکری من اعیان المحدثین کثیر التصنیف وقد حدث عنه حفاظ الدنیا فی عصره وتوفی بالری سنه ثلث عشره وثلثمانه ، علی بن عبدالرحیم بن سنان ابوالحسن الصفار النیسابوری ، علی بن عمر بن علی بن عمر النیساری ابوالحسن الدنودی ، علی بن عبدالله بن احمد الطبری ابوالحسن الفقیه ، علی بن الفضل بن اسحق النیسابوری ابوالحسن المناشك علی بن یحیی بن خلد المروزی ابوالحسن الخالدی ، علی بن محمد بن حمدویه الطوسی ابوالحسن نزیل بنشابور ، علی بن محمد بن العلا النیسابوری ابوالحسن القبابی و قباب اقصی محلة من البلد علی طریق العراق ، علی بن محمد بن حمدان البغدادی نزیل بنشابور ؛ علی بن موسی بن یزید ، الفقیه ابوالحسن القمی امام اهل الرأی فی عصره ، علی بن محمد بن یزید الحداد ابوالحسن الطبسی نزیل بنشابور ، عیسی بن محمد بن عیسی بن عبدالرحمن بن سلیمن ابوالعباس اطهمانی ویعرف بالکاتب المروزی هو امام فی اللغة واحد الاشراف فی نفسه وابائه واسلافه توفی رضی الله عنه فی سنه

ثلث وتسعين ومأتين ، عيسى بن القاسم بن موسى النيسابورى ، عيسى بن اسحق بن موسى الحطمى ابوالعباس الانصارى القاضى بن القاضى بنشابور ، عمرو بن بشر ابوحفص النيسابورى سكن بغداد ، عمرو بن نصر بن عبدالله النيسابورى ، عباس بن حمزه بن عبدالله بن اشرس ابوالفضل الواعظ النيسابورى صاحب احمد بن حرب والسكه منسوبة الى العباس وهو من اكابر العظام وله مع ذى النون بصرمباحثات وحالات وكان مجاب الدعوة توفى رضى الله عنه فى شهر ربيع الاول سنه ثمان وثمانين و مأتين ، عمران بن موسى بن بحامع ابواسحق السحبستانى وهو محدث ثبت مقبول كثير الرحله والتصنيف و توفى بجرجان سنه ثلثمائه ، عمران بن موسى ابو موسى الاعيانى النيسابورى ، عبدوس بن محمد بن عبدالله السحورى النيسابورى ، عصمة بن مسعود بن منصور بن ابرهيم النيسابورى ابوسعيد القطان عسان بن محمد النيسابورى العابد ابوجعفر القارونى ، القسم بن خلد بن قطى ابوسهل المروزى محدث عصره بمرو ، امام الحديث فى عصره محمد بن اسحق بن حزيمة بن المغيره بن صالح بن بكر السلمى مولى محشر بن مراحم ابوبكر العالم الاوحد المقدم باتفاق اهل عصره على تقدمه رضى الله عنه و كان يسكن بجنجرود و كان شيخ محمد بن اسمعيل البخارى ومسلم بن الحجاج النيسابورى ومحدثى عصره. قال الحاكم سمعت ابا بكر محمد بن على الفقيه الشاشى يقول حضرت ابابكر محمد بن اسحق بن خزيمه فقال له ابوبكر النقاش المقرى البغدادى بلغنى لماوقع بين المزنى و بين عبدالحكم ماوقع قيل للمزنى انه يرد على الشافعى قال لايمكنه الابمعونة محمد بن اسحق النيسابورى اياه قال ابوبكر كذا كان و ايضاً سمعت عن محمد بن يحيى اذتته امرأة فسالتة عن مسئلة فى الحيض فقال محمد بن يحيى اذهبى الى جنجرود ثم مثات يعرف بمحمد بن اسحق بن خزيمه مسئلته عن هذه المسئله و كراماته مرويه رضى الله عنه وارضاه وتوفى من ذى القعده سنه احدى عشره وثلثمائه وصلى عليه انبه ابوالنصر

وكان قدامتلا ميدان الحسين والى جنجرود فى الموضع الذى صلى عليه ودفن فى حجرة من داره ثم صير تلك الحجرة مقبره اللهم ارحمه ، محمدبن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفى ابوعبدالله السراج النيسابورى محدث عصره وتوفى رضى الله عنه سنه ثلاث عشره وثلثمائه وهكذا قرأت على قبره فى مقبرة الحسين بن معاذ على طريق اليمين من الشارع عن يمين قبر يحيى بن يحيى ، محمدبن اسحق بن ابرهيم بن مخلد الحنظلى ابوالحسن ولد بمرو و نشاء بنشابور وانصرف فى آخر عمره الى مرو و توفى بهـا ، محمدبن اسحق بن عبدالله بن ابرهيم بن عبدالله المستلى النيسابورى ابوعبدالله الملقب بالمنتوف، محمدبن اسحق بن الاشعث السحرى النيسابورى هذا شيخ من محله باغ سين وله بها اعقاب محمدبن اسحق الشافعى النيسابورى شيخ قديم ، محمدبن اسحق بن عبدالرحمن ابوعبدالله المناشكى النيسابورى، محمدبن اسحق الانماطى النيسابورى ، محمدبن اسحق بن النعمان النيسابورى ابوعبدالله الصفار ، محمدبن اسحق بن نصر اللباد النيشابورى ، محمدبن اسحق بن الصباح ابوعبدالله التاجر النيسابورى ، محمدبن اسحق بن ابرهيم النيسابورى ابوالعباس البيهقى الزاهد ، محمدبن اسحق بن ابرهيم النيسابورى ابوعبدالله الصيدلانى ، محمدبن ابرهيم بن القسم النيسابورى ابوعبدالرحمن المدينى ، محمدبن ابرهيم بن اسمعيل الفقيه ابو عبدالله النيسابورى ، محمد بن ابرهيم بن بشر بن عبدالله بن حبيب النيسابورى ، محمدبن ابرهيم بن عبدالله الاديب النيسابورى ابوبكر ، محمدبن ابرهيم بن مقاتل بن صلح المبكنى النيسابورى ، محمدبن ابرهيم بن القسم الاصبهانى نزيل بنشابور ابوبكر محمدبن ابرهيم بن هاشم النيسابورى ، محمد بن ابرهيم بن القسم النيسابورى ابوعبدالله الحشاب ، محمدبن ابرهيم بن سعيد بن قطبه القيسى ابوعبدالله النيسابورى من محله باب عروة وهو من بيت كبير ، محمد بن اسمعيل بن مهران بن عبدالله ابوبكر الاسماعيلى النيسابورى احد اركان الحديث بنشابور كثرة

ورحلة واشتهاراً وتوفی رحمة‌الله فی‌ذی‌الحجه فی‌سنه خمس وتسعين و مأتين و قيل لايصح سماع من مسمع من‌الاسماعيلی بعدالتسع والثمانين وانه کان لايقدران تحرك لسانه الا بلا و کان اذا قيل‌له کماقرأناقال لا.لا.لا مقام نعم و تحرك رأسه ، محمدبن اسمعيل‌بن‌موسی بن‌عبدالله‌البلخی ، محمدبن اسمعيل‌بن‌الحجاج النيسابوری‌الحجاجی وهوشيخ قديم : محمدبن اسمعيل‌بن‌اسحق ابوالحسن المروزی ، محمدبن احمدبن المثنی بن سعيد النيسابوری ابوعبدالله و هومحدث‌کثيرالحديث والرحلة من رستاق الزاوه ، محمد بن احمد بن نصر المروزی ابوبکر النيسابوری ، محمدبن احمد بن حفص النيسابوری و هوغيرالحرشی محمدبن احمدبن ابورجا القاضی الجوزجانی و کان من اعيان الفقهـا علی مذهب الکوفيين ، محمدبن احمد بن عبدالله النيسابوری ابو احمد المناشکی محمدبن احمد بن عبيدالله النيسابوری ابو عبدالله العامری ، محمد بن احمدبن ايوب بن الصلت المقری ، محمدبن احمد بن منصور ، محمدبن احمدبن هاشم ابوبکر النيسابوری ، محمد بن احمدبن المغيره‌التميمی ابوبکر النيسابوری ، محمدبن احمدبن سعيدالنسوی ابوالحسن ، محمدبن احمدبن مجاهد السمرقندی شيخ قديم ، محمدبن‌احمدبن عبدالله بطحا النيسابوری ، محمدبن‌الحسين النيسابوری ابوجعفرالکاتب ، محمدبن احمدبن بالويه النيسابوری ابوالعباس‌البالوی ويلقب بعصيده و کان من اعيان المشايخ ، محمدبن احمدبن بوعون النسوی‌ابوجعفر الردنفی ، محمدبن‌احمدبن نعيم ابو عبدالله نزيل بغداد ، محمدبن ايوب بن الحسن الفقيه ابوبکرالنيسابوری محمدبن جمعة‌بن‌الخلف‌الحافظ ابو قريش القهستانی الاصم و کان من الحفاظ المتقين توفی رحمة‌الله‌فی‌قهستان سنه ثلاث عشرة وثلثمائه ، محمد بن جابربن حمادالمروزی ابوعبدالله‌الحافظ الفقيه احدائمة اهل زمانه ادرکته‌المنيه فی الکهوله رحمة‌الله يروی‌عن ابن عباس قال الشاعر:

انت‌بشرط النبی‌اذقال يوماً　　　اطلبوالخيرفی حسان الوجوه

محمدبن جعفربن ابرهیم بن‌مسلم النیسابوری ابوجعفر ، محمدبن حمید ابو عبدالله القهستانی نزیل بنشابور ، محمدبن‌جعفربن محمدبن‌یزیدالشعرانی ابوعبد النیشابوری الازاروازی قریة من‌جوین هویروی هذا الشعرعن اعرابی :

یافالق‌الاصباح انت ربی	وانت مولایی وانت حسبی
فاصلحن بالیقین قلبی	ونجنی‌من کرب یوم‌الکرب

محمد بن حمدان بن مهران المهرانی ابوبکر النیسابوری سماعه کله بنیسابور ، محمدبن حبیب‌بن فضاله الحلاب ابو عبدالله النیسابوری ، محمدبن الحسن بن عبیداله بن محمدبن طغان الترك النیسابوری ، محمد بن الحسن ابوعلی الحیری ، محمدبن‌الحسین‌بن عمارة ابوعبدالنیسابوری المقری من‌المدینه الداخله ، محمدبن‌الحسن‌بن هشام‌الحیری ابوبکر النیسابوری ، محمدبن محمدبن الجسین بن معاذ النیسابوری یلقب بحمویة‌الطویل محمدبن حامدبن محمدبن ابرهیم‌النیسابوری ابوبکر الحیری، محمدبن‌الحمیدالبزازالنیسابوری ، محمدبن‌الحسن‌بن‌الحسن‌ابوبکر النیسابوری‌ویعرف‌بابی بکربن‌ابی‌علی‌البرزعی ، محمدبن‌الحسن ابوعبدالله‌الزمجاری، محمدبن حمزة‌بن عبدالله السمرقندی ، محمدبن خالد ابوبکرالقاضی الرازی نزیل بنشابور ، محمدبن خشنام بن سعد ابوعبدالرحمن النیشابوری ، محمدبن داودبن یزیدبن‌حازم ابوبکرالرازی، محمدبن‌دلویه ابوبکرالنیشابوری ، محمدبن ابی‌ذرة القاری النیسابوری ، محمدبن دلویه‌بن عبدالله النیسابوری ابوبکرالخراز ، محمد بن درست‌الزاهد ابوعبدالله النیشابوری شیخ قدیم ، محمد بن رومی النیسابوری ، ابوعبدالله شیخ صاحب اخبار وحکایات ، محمدبن مسیح‌بن سریع ابومسیح‌العامری الترمدی ، محمدبن روح‌النیسابوری ابواحمدالاستوایی شیخ قدیم ، محمد بن رزام ابواحمد الهروی الفقیه الادیب من اجله اهل البلد ، محمدبن زیاد النیسابوری ابو عبدالله الفقیه البردیعی و کان من الزهاد والفقها ، محمدبن زکریا بن قمیم

علی النیسابوری ابوالعباس الضریر کف بصره بعد الثمانین ، محمدبن شعیب بن محمد بن المغیره بن بکر السلمی النیسابوری ابوبکر الجنجرودی ، محمدبن شعیب بن علی ابوبکر النیسابوری ویلقب بالصر ، محمدبن شادان بن اسمعیل النیسابوری ابوالعباس، محمدبن شادبن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله ، محمدبن شهریار النیسابوری ، محمد بن شعیب بن صالح النیسابوری ابو عبدالله القصری و یقال انه من قصر عبدالجبار ، محمدبن الصباح النیسابوری ابوعبدالله الخیاط ، محمدبن صالح بن جمیل ابوالحسن الطوسی محدث کثیر ، محمدبن صالح بن یونس النیسابوری ابوعبدالله ، محمد بن صالح بن الهثیم القشیری ابوبکر النیسابوری من محله ملقاباد ، محمد بن طیفور الزاهد ابوعبدالله النیسابوری ، محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر الامیر ابوعبدالله النیسابوری وتوفی ببغداد ، محمدبن عبدالسلم بن بشار ابوعبدالله النیسابوری المعروف بالوراق کان مورق علی اسحق بن راهویه و کان من العباد ، محمد بن عبدالله بن یوسف بن خرشید النیسابوری ابو عبدالله الدبیری و دبیر قریة علی فرسخ من البلد ، محمدبن عبدالله بن المبارك الخیاط النیسابوری ، محمدبن عبدالله بن اسحق الحوار ابوعبدالله الطوسی ، محمدبن عبدالملك بن سلمه النیسابوری ابوعبدالله القشیری ، محمدبن عبدالله بن حامد النیسابوری ، محمدبن عبدالله بن الجنید النیسابوری ابو عبدالله ، محمدبن عبدالله بن القسم ابوعبدالله العمری ، محمدبن عبدالله العاملی ابو عبدالله النیسابوری ، محمدبن عبدالله بن یزیدالرازی ابوبکر سکن بنشابور ، محمد بن عبدالله بن عمروالمروزی ، محمد بن عبدالصمد النیسابوری ابوبکر الاسفراینی محمدبن عبدالله بن محمدبن مخلدالهروی ابوالحسن المخلدی ، محمدبن عبدالملك بن سلمه النیسابوری ، محمدبن ابی عیاض النیسابوری ، ابوعبدالله الواعظ الزاهد ، محمدبن عیسی النیسابوری نزیل مکه ، محمدبن علی بن ابرهیم ابوعبدالله الحافظ

المروزی ، محمدبن عمر بن هشام الحافظ ابوبکر الرازی وتوفی بمرو ، محمدبن
علی بن علویة الفقیه ابوعبدالله الجرجانی الرزاز من ائمة عصره للشافعیین ، محمدبن
عمرو بن سلیمن بن عبدالرحمن بن عبدالله النیسابوری وهوابوبکر بن عمرویه الملقابادی،
محمدبن عمر بن العلا العامری ابوعبدالله الجرجانی الصیرفی ، محمدبن علی بن الحسن
النیسابوری ابوعبدالله ، محمدبن عبدبن عامر بن مرداس بن هرون السعدی توفی فی۔
البادیه ، محمدبن عمرو بن جبریل النیسابوری من رستاق بیهق ، محمدبن عمرو بن
خالد ابوبکر البلخی ، محمدبن علی بن الحسن ابوعبدالله المرقدی ، محمدبن علی بن
رافع التمیمی الحافظ ابوبکر البلخی ، محمدبن العباس بن الحکم المروزی ، محمدبن
عبدربه النیسابوری ، محمدبن علی بن سعیدبن جریر النسوی ابوعبدالله ، محمد بن
علی بن عثمان بن حمزة الانصاری ابوعبدالله المدنی ، محمدبن علی بن الحسن بن خلیل
النیسابوری ابوعمر والقطان المجاور برباط قراره ، محمدبن عبدالله النیسابوری
محمدبن عبدالله بن مهدی بن ابی المهدی النیسابوری ابوبکر الشعرانی من قصبه المهرجان
کثیر الرحلة والحدیث ، محمدبن ابو عبیدالله الحافظ الملقب بقرطمة البغدادی ،
محمدبن عمرو بن الربیع بن سلیمان الطافی ابوعبدالله الطوسی ، محمدبن علی القاضی
ابوعبدالله المروزی المقلب بالخیاط الزاهد العابد المجتهد فله قضاء نیشابور ، محمد
بن علی بن ابرهیم المروزی ابوتراب ، محمدبن العباس بن یوسف بن القسم بن سلیمان
بن سلیط النیسابوری من المدینه الداخله ، محدبن علی العمری ابوجعفر الشافعی
سکن بنشابور ، محمدبن فراس ابوعبدالله الاسفراینی النیسابوری ، محمدبن الفضل
محمدبن الطیب ابوالحسن النیسابوری و ملقب بفوزالبشتی ، محمدبن فوز بن عبدالله
بن مهدی النیسابوری ابوبکر العامری ، محمدبن الفضل بن عصمة النیسابوری، محمد
بن قتیبة بن عبدالله بن موسی النیسابوری ابوبکر الاسفراینی ، محمدبن القاسم ابونعیم

صاحب الرباط هراوه ، محمدبن قبیصته اللقابادی ابوبکر النیسابوری ، محمدبن
کرام العابد ابوعبدالله السحری وقیل انه من بنی قرارمولده بقریةمن قری زرنج و
نشأ بسجستان وحصل عنداحمدبن حرب فی خراسان ، محمدبن اللیث ابو عبدالله
النیسابوری محمدبن محمدبن رجابن السندی ابوبکر النیسابوری من اهل اسفراین ،محمدبن
المسیب بن اسحق بن ادریس النیسابوری ابوعبدالله الارغنانی و کان من العباد المجتهدین،
محمدبن المنذربن سعیدبن عثمان الهروی ابوعبدالرحمن شکر ، محمدبن ماهان
الجوینی ، محمدبن منصور النیسابوری من اهل اسفراین ، محمدبن محمدبن شاد
النیسابوری ابوعبدالله الرادسانی ؛ محمدبن محمدبن سعیدبن عبدالحمید الانصاری
ابونصر المقیم بنشابور ،محمدبن موسی الواسطی ابوبکر الصوفی صاحب الاحوال قد
سکن بنیسابور مدة ثم سکن بمرو و صارله بها اصحاب من افضل المسلمین وتوفی
بها ، محمدبن مهران النیسابوری ، محمدبن مصر بن معن المروزی ابومضر الرباطی
صاحب الاخبار و الحکایات ، محمدبن نصر الامام ابو عبدالله المروزی الفقیه العابد
العامل امام اهل الحدیث فی عصره بلامدافعه وتوفی بسمرقند فی المحرم سنه اربع و
تسعین ومأتین وقیل رجال خراسان اربقه ، عبدالله بن المبارک ویحیی بن یحیی واسحق
بن ابرهیم الحنظلی و ابو عبدالله محمدبن مضر المروزی ، محمدبن نعیم بن عبدالله
النیسابوری ابوبکر المدنی وذلك ان منزله ومسجده فی المدینه الداخله فنسب الیها
من اعیان المحدثین الثقات الاثبات ، محمدبن النصر بن سلمة الجرودبن یزید ابوبکر
الجارودی شیخ وفیه وعین علماء عصره خطاً وکمالا وثروة وختطة المشهوره ومسجده
فی المربعة الصغیره والجارود جدابیه صاحب ابی حنیفه ، محمدبن نصر الفراء النیسابوری
محمدبن هاشم بن زیاد الترمذی ، محمدبن هارون بن سعیدبن عبدالحکیم السمرقندی

الكاغذى ابونصر ، محمدبن يحيى بن سهل النيسابورى ابوبكر المطرز والمسجد فى المربعه منسوب اليه وهى خطه كثيره لاهل الحديث، محمدبن يحيى بن خالدبن مهران النيسابورى ابوبكر الاعوج،محمدبن ابى يزيد بن صالح الفرا النيسابورى ابواحمدبن ابى خالد ، محمدبن ياسين بن النصر بن سليمن بن ربيعه الباهلى ابوبكر الفقيه النيسابورى محمدبن ياسين بن النصر ابواحمد النيسابورى الفقيه اخو ابوبكر ، محمدبن يحيى بن خالد ابويحيى المروزى ، محمدبن يحيى بن عبدالرزاق البخارى ، محمدبن يحيى بن مهران ابوبكر المستملى النيسابورى ، محمدبن يوسف بن معقل ابوعبدالله النيسابورى الاموى ، محمدبن يوسف بن سعيد ابوحمزه النسوى ، موسى بن اسحق بن موسى الخطمى ابوبكر الانصارى القاضى ، موسى بن هرون بن عبدالله الحافظ ابوعمران البزاز ، موسى بن محمدبن موسى النيسابورى الذهلى ابوعمروالاعين ، موسى بن عبدالمؤمن النيسابورى ابوالعباس البشتى محدث مفيد واسع الرحله ، موسى بن الحسين بن عبدالرحمن النيسابورى ابوعمران البيهقى مضارب بن ابرهيم النيسابورى ، ابوالفضل الاديب وكان اوحد عصره بنيسابور فى الادب والنحو ، مذكور بن الحارث النيسابورى ابوالليث البوزجانى ، مطهر بن محمدبن يحيى النيسابورى ، ابوعلى منصور بن على بن عبدالله النيسابورى ابونصر السختيانى ، منصور بن اسد النيسابورى ، مكى بن محمدبن احمدبن ماهان ابوالعباس البلخى ؛ مكى بن عبدالغفار النيسابورى مسددبن قطن بن ابرهيم النيسابورى ابوالحسن القشيرى وكان مزكى عصره والمقدم فى الزهد والورع واكبر بيت فى العلم بنشابور بيته من الطرفين جميعاً، موقل بن الحسن عيسى بن ماسرخسى النيسابورى ابوالوفا الماسرخسى شيخ بنشابور فى عصره ابوة وثروة وكمال عقل و كرماً حتى يضرب به المثل فى ذلك، محمود بن هزيمة النيسابورى المقرى ، محمودبن عبدالرحمن البلخى مقبل بن رجا الطوسى ، محبب بن ابرهيم بن سليمن بن

ابرهيم بن يزيد النيسابورى ابوعوانة الاسفراينى من علماء الحديث ومن الرحاله فى اقطار الارض مطلب الحديث ، يوسف بن موسى بن عبدالله بن خالدبن حموك ابويعقوب المروردى من اعيان محدثى خراسان المشهورين بالطلب والرحله وتوفى بمروالرود سنه ست وتسعين ومأتين ، يوسف بن يعقوب بن يوسف ابوعمرو النيسابورى نزيل بغداد يوسف بن الجوزجانى ابويعقوب العابد النيسابورى ، يوسف بن ابرهيم النيسابورى ابويعقوب الماكيانى، يونس بن ابرهيم بن النصر ابومحمد النيسابورى .

ذكر الطبقة السادسة من العلماء النيسابوريين ومن سكنها وحدث فيها من علماء السلمين رضى الله عنهم

احمد بن اسحق النيسابورى ابوحامد الاسفراينى ، احمدبن اسحق بن ابرهيم بن موسى الحيرى ، احمدبن ابرهيم بن احمدبن حاجب النيسابورى ابوسعيد الحاجى وكان ملقب بحمدان ، احمدبن ابرهيم بن داود النيسابورى الميدانى من ميدان زياد وتوفى سنه خمس عشر وثلث مأئه احمدبن ابرهيم بن شادان بن عبدالله النيسابورى ابوحامد الحفاف ، احمدبن اسحق ابوحامد البزاز النيسابورى ، احمد بن اسمعيل بن جبريل النيسابورى ابوحامد المقرى الصرام وكان من كبار قراء المجتهدين ، احمدبن بشر بن محمود النيسابورى ابويحيى الاسفراينى ؛ احمدبن جعفر بن مشكان النيسابورى ابوحامد الخفاف ، احمدبن جعفر بن احمدبن بكر بن زياد ابوحامد الشيبانى النيسابورى، احمدبن حمدان بن على بن سنان النيسابورى الزاهد العابد ابوجعفر بن حمدان الحيرى وكان مجاب الدعوة وتوفى رضى الله عنه سنه احدى عشر وثلثمائه بنشابور وقبل ابى بكر محمدبن اسحق بن خزيمه ، احمدبن حمدويه بن موسى النيسابورى ابوحامد المؤذن وكان من اعيان الصالحين جاور مكه خمس سنين احمدبن حامدبن ابى حامد ابوعمر

الشاشى ، احمدبن الحسين النيسابورى ابوحامد السراج ، احمد بن الحسين بن محمدبن عبدالله بن بكر بن جعد المذكر ابوحامد النيسابورى المعروف بالدقاق، احمدبن جعفر بن عمير المروزى ، احمدبن السرى بن سهل النيسابورى ابوحامدالجلاب و كان مسكنه كالماباد ، احمدبن سعيد العابد النيسابورى ، احمد بن شاذان بن محمد النيسابورى ابوالعباس الاسفراينى ، احمدبن عبدالرحمن بن محمدبن نصر النيسابورى احمدبن عبدالرحمن ابوحامد السرخكى وهى قرية على باب البلد ، احمدبن عبدالرحمن بن يحيى بن سعيد النيسابورى ابوبكر الجودى ، احمدبن عبدالرحمن بن اسمعيل النيسابورى ابوحامدالجلودى ، احمدبن على بن الحسين بن شهريار الحافظ النيسابورى المقدم العالم بالحديث صاحب المصنفات الكثيرة المفيدة وروى عنه حفاظ الدنيا فى عصره و كان ابوه من الرى سكن بنشابور وبها نشأ ومات وقيل مأت فى سنه خمس عشره وثلثمايه بالطابران من طوس و هو اربع و خمسين سنه ، احمد بن عبيد بن عبدالعزيز ابوطاهر النسوى ، احمدبن عبدالله ابوحامد الذهلى النيسابورى احمدبن محمدبن الحسين الحافظ ابوحامد بن الشرقى النيسابورى صاحب الصحيح وتلميذ مسلم بن الحجاج واحده عصره فى المفرقه ومأت فى رمضان سنه خمس وعشرين وثلثمايه ودفن فى مقبرة شاهنبر والخطة المشهوره بالشرقيين فى اعلى الزمجار ؛ احمد بن محمدبن همام ابوالحسين النيسابورى، احمد بن محمدبن السعيد النيسابورى ، ابوبكر بن ابى الحجارة شيخ معروف ويسكن سكة الخندق ، احمد بن محمدبن اسحق ابوحامد الوراق النيسابورى ، احمد ابوعلى النيسابورى احمدبن محمدبن حامدبن منصور بن الفضل البزاز الطوشى ابوحامد سكن بنشابور وقال الحاكم واظنه نيسابوريا ولى قضاطوس ونسب اليها ، احمدبن محمدبن يحيى النيسابورى ابوالحسن الرازى احمدبن محمدبن على الفقيه ابوحاتم النيسابورى و يعرف بالسحرى، احمدبن محمدبن ابوحامد الغازى، احمدبن محمدبن رنحويه الموازينى، احمدبن

محمدبن ادم الساسی، احمدبن محمدبن عبدالرحمن بن نصر الحکیم العبدی، احمدبن محمدبن الحسین النیسابوری ابوالحسین الحداسی ، احمدبن محمدبن عمر بن جعفر بن حفص محمد النیسابوری ابوعمرو السمسار و کان من المتعصبین لاهل السنه الباذلین للمال و الجاه و کان ابومجاب الدعوة ، احمدبن محمدبن موسی النیسابوری ابوحامدالقلاسی، احمدبن محمدبن یحیی بن بلال البزاز ابوحامد المعروف بالخشاب النیسابوری مدفون فی باب معمر، احمدبن محمدبن اسحق بن ابرهیم بن عمار الخزرجی ابوعمرو المزکی احمدبن محمدبن الحسین بن قریش الماهیانی ابونصر المروزی الغازی سکن بنیسابور حتی مات بها ، احمدبن محمدبن حمدان المؤدب ابوحامد النیسابوری ، احمدبن محمدبن صالح النیسابوری ، احمدبن محمدبن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله العمری، احمدبن منصور المروزی الاحول ، احمدبن محمدبن معروف النیسابوری ، احمدبن نصر بن محمدبن اشکات النجاری ابونصر الزعفرانی، احمد بن یونس بن ابرهیم بن النصر النیسابوری ابوالعباس ، احمدبن یوسف الصابونی الفقیه ابوالحسن المناظر ، احمدبن یحیی بن سعید النیسابوری ابوحامد الکردی ، ابرهیم بن محمدبن نصر النیسابوری ابواسحق الکرامیسی ، ابرهیم بن الحسین بن محمد ابواسحق المقری ، ابرهیم بن محمدبن ابرهیم ابواسحق النیسابوری الفقیه و کان یعرف بالخدامی من باب عروه سکه خدام وهومن اجلة الفقها لاهل الرأی ، ابرهیم بن احمدبن محمد النیسابوری ابواسحق السختیانی ، ابرهیم بن اسحق بن ابرهیم الادیب النیسابوری ابواسحق المروزی ، ابرهیم بن محمدبن مرشد النیسابوری ابواسحق المعدل النیشابوری ، ابرهیم بن ابی مطیع ابواسحق النیسابوری القطان ، ابرهیم بن محمد بن قمیصه ابواسحق النیسابوری ، ابرهیم بن محمد ابواسحق النیسابوری المعروف بالابیوردی ، ابرهیم بن احمدبن الحسن ابواسحق النیسابوری المعروف بالبغدادی ، ابرهیم بن محمدبن ابرهیم بن شداد

النیسابوری ابواسحق الشدادی الحاکم ، ابرهیم بن علی بالویه ابواسحق البلخی ، ابرهیم بن محمد ابواسحق الرییس البسطامی سکن بنسابور بباغ الدارس و بهامدرسته وداره اللتی بناها لاهل الحدیث ابرهیم بن سیمجور ابواسحق الامیر بن الامیر العادل بن العادل ولی بنسابور سبع ستین فصارت ایامه تاریخا فی العدل و توفی ببخارا فی سنه خمس وثلثین وثلثمائه ابرهیم بن عبدالله ولقب عبدالله بن عبدوس بن احمد بن جعفر الحرش ابواسحق العدل النیسابوری من محلة الحیره ، اسمعیل بن ابرهیم بن عمال الخرزجی الانصاری ابومحمد النیسابوری ، اسمعیل بن ابرهیم بن عبدالرحمن النیسابوری اسمعیل بن مطرب بن بحر بن سنان النیسابوری ابوعبدالله الزمجاری ، اسحق بن ابرهیم بن عبدالملك النیسابوری ابویعقوب الهجری محدث جرجان فی عصره اسحق بن عیسی بن یونس ابو یعقوب المرجانی ، اسحق بن محمد بن عبدالله النیسابوری ابویعقوب الجنابدی ، اسمعیل بن محمد ابویعقوب الوراق النیسابوری وکان من الصالحین ، الیاس بن محمد بن یوسف بن حفص ابویحیی الطوسی ، احمد بن علی بن الحین القاضی الترمذی ، بکر بن محمد بن اسحق بن خزیمه ابونصر النیسابوری قال الطاهر محمد بن الفضل بن اسحق توفی عمی ابوالنصر سنه ثلاث وعشرین وثلثمائه یروی عنه هذا البیت،

لسان الفتی نصب و نصف فؤاده	فلم یبق الاصورة اللحم والدم
و کاین تری من ساکت لك معجب	زیادته اونقصه فی التکلم

بکر بن عبدالله بن محمد القاضی ابوعلی بن ابوبکر الحنال الرازی وقدروی وحدث بالمناکیر بکر بن محمد بن عبدالله النجاری، بشر بن العباس بن الاشعث المروزی، جعفر بن محمد بن احمد بن بحر بن التمیمی ابومحمد النیسابوری جعفر بن احمد بن عمرو ابو محمد النیسابوری جعفرك الغازی، الحسین بن محمد بن الحسن بن ابرهیم القاضی ابوعلی الجنابدی ولی قضا بنسابور، الحسن بن محمد بن ابرهیم ابوطاهر الجنابدی النیسابوری، الحسن بن

ابو محمد النصر آبادی السمسار وکان من العباد الحسن بن محمد بن بکر النیسابوری ابوعلی بن خان یحیی بن معاذ، الحسن بن محمد بن جابر النیسابوری ابوعلی الشعیری المعروف بحسن الوکیل، الحسن بن علی بن الحسین جعفر النیسابوری ابوعلی من محله عمرآباد، الحسن بن محمد بن سنان النیسابوری ابوعلی السواق القنطری، الحسن بن محمد بن یاسین بن النصر الباهلی النیسابوری، الحسن بن محمد بن قیس بن صالح النیسابوری ابوعلی البزاز، الحسین بن محمد بن احمد بن یونس بن جندل النیسابوری ابوعلی القهستانی نزل ابوه بنسابور، الحسین بن محمد بن هارون ابوعلی النیسابوری، الحسین بن محمد بن موسی بن محمومه النیسابوری ابوعلی السمسار وکان من اهل الصدق والمعروف بطلب الحدیث والرحلة، الحسین بن فوران النیسابوری، الحسین بن محمد بن بشر النیسابوری ابوعلی الانماطی، الحسین بن نصر النیسابوری ابوعلی البادی وبارقریة من قری بنسابور، الحسین بن هارون ابوعلی المراغی من الرحاله فی طلب الحدیث و توفی بنیسابور سنه خمس عشره و ثلثمائه، الحسین بن اسمعیل بن یحیی النیسابوری ابوعلی الصفار، الحسین بن بحر بن عبدالله المعلم النیسابوری ابوعلی المعروف بالصوفی، الحسین بن محمد بن محمد سام التمیمی ابوعلی الحاکم البلخی، حمید بن محمد بن علی الشیبانی ابوعمر و النیسابوری یعرف بحمید الصبی، حامد بن محمود بن معقل النیسابوری ابومحمد القطان حامد بن محمود محمد النیسابوری ابوالعباس المشهور بابی العباس بن کلیم الشاهد و مسکنه سکة سکش، حامد بن احمد بن محمد بن حبیب ابواحمد المروزی؛ حامد بن ابی حامد الاشروسنی حدث بنیسابور، حوتره بن محمد النیسابوری ابومحمد البرنودی خلف بن حنظلة بن خاقان السرخسی ابو محمد؛ زکریا بن محمد بن اکار المعدل النیسابوری، ابویحیی المیدانی من میدان زیاد، زیدبن یحیی بن الحسین العامری النیسابوری

ابوالحسين من محله دروان‌كوس ، سلمين‌بن داود بن‌عبدالله النيسابوری ابوايوب و يعرف بابن‌داودالنسوی و كان‌ابوه نزل بنسابور ، سهل‌بن عبدالله‌ابوحاتم السجستانی ، سفيان بن‌محمد بن حاجب بن محمود النيسابوری ابوالفضل الجوهری و كان من المشهور بطلب الحديث بخراسان والعراق ومن اهل الثروة والافضال على اهل‌العلم رحمة‌الله، سلمه‌بن النصربن سوادة بن عقيل‌القشيری ابوالنصرالنيسابوری من باب ـ الدير، صالح‌بن نوح‌بن منصورالنيسابوری ابوالفضل‌الفرهاد جردی ، صديق‌بن‌عبدالله الرادسانی‌النيسابوری، طاهر بن يحيى‌بن قبيصته النيسابوری ابوالطيب‌البلغی،عبدالله‌بن محمد بن عمرالنيسابوری ابومحمد العطری ، عبدالله بن‌محمدبن ابرهيم النيسابوری ابومحمد الزوزنی ، عبدالله بن محمد صبيح بن عبدالعزيز و هوابوبكربن سالم بن عبدالله عمر بن‌الخطاب‌العدوی ابومحمدالجوهری ومنزله فی‌سكه حمدان

قال‌الحاكم رحمة‌الله ومنزل‌ابی‌ايضاسكه‌حمدان ومسجده‌ومسجدابی‌الذی كان عليه الميذنه قديماوقال‌ابی توفی‌عبدالله اخی‌من‌الرضاعه‌سنه‌خمس‌عشروثلثمائة، عبدالله بن‌الفضل بن محمدبن‌عقيل‌بن خويلدالخزاعی‌ابو بكرالنيسابوری‌عبدالله‌بن‌الحسين‌بن محمدالنيسابوری‌ابوبكر المؤدب،عبدالله‌بن‌محمدبن‌داودالقشيری‌النيسابوری‌ابومحمد الدهان، عبدالله بن محمدبن زياد بن فاضل‌الفقيه النيسابوری ابوبكرالشافعی‌سكن بغداد وكان امام الشافعيين فی‌عصره ، عبدالله بن‌محمد بن مسلم النيسابوری‌ابوبكر عبدالله بن محمدبن هاشم بن‌طرماخ الطوسی‌ابومحمد وكان من‌اعيان المحدثين‌فی‌- عصره، محمد بن‌علی‌بن‌طرخان‌الباهلی ابوبكرالبلخی محدث بلخ فی‌عصره ، عبدالله‌بن محمد بن منازل النيسابوری ابومحمد الصوفی المجرد على الصحة والحقيقه لاعلى مجری العاده وتوفی رضی‌الله عنه‌ليلة الخميس الخامس من ربيع الاول سنه احدی و ثلاثين وثلثمائه و دفن فی‌مقبره شاهنبرول، حالات عجيبه قال ابوعبدالله الملقابادی

عاولت عبدالله بن منازل في طريق الحج و معنا ابوعلي الثقفي وكنانجتمع و يذكر فضل الحنيد بن محمد فنزير ناشوقا الى لقائه وعبدالله بن منازل ساكت فلما دخلنا بغداد فقمت اناوابوعلي الثقفي وقلنا لعبدالله قم بناتر ورا بالقاسم فقال اذهبا انتما فقلنا الاتجئى فقال لافتعجبنا وذهبنا اليه فزادت مشاهدته على ماكان عندنا من اخباره فقال لناهل صبحكما غيركما قلنا بلى هل من اصحابنا يعرف بعبدالله بن منازل قال كيف لم يحضرنا قلنا لعله فقال اذانصرفتما الى فاسئلاه ان يصبحكما قلنانعم انصرفنااليه و قصصناعليه ماسمعنا ووصفنافلم يتكلم بشئى الى ان اصبحنا اليوم الثاني وعرضنا عليه زيارة ابى القاسم فامتنع قلنا اذاامتنعت فاخبرنا الذى منعك عن زيارة هذاالشيخ فقال لابدان اخبركم قلنا لاقال ان كان امر ابى القاسم على ما وصفتموه فما مثل ماتسمعوه منه الا مثلا لطعام الطيب تيناوله الرجل ثم يخرج فضله على ما ترون وكذلك علم المعرفة انما يلقى الحق الى من شاء من خلقه لهطيبه ثم لايخرج بلسانه و لاينطقه الحق الا باردا فلان اكون منحوس الخطه بالكليه من ابى القاسم احب الى من ان اكون مغبونا آخذ منه اردى ماالقى ويبقى طيبه عنده فاعجبنا كلامه و قمنا من عنده حتى دخلنا ابى القاسم و رحب بناوسالناعنه فقصصنا عليه القصه فبكى ابوالقاسم حتى كادان يغشى عليه وسكت ذلك اليوم ولم ينطق الى ان قمنا من عنده ، عبدالله بن دلشاد النيسابورى ابومحمد الرلعرى ، عبدالله بن محمدبن احمدبن نصر النيسابورى ابومحمد العابد ، عبدالله بن محمد بن ابرهيم البحارى ابومحمد الداعونى ، عبدالله بن حمشادبن حنديل بن عمران بن حماد ابوعبد الرحمن المطوعى من سكة نوند ، عبدالله بن حميدبن معقل القنطرى ، عبدالله بن سعيد النسوى ، عبدالله بن احمد النيسابورى ابومحمد الوبرى ، عبدالله ابن عبدالرحمن بن الحسين القاضى بن القاضى ابوالقاسم الحاكم ، عبدالله بن سلمه المودب ابومحمد النيسابورى ، عبدالله بن سعيد مخلد الطوسى نزيل بنسابور ، عبدالله بن محمد بن

سلمه النيسابوری ابومحمد البزاز الحافظ ، عبدالله بن محمد بن یعقوب البخاری ابو-
محمد الفقیه الکلاباذی المعروف بعبدالله الاستاد، عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسین
الماسرخسی ابومحمد النیسابوری ، عبدالله بن اسحق بن یعقوب الکرمانی و غیره ،
عبدالله بن محمد بن الحسین بن الشرقی ابومحمد النیسابوری اخوابی حامد وکان
اسن منه واسند منه ، عبدالله ابن فارس بن محمد بن علی البلخی ابوظهیر العمری، عبدالله بن
ابی صالح المذکر ابوعبدالرحمن الزاهد المتکلم وکان من المجتهدین فی العباده
ولکن انه رای، رای القدر ، عبید الله ابراهیم بن بابویه النیسابوری ابوالقاسم مزکی
عصره ومن اعیان المشایخ ومسجده المعروف فی سکه معقل، عبیدالله بن محمد النیسابوری
المعروف بعبیدالوراق ، عبیدالله بن یعقوب بن یوسف الرازی ابوالقاسم الواعظ وتوفی
بنیسابور ودفن فی مقبره باب معمر، عبدالرحمن بن محمد بن الحسین بن علی بن احد
النیسابوری ابوالقاسم المذکر الواعظ الادیب الاوحد فی عصره فی صنعته بلا مدافعه
وله کرامات مشهوره رضی الله عنه ، عبدالرحمن بن محمد بن عبد الرحمن السرخسی
المذکر ابوبکر سکن بنسابور الی ان توفی بها ، عبدالرحمن بن محمد بن سلیمان
النیسابوری ابومحمد من قریه بغوحك ، عبد المرحمن بن محمد بن علویه الابهری
ابوبکر القاضی ولی قضاء طوس وابیورد ، عبدالواحد بن سعید النیسابوری ابواحمد-
الارغیانی ، عبدالعزیز بن الحسن ابوبکر البردعی العابد ، عبدالعزیز بن محمد الخشاب
ابوعمر النیسابوری وکان من الزهاد یسکن سکة تنکش ، عبدالملك بن محمد بن عدی
الجرجانی ابونعیم الفقیه الاستر آبادنی، عبدالواحد بن محمد بن احمد بن بالویه النیسابوری
ابوالحسن البالوی الحیری ، عبدالواحد بن محمد النیسابوری ، عبد الواحد بن محمد
النیسابوری ، عبدالواحد بن محمد بن هانی ابوحاتم شیخ ال هانی و اشتغل بالفتوة
فصار اوحد اهل بلدنا فیها ، عمر بن علی بن عبدالرحمن الجوهری ابوحفص المروزی
المعروف بابن علك، عقیل بن اسحق ابوحاتم النیسابوری المعروف بعقیل القنارزی

علی الوراق وهوابن محمدبن احمدبن علی بن عبدالله بن نور النیسابوری ابو محمد من سکه عاصم ، علی بن ابی علی النیسابوری ابوالحسن الزیقی ، علی بن نصر بن عماد الخزرجی ابوالحسن المعروف بابن الحسنك ، علی بن ابراهیم بن معاویه النیسابوری ابوالحسن المعدل وکان من الصالحین ، علی بن محمد بن محمود النیسابوری ابوالحسن الضریر ؛ علی بن محمد بن احمد النیسابوری ابوالحسن القاضی من راس جوض ابی العنبر ، علی بن الفضل بن طاهر البجلی ابوالحسن الحافظ ، علی بن الحسین بن محمد بن حمدویه السنجابی المروزی ، علی بن قاسم بن علی النیسابوری ابوالحسن الخوافی الادیب الشاعر . علی بن العباس بن سهل النیسابوری ابوالحسین المذکر ، علی بن الحسین الانماطی ابوالحسین النیسابوری ، علی بن محمد الطلحی الکوفی ابوالحسین نزیل بنسابور ، علی بن محمدبن اسحق المروزی ، علی بن سهل بن مصلح النیسابوری ابوالحسین ، عبدوس بن الحسین بن منصور ابوالفضل النصر آبادی ، عمرو بن عبدالله بن درهم النیسابوری المطوعی الزاهد ابو عمرو المعروف بالبصری ، عمرو بن احمد بن محمد بن حمدان النسوی ابوالقاسم نزیل نیسابور ، العباس بن الفضل بن الحسن النیسابوری ابوالفضل المحمد آبادی ، العباس بن منصور بن العباس بن شدادبن داود النیسابوری ابوالفضل الفرید آبادی وهی قریه بباب البلد ، العباس بن محمد موهار النیسابوری ابوالفضل ، العباس بن مرزبان المودب ابوالفضل الاصبهانی نزیل بنسابور ؛ العباس بن ابراهیم بن العباس النیسابوری ابوالفضل هذا شیخ من اسفراین من قریة کوران ، عمران بن موسی بن حصین السنجری نزیل بنسابور ، عباس بن حمویه بن احمدبن نصربن زیاد القاضی ابوفضل المستملی ، فضل بن محمد بن عقیل بن خویلد النیسابوری ابوالعباس و یلقب بفضلان الخزاعی و خطتهم برأس سکته حرب مشهوره ، الفضل بن محمدبن احمدبن مطرف النیسابوری ابوالعباس الکرامیسی ،

الفضل بن حاتم بن هاشم بن سنان النیسابوری ابو العباس الفضل بن محمد بن محمد بن اسحق بن خزیمه ابو العباس السلمی وهی اکبر ولد الامام ابی بکر ، القاسم بن عمر بن عمر بن سلمین ابومحمد النیسابوری اخوابی العباس الکوکنی ، القسم بن محمد بن الحسین بن زیاد بن الحسین بن اسلم النیسابوری ابومحمد الاسلمی من باب معمر من سکه ابی دز ، لیث بن محمد بن لیث بن عبدالرحمن المروزی ابونصر الکاتب ، محمد بن علی بن ابی طالب بن زیاد ابوجعفر القزوینی ، احمد بن الحسین النیسابوری ابواحمد بن ابی العباس الماسرخسی ، محمد بن عبدالوهاب الثقفی ابوعلی الامام المتقدی به فی الفقه والکلام والوعظ والورع والعقل والدین

قال الحاکم سألت ابا محمد عبدالله بن محمد الثقفی عن نسبة جده قال سمعت جدی ابا علی ینتسب ابا محمد بن عبدالوهاب بن عبدالرحمن عبدالوهاب بن عبد الاحد بن ابی بن کعب و هو محمد بن الحجاج بن یوسف بن الحکم و ینتسب الی مصر وقال کان ابی عبدالوهاب امیر قهستان فی عهد عبدالله طاهر فولدت بقهستان سنه اربع واربعین ومائتین وقال ابومحمد توفی جدی ابوعلی رحمةالله لیلة الجمعه و دفن یوم الجمعه الثالث والعشرین من جماد الاولی سنه ثمان وعشرین وثلثمائه ودفن فی مقبرة قز، وهی ابن تسع و ثمانین سنه رضی الله عنه وارضاه وحالاته مشهوره ، محمد بن جعفر بن ورنه النیسابوری ابوعبدالله المازنی محمد بن محمد بن سعید النیسابوری ابو العباس البختری ، محمد بن زکریا النیسابوری ابوبکر الکاغذی من مصنفی الحدیث ، محمد بن الحسن بن الجلیل ابوبکر القطان اسند اهل نیسابور فی مشایخ النیسابور بین فی عصره ، محمد بن حمدون بن خالد بن یزید بن زیاد النیسابوری ابوبکر بن ابی حاتم السلی من اعیان المحدثین وتوفی رحمةالله ربیع الاخر سنه عشرین و ثلثمائه ودفن فی مقبره الحیرة، محمد بن عمرو بن هشام بن الزبیر النیسابوری ابو احمد البزاز مسجده وداره فی میدان

زياد، محمدبن سعيدبن اسمعيل النيسابوري الفقيه ابوبكر بن ابي عثمان الزاهد، محمدبن عبدالله بن العنبر بن عطاء بن العنبري ابوعبد الله النيسابوري وكان من اعيان وجوه بنسابور، محمدبن عبدالرحمن الاصبهاني ابوجعفر الارزناني من الحفاظ الاثبات، محمدبن محمدبن يوسف قاضي القضاة بخراسان ابوذر البخاري محمدبن خالدبن احمد الذهلي الامير، محمدبن علي بن زياد النيسابوري ابوالفضل السمدي، محمدبن حمويه بن عباد النيسابوري ابوبكر طهمان محمدبن الرومي ابو عبدالله الزمجاري، محمدبن ابرهيم بن عبدويه بن سدوس بن علي بن عبدالله الهذلي ابوعبدالله العددي النيسابوري المعروف بكثرة السماع والرحله والتصنيف، محمدبن حمدويه بن سهل الغازي ابونصر المطوعي المزوري، محمدبن الحسن بن اسحق النيسابور ابوجعفر الصوفي ويقال له الاصبهاني لان اباه من اصبهان، محمدبن احمدبن ابرهيم الوراق ابوبكر الخياط الهروي، محمدبن شريك بن محمد ابوبكر الاسفرايني، محمدبن سعدبن حمدويه النسوي ابوعبدالله، محمد بن عمران بن موسى النسوي ابوجعفر الشرمغولي قريه بنسابور، محمدبن عبدوس بن العلا النيسابوري ابوبكر الاهاري محمدبن احمدبن قريش بن يحيي النيسابوري ابوبكر الكاتب ويعرف بالابرص ومسكنه محلة باب الدير وهومن اهل الصدق، محمدبن شعيب بن ابرهيم بن شعيب النيسابوري الفقيه ابوالحسن ابوالحسن العجلي البيهقي، محمد بن هرون بن منصور النيسابوري ابوسعيد المسكي وكان من الاعيان في الحديث والعقل والثروة والسخا، محمدبن علي بن الحسين البلخي ابوعبدالله الختائي ، محمد بن احمدبن ابراهيم ابوبكر النيسابوري الصوفي، محمدبن جعفر بن سليمان النيسابوري ابوبكر الصيرفي محمد بن همام بن معوية النيسابوري ابوعبدالله المهلبي، محمدبن الحسين بن اسحق المقري النيسابوري ابوعبدالله، محمدبن محمدبن صديق النيسابوري ابوحامد محمدبن يحيي ابوبكر النيسابوري ، محمدبن حسن بن عمروبن عروة النيسابوري

ابوعمروالزمجاری ، محمدبن ابرهیم بن عبدالله النیسابوری ابوبکر الخاررنجی ، محمدبن الفضل بن عبدالله النیسابوری ابوالفضل ، محمدبن اسعمیل بن عیسی الجرجانی ابوعبدالله المستملی ، محمدبن یعقوب بن اسحق الجوهری ابوبکر النیسابوری ، محمدبن عمروبن سلمة بن هشام النیسابوری ابوبکرالبزاز، محمدبن ابرهیم بن شاذان بن عقیل النیسابوری المذکر ابوبکر الاکارعی الشعرانی ، محمدبن احمدبن الحسن بن زیادالقیمی ابوالفضل النیسابوری الزورابدی وخطهتم باب معاذ سکةالرشنه ، محمدبن احمدبن فوران النیسابوری ابوبکر الدهان ، محمد بن ابراهیم بن فوران النیسابوری ابوعبدالله ، محمدبن اسحق بن محمدبن ابوتراب الموصلی، محمد بن اسحق بن عبدالله النیسابوری ابواحمدالشاد یاخی ، محمد بن احمد بن زهیر بن طهمان القیسی ابوالحسن الطوسی محدث کثیر الحدیث و التصنیف ، محمد بن الحسن بن حمیدبن معقل النیسابوری ابوبکر الصوام ، محمد بن علی بن حمویه النیسابوری ابوالعباس العطار، محمدبن حسنویه بن علی النیسابوری الشیخ الصالح ابوبکر،محمدبن منصوربن عبدالله الزاهدالنیسابوری ابوعبدالله وکان مجاب الدعوة رحمةالله محمدبن حمدان بن سهل بن موسی النیسابوری ابوبکر الصانع،محمدبن عبدوس النیسابوری ابوعبدالله السیسر آبادی، محمدبن علی بن الحسن النیسابوری ابو جعفر النحتری ، مخمدبن احمدبن عبدالوهاب النیسابوری ابوعبد الله التاجر ،محمد بن هارون بن مطرف بن اسحق النیسابوری ابو جعفر و یعرف بابی المطرفی ، محمد بن حسنویه بن اسمعیل النیسابوری ابوبکرالفانی، محمدبن احمدبن الفضل النیسابوری ابواحمدالشخنانی ، محمدبن احمدبن اسمعیل الخثعمی وکان قاضی الری ، محمدبن احمدبن عمرویه النیسابوری ابوعبدالله البیلی الشاهد ، محمدبن سلوان الکرابیسی ابوبکرالنیسابوری، محمدبن سهل بن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله المؤدب، محمدبن



احمدبن الحسن النيسابورى ابوبكر الكاتب ؛ محمدبن احمدبن اسدبن مشكان النيسابورى ابوعبداله المروزى ، محمدبن موسى بن معاوية النيسابورى، محمدبن ابراهيم بن اسمعيل الطوسى نزيل نيسابور ، محمدبن موسى بن محمدبن زهير النيسابورى ابوحاتم السختيانى ، محمدبن عقيل بن فضاله النيسابورى ابوبكر ، محمدبن على بن الحسن ابوعبداله البخارى ، محمدبن الحسين بن الهيثم ابوبكر الخزاعى البصرى ، محمد بن عبداله بن معقل بن بشر بن حسان بن حسان الهروى المزنى، محمدبن جعفر ابو عبدالله القصاب النيسابورى ، محمدبن جعفر بن محمدبن نصرويه النيسابورى، محمدبن الحسين بن محمويه ابوبكر العابد النيسابورى ، محمدبن عبداله ابوالفضل السختيانى النيسابورى، محمدبن الحسين ابوعبدالله الباغكى النيسابورى من محلة باغك ، محمدبن الحسن بن ابى سعد يحيى بن منصور ابوافضل الشهيد الحافظ الهروى ، محمدبن احمدبن حمويه ابو عبداله المزورى ، محمدبن احمدبن هارون بن حنان النيسابورى ابوعبدالله القرشى ، محمد بن ابى سهل الرباطى المزورى محمد بن الحسين بن معاذ النيسابورى ابوالحسين المازلى، محمدبن يعقوب بن داود الفارسى ابوعبدالله الموسدخابى، محمد بن احمد بن هلال ابوالنصر السمرقندى ، محمد بن يعقوب ابوجعفر الواغط الطبرى ، محمدبن عبدالرحيم الشاشى، محمدبن حمويه النيسابورى ابوعبدالله الحزكى، محمدبن محمدبن ابراهيم النيسابورى ابوبكر النسوى ، محمدبن الطمعون ابوبكر بن محتاج الامير صاحب جيوش خراسان ، محمدبن عبدالرحمن بن محمد الفقيه ابوالعباس الدعولى امام عصره بخراسان اقام بنيسابور مستفيداً ، على بن محمدبن يحيى الذهلى وعبدالرحمن بشر واقرانهما سنين وبعدمحمدبن اسحق وابوالعباس السراج ما كان احمد مثله ، محمدبن احمدبن يوسف السلمى ابوبكر النيسابورى ، محمدبن الفضل بن محمد بن السيب الشعرائى النيسابورى ابوبكر البيهقى، محمدبن نصر بن عمار الانصارى ابوبكر النيسارى، محمدبن اسحق بن ابراهيم بن عمار الخزرجى الانصارى ابولحسن النيسابورى

روی عن فضیل بن عیاض وکنا نستطاب اذا مرضنا فصارهـلاکنا بیدالطبیب فکیف نجـز غصتنا بشئی ونحن نقص بالماء الشریب، محمدبن یحیی بن سعید النیسابوری ابوبکر الجلودی ، محمدبن احمد بن علی الرئیس ابوالحسن ابن ابی عبدالرحمن النیسابوری المعروف کان ابوه بابی عبدالرحمن العـانخدی و کان ابی الحسن رئیس بنیسابور فضایله کثیره رحمةله، محمدبن عبدالله بن محمد بن رجابن سعیدبن علوان الوریز ابوالفضل البلعمی رضی الله عنه واحد عصره فی الرای والعقل و اجلال العلم و اهله ، محمد بن محمد بن الفضل ابوالحسن الشعرا نی الطوسی سکن بنسابور ، محمد بن محمد ابوعلی القصاب الهروی، محمد بن علی ابوبکر النیسابوری ابن اخت مسلم بن الحجاج، محمد بن احمدبن محمدبن زیاد النیسابوری ابواحمد الملقب و کان وجوه البلد ، محمد بن یونس بن ابرهیم بن النصر بن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله المقری الشعرانی ، محمد بن عثمان ابوالطیب القطان النیسابوری و کثر المقـام بیغداد محمد بن محمدبن عثمان ابوالسهل القطان ابن ابی الطیب ، محمد بن عمر- بن جمیل ابوالا حرز الطوسی الاصـم ، محمد بن احمـد بن دلویه النیسـابوری ابوالحسن الصیدلانی ، محمد بن الحسین بن علا ابوالعباس الزبیری النیسابوری من المدینة الداخلة، محمد بن احمد بن علی النیسابوری الادیب ابوبکر العجلی، محمد بن علی بن محمد ادریس النیسابوری ابوعمروالمزکی، محمد بن قریش ابواحمد المرورودی شیخ بلده ، محمد بن الحسین بن یزیدبن عبدالرحمن ابواحمد الورای المعروف بالحافظ وکان اهل طوس یسمونه النیسابوری و اهل نیسابور الطوسی و کان من نیسابوری من محله الحیرة ، محمد بن احمد بن محمدبن معقـل ابوعلی المیدانی من میدان زیاد ، محمد بن عمر بن حفص بن محمد العابد ابوبکر و کان من المجتهد ین لایشتغل الا بالصلوة والقرائة ولما توفی رغبت الخلائق فی الصلوة

علیه اکثر من الاعیاد ، محمد بن الطیب ابوالنصر الکشتی الزاهد ، محمد بن علی بن الحسن بن مهران بن عفان النیسابوری الحافظ ابوبکر التجار ، موسی بن العباس بن محمد النیسابوری ابوعمران الجوینی من ازادوار و هوصنف علی کتاب مسلم الحجاج، مکی بن عبدان بن محمد بن بکر بن مسلم بن راشد النیسابوری ابوحاتم التمیمی ، مسعودبن علی بن الحسن المروعی ابوالقاسم الجوال فی طلب الحدیث بمصر والحجاز ، معتزبن احمد بن یحیی الزمی من زم جیحون ابواحمد الحاجی ، محمود بن احمد بن عطا القهستانی نزیل نیسابور ، یحیی بن محمود بن عبدالله بن اسد النیسابوری ابوزکریا البرنودی ، یحیی بن عبدالرحمن النیسابوری ابوزکریا التیممی المعادی ، یعقوب بن محمد بن ماهان النیسابوری ابویوسف الصیدلانی ، یعقوب بن اسحق بن الجعد النیسابوری ابویوسف الجعدی شیخ من المشهورین یعقوب بن یوسف بن عاصم ابوالفضل العاصمی البخاری شیخ اهل بلدة فی عصره ، یعقوب بن محمود المقری ابویوسف النیسابوری من کبارالقرا ، یعقوب بن یوسف بن یوسف ابویعقوب المکاتب مرتع بشسفروش یوسف بن جمیع النیسابوری .

قال الحاکم رضی الله عنه هذه اسامی المشایخ الذین مارزقت السماع منهم من هذه الطبقه فنشرع الان فی اسامی الذین ادرکتهم ورزقت السماع منهم بنسابور من هذه الطبقه ایضا علی الترتیب المذکور .

احمد بن اسحق بن ایوب بن یزید بن عبدالرحمن بن نوح النیسابوری الفقیه ابوبکر، الامام، المفتی، المتکلم، الغازی، الرئیس، الزکی واحد عصره، رضی الله عنه و توفی شعبان سنه اثنی و اربعین و ثلثمائه وهو ابن اربع و ثمانین واشهر و مناقبه کثیره من الفقه والاصول والحدیث الفروسیه مقدم فی عصره فی جمعیها بلامدافعه، احمد بن ابراهیم المعدل الصیدلانی ابوبکر النیسابوری، احمد بن ابراهیم بن اسمعیل الامام اسماعیلی النیسابوری

واحد عصره و شيخ الفقها والمحمدثين و مات بجرجان، احمدبن اسحق بن‌عبدويه ابونصر العبدوی النيسابوری رئيس نيسابور ، احمد بن ابراهيم بن مالك بن سعيد الرازی ابوسعيد الصوفی نزيل خانقاه الشيخ ابوبكر بن اسحق، احمد بن ابراهيم بن‌محمد بن عبدالله بن الحسين الفارسی ابوحامد المقری نزيل بنسابور، احمدبن اسمعيل بن يحيی خادم الارزی ابوالفضل الاسماعيلی من وجوه نيسابور و اولاد العرب، احمدبن ابراهيم‌احمد بن‌عبدالله الرقی‌النيسابوری‌وردجده من‌الرقه جاء ايام الطاهريه ، احمد بن ابراهيم بن‌عبدويه بن سدوس الهذلی ابوالحسن العبدوی النيسابوری الزاهد اخوابی عبدالله العبدوی .

احمدبن ابراهيم بن عبدالله الفقيه ابوسعيد الا صبهانی و كان مولده بنسابور، احمد بن ابراهيم بن محمدبن يحيی ابوحامد المزكی النيسابوری، احمد بن اسحق بن ابراهيم‌بن يزيد العدل ابوالحسن النيسابوری والدابی‌عمروالصغير، احمدبن بالويه ابوحامد العصفی النيسابوری، احمد بن بندار ابو زرعة الاستراباذی اقام بنسابور مدة ، احمد بن بسام ابوالحسين البغدادی.احمدبن جعفربن سليمان‌ابوحامدالبزاز النيسابوری‌بن دارابجرد، احمدبن‌الحسن‌بن‌منده ابوعمروالاصبهانی‌نزيل‌بنسابور،احمد بن حسنويه علی‌اللبادابوالحسين النيسابوری التاجر، احمدبن‌الحسن بن‌الحسين‌بن منصورابوالحسين النصر آبادی النيسابوری ، احمد بن الحسين بن بندار بن ابان الاصبهانی القاضی ابوبكر الطوسی وتوفی‌بنيسابور، احمدبن‌الحسين بن‌محمد بن علی‌البلخی ابواحمدالفقيه الشافعی،احمدبن الحسين‌بن‌احمدبن عبيدبن‌الحسين بن الضبی‌ابونصرالمروزی، احمدبن‌الحسين‌بن مهران‌الزاهد ابوبكرالمقری‌النيسابوری امام‌عصره فی القرات و كان اعبدمن‌رأينا من‌الفقرا و كان مجاب الدعوة ، احمد بن الحسن بن احمدبن حفص‌بن مسلم بن يزيدبن علی الخرسی النيسابوری ابو بكر

القاضی، احمدبن الحسین بن احمد ابونصر الفقیه النیسابوری وهوابن ابی علی الفامی، احمدبن الحسین بن محمدحمویه النیسابوری والحسین یلقب محکومه ابونصر الوراق احمدبن الحسین بن علی قاضی القضاة بخراسان ابوحامدالمزوری وکان ابوه همدانیا احمدبن الحسین الحافظ ابوالفضل الادیب الشاعر، احمدبن الحسین ابوبکر السروری المقری، احمدبن الحسین التاجر ابوالعباس الرازی من اعیان کتبه الحدیث، احمدبن الخضر بن احمدبن محمدبن عبدالله نهبک الشافعی ابوالحسن الفقیه النیسابوری، احمدبن داودبن عیسی الهاشمی ابوالعباس الطبری، احمدبن رافع بن الحسین ابویوسف المزوری، احمدبن زیدبن محمدالطوسی ابونصر التاجر، احمدبن سلیمن بن اسمعیل ابوالسین بن نوح ابوسعید الحیری النیسابوری وکان من الصالحین، احمدبن سعیدبن اسماعیل ابوالحسین بن ابی عثمان الزاهدالنیسابوری، احمدبن سعیدبن نصر بن بکاد الزاهد ابوبکر الواعظ البخاری، احمد بن سهل بن ابرهیم بن سهل الانصاری ابو حامد النیسابوری، احمدبن صالح بن علی المزوری، احمدبن طاهر بن عبدالله بن یزیدابوعلی بن طاهر النسابوری، احمدبن عبدالله بن محمدبن عبدالله بن عبدالله بن محمدبن بشربن معقل بن حسان بن عبدالله بن معقل المزنی صاحب رسول الله صلی الله علیه وسلم رضی الله عنه وکان امام اهل العلم والجود فی عصره بلا مدافعه وکان من اولیاء السلطان.
وقال الحاکم انه هروی ولکن مات رضی الله عنه ببخارا و یعرف بابی محمد المزنی.
احمدبن عبدالله بن زکریا بن عبدالکریم بن عبدالله بن عبدالعزیز ابوالحسین بن زکریا الفقیه الشافعی الجرجانی، احمدبن عبدالله بن سعید ابوالعباس النهلی، احمد بن عبدالله بن سرمد ابوالحسین الکرابیسی النیسابوری، احمد بن عبدالله بن محمد بن اسمعیل الفقیه الشاهد ابوالحسین الطوائفی النیسابوری، احمدبن عبدالله بن احمد بن محمدبن الحسین ابونصربن ابی محمدبن ابی العباس الماسرخسی النیسابوری، احمد

بن علی بن محمدبن ابرهیم بن احمدویه الاصبهانی نزیل بنسابور، احمدبن علی بـن
عبدالرحیم التاجر ابوحامدالصفار النیسابوری، احمدبن علی بن محمدالفامی ختن-
الحاکم ابـی علی الجنابدی ابوبکـر النیسابوری، احمـد بن علی بـن الحسن بـن
شادان المقری ابوحامدالتاجر العابدالنیسابوری، احمد بن علی بن محمد الوراق ابو
عمرو النیسابوری، احمدبن علی بن عمرو بن سلیمق الزاهد البخاری ابوالفضل السلمین،
احمدبن عبدوش بن سلمویه الصرام ابوحامدالنیسابوری، احمدبن العباس بن عبیدالله
المقری ابوبکر الامام البغدادی، احمدبن عبدالعزیز بن محمد بن اسحق بن ابرهیم -
اسحق بن ابرهیم الوراق ابوحامد النیسابوری عم ولد ابی عمروالصغیر، احمدبن عبدالله
بن حمشاد بن محمدالغازی ابونصر التاجر النیسابوری وعاشر اکابر الشیوخ من -
المتصوفه، احمدبن عمر بن سیبویه المزوری، احمدبن عبدالله بن محمد ابوصابر الفقیه
من اصحاب ابی العباس احمدبن هارون، احمدبن الفضل بن محمد ابو بکـر البزاز -
النیسابوری، احمدبن القسم ابونصر الکاتب، احمدبن القاسم ابونصر النیسابوری -
الکاتب وکان من اعقاب الحسین الفامی، احمدبن کوفی بن ایوب بن ابرهیم الاصبهانی
التاجر ابوبکر، احمدبن الایث بن الحسین بن علی الزاهد الخیـاط ابواحمدالنیسابوری
مجاور الجامع، احمدبن محمدبن عبدوس العبدی ابوالحسن الطرائفی النیسابوری
وکان من اصحاب الصدق و المحدثین، احمدبن احمد بن سلیمن الحافظ الحنفی
ابوالطیب الصعلوکی النیسابوری عم استاد ابی سهل رضی الله عنه ومدفون فی مقبرة باغك،
احمدبن محمدبن عبدالله القاضی ابوالحسین النیسابوری قاضی الحرمین وامام الکوفین
فی عصره بلامدافعه، احمدبن محمدبن یحیی المعدل ابوالحسن بن یحیویه النیسابوری
واقام ببغداد مدة ثم رجع احمدبن ابرهیم الفقیه الادیب ابو جعفر الجرجانی نزیـل
بنسابور، احمدبن محمدالقاسم المذکر السرخسی اقام بنیسابور، احمدبن محمدبن

سهل الفقيه البارع ابوالحسين الطبسى الشافعى، احمدبن نصر بن اشكاب البخارى، احمدبن محمدبن شعيب بن هارون الفقيه الجلابادى النيسابورى من محله جلاباد وكان من الصالحين العباد ، احمدبن محمدبن محمدبن ابرهيم بن عبده النيسا بورى التميمى ابوالحسين السليطى، احمدبن محمدبن ايوب الواعظ المفسر ابوبكر الفارسى نزيل بنسابور، احمدبن محمدبن ابرهيم بن هاشم الحافظ ابومحمد البلادرى الطوسى، احمدبن محمدبن اسمعيل بن مهران ابوالحسن بن ابى بكر الاسماعيلى الشاهد النيسابورى احمدبن محمدبن الحسين الواعظ ابوالعباس النصر الدارى ، احمدبن محمدبن سهل ابوالحسن بن سهلويه المزكى النيسابورى شيخ اهل الراى فى عصره، احمدبن محمد بن الحسين الخطيب ابوحامد الخسروجردى شيخ كبير، احمدبن محمدبن سعيد بن منصور الواعظ الحافظ ابوسعيد قدجمع الحديث وصنف فى الابواب وهونيسابورى و مات بطرسوس، احمدبن محمدبن يحيى المتكلم ابو بكر الاشقر شيخ اهل الكلام فى عصره بنسابور، احمدبن محمدبن موسى بن كعب الشاهد ابوسعيد الكعبى النيسابورى وكان نقال فن رأس الاوقه منزل واحد يخرج منه محدث وشاهد وفقيه، احمدبن محمد بن الحسين الطوسى ابوتراب الواعظ النوقانى ، احمدبن محمدبن عيسى بن الجراح الحافظ ابوالعباس النحاس المصرى، احمدبن محمدبن ابرهيم الواعظ ابوحامد المقرى النيسابورى ويعظى لكل علم حقه، احمدبن محمش بن مهران بن عبدالله الا صبهانى ابوالعباس الكافورى، احمدبن محمدبن الحسين بن على ابوطاهر الطاهرى النيسابورى من محلة جودى، احمدبن محمدبن احمدبن اسحق بن عبدالله ابو العباس بن ابى- الحسين المعروف بالصندوقى النيسابورى ، احمدبن محمدبن احمد بن بالويه ابو حامد النيسابورى، احمدبن محمدبن عبدالله الاديب اللغوى العلامة ابوعمرو الرزدى النيسابورى والرزد قرية من قرى اسفراين احمد بن محمدبن ابوحامد الحازرنجى

امام اهل الادب بخراسان فی عصره بلامدافعه ، احمد بن محمد بن ابرهیم ابو عمرو ـ
الزوزنی الکاتب ، احمد بن محمد بن الحسین البخاری ابونصر الطلاآبادی الکاتب
احمد بن محمد بن عبدوس بن حاتم الفقیه ابو الحسن اللحاتمی ابو حاتم الفقیه ـ
المزکی المزوری ، احمد بن محمد بن الحسن الفقیه ابونصر الطرائفی النیسابوری
احمد بن محمد بن اسحق المعدل ابوعلی البراز النیسابوری ، احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن یحیی الانماطی النیسابوری ابن بنت ابی الحسین البزاز ، احمد بن محمد
بن ابرهیم ابونصر الطبسی التاجر نزیل بنسابور ، احمد بن محمد بن جعفر محمد بن یحیی
بن نوح ابوالحسین البحتری النیسابوری ، احمد بن محمد بن عبدالله العنبری ابومنصور
الصوفی النیسابوری ، احمد بن محمد بن صالح القاضی المنصوری من اهل منصوره ،
احمد بن محمد بن المومل بن الحسن بن عیسی الحافظ ابوحامد الفقیه الادیب المزکی
الطوسی ، احمد بن المنصور بن محمد الحافظ ابوالعباس الصوفی الشیرازی ، احمد بن
موسی بن حماد ابوحامد النیسابوری ، احمد بن ابرهیم بن محمد الفقیه الزاهد ابوحامد
البغولی النیسابوری ، احمد بن محمد بن معقل السرخسی ابوعمرو الکاتب نزیل مزینان ،
احمد بن محمد بن مسیح بن وکیلی النجفی ابوسعید الحافظ النسوی ، احمد بن محمد
بن الحسن ابوعمرو بن ابی طاهر المحمد آبادی محلة خارج البلد ، احمد بن محمد بن
شیرك الفقیه ابوحامد الشافعی الهروی مفتی هراة فی عصره ، احمد بن محمد بن ایوب
بن سلیمان الفامی ابوحاتم الجوبقی النیسابوری ، احمد بن محمد بن عبدالله بن محمد بن
عبدالله بن محمد عبدالوهاب الصایغ ابوحامد النیسابوری ، احمد بن محمد بن اسمعیل
البغدادی ابوالحسن الخلال ، احمد بن محمد بن ابراهیم بن جازم البخاری ابو نصر ـ
الحازمی المؤذن ، احمد بن محمد بن حسنویه العابد ابو بشر الحسنوی النیسابوری ،
احمد بن محمد بن عمر الزاهد ابوالحسین بن ابی نصر الخفاف المجاب الدعوة

احمدبن نصربن محمدالزهری ابوالحسن البغدادی الحنودی ،احمدبن هرون بن ابرهیم الفقیه ابوالعباس الحاکم المزکی شیخ اهل الرای فی عصره النیسابوری، احمدبن یعقوب بن احمدبن مهران بن عبدالله ابوسعید الثقفی النیسابوری، احمدبن یعقوب بن ناصح الاصبهانی الادیب ابوبکر النحوی ، احمدبن یوسف بن عبدالرحمن الصوفی ابوحامد العمروف بالاشقر ممن صحب المشایخ القدما بخراسان والعراق ، احمدبن یعقوب بن عفربن الجنیدبن موسی التمیمی ابوالفضل الخجندی، احمدبن یعقوب بن العاطرعبد الجبار القرشی الجرجانی، ابراهیم بن اسمعیل بن ابرهیم العابدابواسحق المعروف بابوهتمك النیسابوری کان علی رأس سکه خشاوزه و توفی رحمة الله سنه ثمان و ثلثین و ثلثمائه و کان احدودب حتی رداوه فوق العمامم ، ابرهیم بن احمدبن محمدبن رجا الفراری النیسابوری ابواسحق الوراق، ابرهیم بن احمدبن عبیدالله المستملی ابواسحق الهمدانی الاعور، ابرهیم بن اسحق بن حمویه البزاز ابو اسحق الرازی، ابرهیم بن احمد الزاهد ابواسحق السلمانی النیسابوری، ابرهیم بن احمدبن محمدبن عبدالله الترنومدی، ابرهیم بن اسحق الادیب اللغوی ابواسحق الضریر، ابرهیم بن جعفر السختیائی ابواسحق النیسابوری ابرهیم بن الحسن الفقیه ابوالحسن النیسابوری، ابرهیم بن سیمجورالامیر بن الامیر ابو اسحق بن ابی عمران الادیب والی امارة بخار او هراة ومروو نیسابور فامابلاد قهستان فلم نزل برسمه، ابرهیم بن عصمة بن ابرهیم ابواسحق النیسابوری، ابرهیم بن علی بن بالویه البلخی ابواسحق، ابرهیم بن عبدالله بن اسحق العدل ابواسحق الاصبهانی، ابرهیم بن الفضل الهاشمی اللغوی، ابرهیم بن محمدبن ابرهیم ابواسحق الحری المعروف بابی الحامك الزاهدالنیسابوری، ابراهیم بن محمدبن احمد الفقیه ابو اسحق النجاری ، ابرهیم بن محمدبن یحیی المزکی النیسابوری ابواسحق شیخ نیسابور فی عصره توفی رحمة الله سنه اثنی وستین وثلثمائه، ابرهیم بن محمد بن الحسین بن الحسن بن الخلیل القطان

ابواسحق العابد النیسابوری، ابرهیم بن محمد بن مکتوم المستملی ابواسحق المکتومی ـ
النیسابوری، ابرهیم بن محمد بن احمد بن محمومه الصوفی العارف ابوالقاسم النصر ـ
آبادی النیسابوری الواعظ لسان اهل الحقایق، ابرهیم بن محمد بن محفوط بن معقل
ابو اسحق المحموظی النیسابوری، ابرهیم بن محمد بن ابرهیم بن الفضل بن اسحق ـ
الهاشمی المعدل ابواسحق بن ابی الفضل بن فضلویه المزکی النیسابوری، ابرهیم بن محمد
بن عبدالله بن ابی بکر الخباز المذکر الرازی، ابرهیم بن محمد بن ابرهیم الفقیه الاصولی
ابواسحق الاسفراینی، ابراهیم بن محب بن ابرهیم بن سلیمان بن خالد العبدی ابو اسحق
النیسابوری، ابرهیم بن مضارب بن ابرهیم ابو اسحق النیسابوری ، ابرهیم بن نصر
ابواسحق المزوری، ابراهیم بن یوسف بن لقمان الفقیه البخاری، اسمعیل بن عبدالله بن محمد
بن میکال ابوالعباس الادیب الشریف النیسابوری شیخ خراسان ووجهها وعینها فی
عصره رضی الله عنه ومیکال کان ابن الواحد بن جبرئیل بن القسم بن بکر بن دیواشی
وهوشور الملك بن سور بن شور بن سور اربعة من الملوك بن فیروز بن یزدجرد بن بهرام
جور بن محمد بن احمد بن یوسف بن سالم بن خالد السلمی ابوعمرو الزاهد
العابد شیخ عصره فی التصوف توفی الشیخ ابوعمرو النیسابوری رضی الله عنه لیلة السبت
الثالث عشر من ربیع الاول سنه خمس وستین وثلثمائه ودفن بشاهنبر، اسمعیل بن محمد
بن الفضل بن محمد بن المسیب ابوالحسن النیسابوری الشعرانی وکان جدهٔ شیخ عصره
بخراسان وتوفی بقریة بیهق، اسمعیل بن احمد بن محمد التاجر ابو سعید الهلال الجرجانی
سکن نیسابور وتوفی بها ، اسمعیل بن عبدالله بن عمر سلیمان ابومنصور بن ابی الیاس
الکوکبی النیسابوری ، اسمعیل بن احمد بن محمد بن اسمعیل ابومحمد بن ابی الحامد
الا سماعیلی الطوسی ، اسمعیل بن احمد بن محمد بن یوسف ابو ابراهیم الاسترابادی ،
اسمعیل بن ابراهیم بن محمد الفقیه اسحق بن ابراهیم بن محمد بن محمد ابراهیم الحترجی

ابویعقوب العماری النیسابوری، اسحق بن ابراهیم بن عمرویه البخاری ابو ابراهیم الفقیه، اسحق
بن سعید بن الحسن بن سفیان الشیبانی ابویعقوب النسوی، اسحق بن محمد بن اسحق بن محمد
قبیصه المعدل النیسابوری، اسحق بن محمشاد الزاهد ابویعقوب الکرامی شیخهم وامامهم
ذکر الحاکم رحمه‌الله سمعت من الثقه انه اسلم علی ید ابو یعقوب
الکرامی من اهل الکتاب والمجوس بنیسابور ما یزید علی خمسة آلاف
رجل و امراة ، اسحق بن احمد بن شیث بن الحکم ابونصر الفقیه البخاری الصفار
احمد بن احمد بن خیر ابواحمد البخاری ، اسد بن الهیثم بن عبیدالله المصری
ابوالهیثم، اسد بن رستم بن احمد بن عبدالله ابوسعید الرستمی الهروی ، اسامة بن علی
الهمدانی نزیل بنسابور، بکر بن محمد بن حمدان المروزی الصیرفی المعروف بالدحمیسی
بکر بن احمد بن زکریا ابوعمرو الشاهد المعروف بالعدنی، بالویة بن محمد بن بالویه ابوالعباس
المزنیانی، بشر بن احمد بن بشر بن محمود بن اشرش الاسفراینی، بشر بن محمد بن یاسین بن
النصر بن سلیمان النیسابوری القاضی القضاة بنسابور، بشر بن عبدالله البصری ابواحمد
~~نزیل بنسابور، جعفر بن محمد بن الحارث المراغی~~ نزیل بنسابور، جعفر بن احمد بن
محمد الصوفی العابد ابوالقاسم بن المقری الرازی شیخ عصره فی التصوف والتوکل، جعفر بن
نعیم بن شاذان بن قنبر ابومحمد النیسابوری، جعفر بن محمد بن جعفر ابومحمد بن ابی بکر بن
جعفر البشتی النیسابوری، جعفر بن الفضل بن عیسی الفقیه ابومحمد الشاشی، جمیل بن محمد
بن جمیل ابوالحسین الرازی صمعه بنت احمد بن محمد بن عبیدالله الرئیس النیسابوریه
من ولد عثمان بن عفان رضی‌الله عنه، الحسن بن ابراهیم بن یزید الاسلمی ابومحمد
الفارس القطان نزیل بنسابور، الحسین بن احمد بن موسی ابوعلی الفارسی، الحسن
بن احمد بن الحسن بن موسی القاضی ابوعلی البیهقی، الحسن بن احمد بن الحسن
بن محمد ابومنصور بن ابی الحسن المعاذی المزکی النیسابوری ، الحسن بن احمد
عبیدالله ابوالغازی الصوفی البغدادی ، الحسن بن احمد بن یعقوب بن موسی بن
امیرالمومنین ابومحمد المامونی ، الحسن بن احمد بن محمد بن حفص الحرسی

النیسابوری ، الحسن بن محمد بن عبدالله الدنیوری ابومحمد ، الحسن بن یعقوب بن یوسف العدل ابوالفضل البخاری ، الحسن بن یعقوب بن یوسف الصوفی النیسابوری الزاهد صاحب الخانقاه مجمع الزاهد و الصوفیه توفی رحمه الله فی رجب سنه ست وثلثین وثلثمائه وهوفی سن النبی صلی الله علیه و سلم و شهدت جنازته بالحیره ودفن بقرب المشایخ السته ، الحسن بن محمد بن یحیی بن الحسن السحری ابومحمد الادیب ، الحسن بن احمد بن موسی ابوعلی الفامی النیسابوری ، الحسن بن احمد بن الحسن القاضی ابوعلی البیهقی الادیب الفقیه ، الحسن بن محمد بن علی ابوعلی بن ابی الحسن بن ابی عبدالله الطوسی الرود باری ، الحسین بن علی بن یزیدبن داودبن یزیدبن الحافظ ابوعلی النیسابوری واحد عصره فی الفحظ والایقان والورع والرحله ذکره فی الشرق کذکره فی الغرب مقدم مذاکیر الائمة وکثرة التصنیف توفی رضی الله عنه الخامس عشرمن جمادی الاولی سنه تسع واربعین وثلثمائه ودفن فی مقبره باب معمر، الحسین بن داود بن علی بن عیسی بن محمد بن القاسم بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابیطالب ابوعبدالله العلوی رضی الله عنهم، الحسین بن الحسن بن ایوب الادیب ابوعبدالله الطوسی، الحسین بن علی بن محمد بن یحیی بن عبدالرحمن ابو محمد الحسینك بن ابوالحسن التمیمی النیسابوری ، من بیت الثروة والمروة قریب حسین بن معاذ، الحسین بن سختویه ابومحمد البزاز، الحسین بن محمد بن احمد بن ابوعلی الماسرحسنی النیسابوری الحسین بن احمد بن جعفر ابوعلی الکرامی النیسابوری، الحسین بن محمد بن علی بن محمد الزبیری القرشی ابوعلی النیسابوری الحسین بن حمیدی سیبویه المعدل ابوعبدالله النیسابوری، الحسین بن احمد بن عبدالرحمن ابوالصفار الهروی، الحسین بن عبدالله بن محمد الفقیه ابوالطیب الشیرازی، الحسین بن محمد بن الحسین بن یحیی الواعظ ابوسعید البسطامی، الحسین بن جعفر بن محمد الجرجانی ابوعبدالله الحسین بن جعفر بن یزید ابوعبیدالله الرازی، الحسین بن عبدالحمید بن

عبدالرحمن ابوعبدالرحمن الادیب النحوی النیسابوری، الحسین بن احمد بن جعفر — الصوفی ابوعبدالله الرازی، الحسین بن یحیی بن زکریا بن یحیی الواعظ ابوعلی الشافعی رضی الله عنه وقبله زعم بشقان، الحسین بن الحسن القاضی ابوعبدالله الحکیمی، الحسین بن عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز ابوعبدالله النیسابوری، الحسین بن علی بن محمد الحسین العلوی رضی الله عنه . الحسین بن علی بن بندار ابوالقسم بن ابی الحسن الصوفی ، حسان بن محمد بن احمد بن هرون القرشی ابو الولید الفقیه امام اهل الحدیث بخراسان فی عصره توفی رضی الله عنه الیلة الجمعه الخامس من ربیع الاول سنه تسع واربعین و ثلثمائه و دفن فی مقبرة نصر بن زیاد القاضی المدفون فیها ثلثة من الصحابه و قد قال بعض العلماء فی الصیده التی یرثی له بها و قدبقی ربیه و مصرفه امام هذا الدهور و الاعصار ابوالولید الفقیه و السید القوم و فخر الخلایق الاکبر معدن کنز العلوم حمزة بن محمد بن احمد الزیدی الحسینی العلوی ابوعلی نجم اهل بیت النبوة فی زمانه الشریف حسباً و نسباً ، حمزة بن احمد بن محمد بن حمزة الفقیه ابوعلی الشاعر الزوزنی ، حمزة بن عبدالعزیز بن محمد ابوعلی المهلبی الصیدلانی النیسابوری ، حاجب بن احمد بن جم بن سقیان ابو محمد الطوسی حامد بن محمد بن عبدالله بن محمد الهروی ابوعلی الواعظ المعروف بالوفا، حامد بن محمد بن عبدالله الخیاط النیسابوری ، حامد بن محمد بن احمد بن جعفر الصوفی ابواحمد الکاغذی النیسابوری و توفی بسجستان، حامد بن احمد بن عبدالله بن حمشاد الفقیه ابواحمد المناشکی النیسابوری ، احمد بن محمد بن حمدون بن مرداس الفقیه ابو منصور الجرجانی مات بنیسابور حیدر بن فتح بن محمود بن هرون القرشی النیسابوری ، حمد بن محمد بن الحطاب الفقیه الادیب البشتی ابوسلیمن الخطابی، خلف بن احمد بن محمد بن خلف الامیر بن الامیر و من بیت ولاة خراسان الجلیل

بن احمد بن الجليل القاضي شيخ اهل الرأى فى عصره ، الخضر بن احمد بن محمد القروينى ابوعلى ، الخضر بن محمد بن يحيى البلخى و كان ابوه بنيسابور ، خلف بن ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم البيلى النيسابورى ، خلف بن محمد الواسطى ابو محمد ، خطاب بن على بن الخطاب ابومحمد القروينى ، خديجه بنت احمد بن محمد بن رجا القاضى النيسابوريه وكان ابوها ابورجاء قاضى القصاة وكانت تحسن العربيه و الخط ، دعلج بن احمد بن دعلج الفقيه ابومحمد السجزى شيخ اهل الحديث فى عصره ، داود بن محمد بن نصير الاسفراينى ، داود بن محمد بن الحسين بن داود الحسين العلوى ، رشيق بن عبدالله الرومى ابونصر يسكين طابران من قرى طوس ، رافع بن عبدالله ابو اسامة المرو الرودى : رافع بن عصم بن العباس الصبى الهروى ، ربطه بنت عبدالله العابدة الزاهدة النيسابوريه ، زبير بن عبدالواحد بن احمد بن زكريا ابو عبدالله الاسترابادى ، زيد بن الحسين داود بن على الحسينى العلوى ، زيد بن عيسى بن جعفر بن مهدى الكوفى الزبير بن عبدالله بن موسى بن الحارث الثورى ابوعلى البغدادى ، زاهر بن احمد بن محمد بن عيسى السرخسى ابو على المقرى شيخ عصره ، سلمين بن محمد بن ناجيه ابوالقسم ابى بكر بن ناجيه النيسابورى ، سلمين بن محمد بن سليمن بن خلد العبدى النيسابورى من ميدان هانى ، سليمن بن محمد بن داود الفقيه ابوعلى الفقيه الداودى الهروى ، سليمان بن محمد بن على ابوالقاسم المناشكى النيسابورى ، سعيد بن عبدالله بن محمد الزاهد ابوعثمان السمرقندى سكن بنسابور من صباه الى ان مات بها ، سعيد بن نصر ابوعثمان الاندلسى ، سعيد بن محمد بن احمد بن جعفر الشعيبى ابوسعد ، سعيد بن القسم بن العلا بن الخالد البروعى ابو عمر المطوعى ، سعيد بن محصن الفقيه ابو عثمان الكشى ، سعيد بن محمد بن سعيد الفقيه ابواحمد المطوعى ، سعيد بن محمد بن سلمه العارف

ابوعثمان الزاهد المغربی ولادته بالقیروان فی قریة یقال لها کرکنت، کان واحد عصره فی الورع والزهد والصبر وجاور مکة فوق العشره وکان لایظهر فی الموسم و توفی بنیسابور رضی الله عنه سنه ثلاث وسبعین وثلثمائه ودفن بجنب ابی حفص وابی عثمان الحیری رضی الله عنهم، سعید بن المسیب ابوعثمان الشیرازی، سعید بن مشکان ابوعثمان الفاریابی، سعید بن محمد بن الفضل الفقیه ابوسهل بن ابی سعید النیسابوری، سعید بن عبدالله بن سعید بن اسماعیل بن ابوعمرو بن ابی عثمان النیسابوری، سعید بن محمد بن احمد بن سعید الصوفی ابوعثمان النیسابوری، سهل بن محمد بن سلیمن بن محمد سلیمن العجلی فقیه ابوالطیب بن ابی سهل الحنفی الصعلوکی النیسابوری ای مفتیها، سهل بن احمد بن سهل الدیوتدی ابوسعید المرکز، سهل بن عثمان بن محمد بن سهل ابومحمد بن ابی سلمة البخاری، سلمة بن احمد بن سلمة بن مسلم الذهلی ابونصر المعادی الادیب النیسابوری، سلمة بن محمد الفقیه ابونصر الصیدلانی النیسابوری، سیما بن عبدالله مولی الحازمیه ویعرف عندنا بابی علی شداد بن احمد البوزجانی ابوعبد الرحمن قریب ابی الفضل شافع بن محمد بن یعقوب الاسفراینی ابوالنصر، شجاع بن الحسن ابومقاتل الکاتب شعیب بن محمد بن شعیب بن محمد بن العجلی ابوصالح البیهقی، سیبه بن محمد بن شعیب بن هارون ابو محمد الشعیبی النیسابوری، صلح بن محمد بن داود ابو محمد الترمذی ضمرة بن یحیی الدمشقی، طاهر بن محمد بن یوسف البوشنجی ابوالحسن الفقیه، طاهر بن محمد بن سهلولیه بن الحارث العدل ابوالحسین النیسابوری، طاهر بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم ابوعبدالله البغدادی نزیل نیسابور، طاهر بن محمد بن عبدان التاجر المعروف بابی الطیب بن عبدان وکان من الامناء الصالحین

قال الحافظ ابوعبدالله: وکنت اتبرک بدعائه طاهر بن علی العمانی، طاهر بن احمد بن عبدالله البیهقی ابوالطیب، طاهر بن احمد بن محمد بن طاهر الوراق ابوالقاسم المولقابادی النسابوری،

ابوالقاسم البخاری ؛ عبدالله بن علی بن جمشادبن شختویة بن مهرویه ابو محمد بن ابی الحسن التمیمی النیسابوری ، عبدالله بن عمرو بن محمد التاجر بو محمد النیسابوری عبدالله بن عالم بن حمویة بن الحسین الصیدلانی ابومحمد ، عبدالله بن فارس بن محمد علی ابوظهیر البلخی، عبدالله بن الفضل بن الحسین البخاری، عبدالله بن القسم الکرامینی. عبدالله بن محمود بن حمدویه بن نعیم بن الحکم الموذن ابو محمد والد الحاکم

ابوعبدالله الحافظ النیسابوری مصنف هذا التاریخ ، عبدالله بن محمد بن موسی بن کعب

ابومحمد الکعبی النیسابوری، عبدالله بن محمد بن علی بن زیاد ابومحمد العدل النیسابوری عبدالله بن محمد بن بدیل ابوبکر البدیلی البخاری المعروف بالاشقر ، عبدالله بن محمد ابن عمر الفقیه ابو محمد البخاری ، عبدالله بن محمد بن محمد بن حمویة بن عباد ابوالقاسم بن ابی بکر الطلطانی ، عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن الصوفی ابومحمد الحیری النیسابوری المعروف بالرازی، عبدالله بن محمد بن حمدان الدهقان ابوطاهر الجونی النیسابوری ، عبدالله بن محمد بن عصام الرحی ابوالقاسم الحیری النیسابوری عبدالله بن محمد بن احمد بن حسان القاضی ابوالطیب بن فورس النیسابوری، عبدالله ابن محمد بن عبدالوهاب بن عطا القرشی الصوفی الرازی، عبدالله بن محمد بن عبدالله الحیرازی الرازی، عبدالله بن محمد بن عبدالله الشیبانی الذهلی النیسابوری ، عبدالله ابن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله الزاهد ابوبشر الخیاط النیسابوری و کان مجاب الدعوة رضی الله عنه، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن علی بن زیاد السعدی النیسابوری ، عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدوس العدل ابومحمد الحیری النیسابوری عبدالله بن محمد بن مهیمن الیزدی ابومحمد التاجر و کان من اعیان خراسان، عبدالله بن احمد بن محمد بن عبدالله بن بالویه ابومحمد البالونی النیسابوری ، عبدالله بن محمد ابن عبدالله بن دینار ابومحمد بن ابی عبدالله النیسابوری ، عبدالله بن محمد بن فضلویه

الصوفی الزاهد ابومحمدالمعروف بالمعلم النیسابوری ودفن بشاهنبر، عبدالله بن محمد بن السری بن الصباح الکرمانی ابومحمد القبانی، عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد ابن عبدالله المحمی النیسابوری، عبدالله بن محمد بن اسحق الزاهد ابومحمد الانماطی الزمجاری النیسابوری ودفن رضی الله عنه فی مقبرة ابی علی الثقفی، عبدالله بن محمد بن احمد بن محبوب التاجر ابی العباس المحبوبی المروزی ، عبدالله بن محمد ابوالقاسم الاصبهانی ، عبدالله بن محمد الساوعری ابومحمد المستملی، عبدالله بن محمد بن احمد بن حبیب الفقیه ابوذر بن ابی جعفر الکرابیسی النیسابوری ، عبدالله بن محمد بن برزه التاجر ابو محمد التاجر الرازی نزیل بنسابور ، عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن الفضل بن اسحق الهاشمی ابومحمد بن ابی الفضل النیسابوری، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد حمدویه بن نعیم ابوالحسن الضبی النیسابوری ، عبدالله بن موسی بن رامك النیسابوری ابوالقسم نزیل ببغداد ، عبدالله بن موسی بن الحسین بن ابراهیم السلامی ابوالحسن البغدادی ، عبدالله بن مضارب بن ابراهیم ابوالقاسم المقری النیسابوری وكان من العباد المجتهدین ، عبدالله بن مفلح ابومحمد البغدادی نزیل بنسابور ، عبدالله بن یحیی بن محمد بن عبدالله بن العنبری ابومحمد بن ابی زکریا العنبری النیسابوری، عبیدالله بن احمد بن محمد بن عبیدالله بن النصر بن محمد الرئیس بن الرئیس النیسابوری، عبیدالله بن احمد القاضی الکلاباذی ابوالقاسم البخاری، عبیدالله بن محمد بن نافع بن مکرم بن حفص الزاهد ابوالعباس العابد البشتی وكان من الابدال و جرب مرة بعد اخری انه كان مجاب الدعوة وتوفی رضی الله عنه سنه اربع وثمانین وثلثمائه ودفن فی بیته ، عبیدالله بن علی بن عبیدالله بن داود القاضی ابوالقاسم الداودی المصری سکن بنسابور ، عبیدالله بن محمد بن ابراهیم بن جبرئیل ابوبکر النیسابوری ، عبیدالله بن ابی ذر بن ابی رجا النیسابوری ، عبیدالله بن محمد بن عبدالرحمن بن مخلد

الدهان البلخی ، عبیدالله بن منصور بن عبدالله الکلاحی المصری الشاعر ، عبیدالله بن محمدالمتکلم النیسابوری ابونصر ، عبیدالله بن محمدبن محمد بن حامد ابوالقاسم الزاهدالبلخی ، عبدالرحمن بن محمدبن جعفر بن احمد بن سعید ابو محمدبن ابی بکر الجرجانی ولکن ابوه جرجانیا وهو نیسابوری ، عبد الرحمن بن احمدبن حمدویه المؤذن ابوسعید بن ابی حامدالنیسابوری ، عبدالرحمن بن محمدبن عبدالله بن مهران ابومسلم الحافظ الزاهدالبغدادی ، عبدالرحمن بن محمدبن محبوب بن حفص بن ابراهیم التمیمی النیسابوری الدهان، عبدالرحمن بن محمدبن حمدان القاضی ابومحمدالجرجانی عبدالرحمن بن علی بن محمدبن یحیی بن عبدالرحمن ابوالفضل التمیمی النیسابوری و کان من وجوه نیسابور: ثروة وشهامة ومروة، عبدالرحمن بن محمدبن حسیکا ابوسعید الحاکم العری ، عبدالرحمن بن محمدبن جعفر الواعظ ابونصر العقیلی النیسابوری، عبدالرحمن الحسن بن یعقوب الصوفی ابوالقاسم بن الحسن الحدادالنسابوری، عبدالرحمن حمدون بن تجار الفقیه ابوالولید النیسابوری ،عبدالرحمن بن ابراهیم بن محمدبن یحیی ابوالحسن بن اسحق المزکی النیسابوری، عبدالرحمن بن عبدالله بن یعقوب بن سمعویه ابوسعیدالنیسابوری ، عبدالرحمن بن احمدبن جعفر ابوالقاسم الشیبانی النیسابوری عبدالرحمن بن محمد بن الحسین الصوفی النیسابوری ابوالقاسم الحجاج حج بنفاو ثلثین حجة مدفون فی مقبرة الحسین بن معاذ وهو مات بنساحمل تابوته الی نیسابور، عبدالرحمن بن محمد بن محمدبن داود السجزی ابومحمدالنیسابوری، عبدالرحمن بن علی بن محمدالترمذی ابوالقاسم صاحب الترمذ ، عبدالرحمن بن محمدبن عبدالرحمن الواعظ ابوبکر السرخسی عبدالرحمن بن محمدبن الحسن ابومحمدالنصرآبادی النیسابوری ، عبدالرحمن بن حمدان الصیدلانی الزمجاری النیسابوری ، عبدالرحمن بن عبدالله بن احمدبن اسحق وجده امام اهل ابوبکر محمدبن اسحق وهو نیسابوری ، عبدالرحمن بن محمدبن

احمدبن بـالویه ابومحمدالمزکی النیسابوری ، عبدالرحمن بـن احمدبن محمدبن ابرهیم من اولاد سعدبن عبادة الخزرجی الانصـاری رضی الله عنه ابومحمدبن ابی عمرو العماری النیسابوری ، عبدالرحمن بن الحسن بن علی ابوسعیدبن احمدبن علی الصفار النیسابوری ، عبدالواحدبن احمدبن عمربن عبدالرحمن القرشی ابو عمر والکندری ، عبدالواحدبن محمدبن الشاه ابـوالحسین الصوفی الشیرازی ، عبدالواحدبن احمدبن القسم من ولد عبدالرحمن بن عوف وهوابن ابی الفضل المتکلم الاشعری ، عبدالواحدبن محمدبن عبدالرحمن ابوالحسن النیسابوری ، عبدالواحدبن علی بن عبدالله ابوالیسـار المروزی عبدالواحـدبن عبدالعزیزبن الحـارث التدیمی ابوالحسن الواعظ الحنبلی ، عبدالصمدبن احمدبن الحسین بن علی الزبیری ابوذر القاری النیسابوری ، عبدالصمدبن محمد البخـاری ابومحمـد الحـافظ النیسابوری ، عبدالحمید بن عبدالرحمن بن الحسین القاضی بن القاضی ابوالحسن بن ابی سعید النیسابوری وکان من افراد زمانه و من الدین به افتخار الاهل زمـانه لااهل نیسابورخاصة توفی ببخارا رضی الله عنه حمل تابوته الی نیسابور ، عبدالعزیزبن احمدبن محمداسحق ابواحمدالوراق النیسابوری ، عبدالعزیز بـن عبدالملک بن نصر الاموی ابوالاصبع الاندلسی ، عبدالصمدبن محمدبن محمدبن اسحق الزاهدالصوفی ابونصربن احمدالصفارالنیسابوری ، عبدالعزیز بن الحسن بن احمدبن الدارکی الاصبهانی ابوالقاسم الفقیه ، عبدالعزیز بن محمدبن الحسن الفقیه ابوالفضل البصروی ، عبدالعزیز بن محمدبن البختری الدامغانی ابومحمدالتاجر ، عبدالعزیز بن محمد بـن محمد بـن اسحق ابو محمـد المعدل النیسابوری ، عبدالمؤمن بـن عبدالملک ابونصرالدهستانـی ، عبدالرحیم بن محمدبن یحیی القاضی النیسابوری ، عبدالوهاب بن حمزه بن نصرابوابرهیم الجرجانی عبدالجلیل بن مذکوربن ثابت ابـو محمد السعدی ، عبدالملک بـن محمد بـن ابرهیم ابوسعیدبـن ابی عثمان الـواعظ

ابوذر النیسابوری و کان شیخ بنشابور فی‌عصره ، قیس بن طلحه بن احمد الفارسی ابومازن ، قاسم بن‌عبدالله بن محمدالعدوی ابونصرالجوهری النیسابوری ، قناده بن محمدبن احمدبن عمرالنیسابوری ، کثیربن احمد الوزیر ابو منصور العمید القاینی یتولی بنسابور نیفا وثلثین سنه ومات بهامخمل‌الی قاین ، کامل بن احمدبن محمد ابن جعفر المفید النیسابوری ، لیث‌بن طاهربن اللیث ابونصر النیسابوری ، لیث‌بن نصربن جبرئیل البخاری ابونصر الفقیه ، محمد بن احمد بن محمد بن زید المعدل ابوعلی بن حیکان النیسابوری ، محمد بن احمد بن بالویه الجلاب ابومحمد المحدث النیسابوری ، محمد بن احمد بن طه الاصبهانی ابو عبدالله ، محمد بن احمد بن سعیدابوجعفرالرازی ، محمدبن احمد بن محمد بن عقبه‌القاضی‌ابواحمد الحنفی المروزی ، محمد بن احمدبن‌عبدالله ابوالحسن الصفارالنیسابوری ، محمدبن احمد بن زکریا ابوالحسن بن زکریا کان من افاضل شیوخنا و هونیسابوری و مدفون بمقبره شاهنبر ، محمد بن احمد بن الحسن الحیری النیسابوری ابوالطیبب المنادلی ، محمدبن عبدالله بن محمد الفقیه ابوبکر البخاری ثم‌الاودمی ، محمد بن احمدبن محمد بن‌ابوالحسین المعادی الحسن الادیب النیسابوری ، محمدبن احمد بن محمد بن ابی الحیری ابوبکر بن ابی‌الحسین‌الغازی النیسابوری ، محمدبن‌احمدبن شعیب بن هارون ابواحمد الشیبی‌العدل النیسابوری ، محمد بن احمدبن اسحق بن ابراهیم الصیدلانی ابوعمروبن ابی‌بکر العدل‌المتطیب النیسابوری ، محمدبن‌احمدبن حمدون بن الحسن بن یزید ابو بکر الطیب المذکر النیسابوری ، محمد بن احمد بن اسحق ابوعمروالصغیر و لقدکان کبیراً فی‌العلوم و العدالة و هونیسابوری ، محمد بن احمد بن بشرالصوفی ابو منصورالحیری النیسابوری ، محمد بن احمد بن حمدان ابو عمرو بن ابی جعفر الحیری النیسابوری ، محمد بن احمد بن موسی

النیسابوری ، محمد بن احمد بن محمد بن جعفر ابوعمرو بن ابی الحسین السحری النیسابوری، محمدبن احمدبن حاضر الطوسی ابوبشر الحاضری، محمدبن احمدالخالدی النیسابوری، محمد بن احمد بن الحسن ابوالفضل الصابغ النیسابوری ، محمد بن احمدبن ثابت البزاز ابوالحسین البغدادی ، محمدبن احمد بن جعفر ابونصر الطوسی، محمدبن احمد بن عبدوس ابوالحسن الحاتمی النیسابوری ، محمد بن احمد بن عبدالاعلی ابو عبدالله المغربی ، محمد بن احمد الفقیة ابو بشر الادیب الشروطی؛ محمد بن احمد بن ابی الفوارس ابوالفتح البغدادی ، محمد بن احمدبن عبدالوهاب الواعظ ابوبکر الاسفراینی ، محمدبن احمدبن یزید ابوبکر الاصبهانی ولکن ابوبکر النیسابوری و ابوه کان اصفهانیا ، محمدبن احمدبن الحسین السمسار النیسابوری ابوطاهر الطاهری ، محمدبن احمدبن محمدبن محمدبن خاقان ابو عبدالله البخاری محمدبن احمد بن یحیی الفقیه ابوالفضل الترمذی ، محمدبن احمدبن محمدالتمیمی ابوالعباس بن ابی الحسن السلیطی النیسابوری ، محمد بن احمدبن عبدالله السکری ابواحمد المسکی النیسابوری، محمدبن احمدمحمدحفص الحرشی ابونصر النیسابوری محمد بن احمد بن نجم ابو الفضل الحلومی النیسابوری ، محمد بن احمدبن محمد الطوسی ابی بکر بن ابی تراب المسافری النوقانی ، محمدبن احمد بن علی ابوبکر القاضی الفارسی، محمد بن احمد بن حسنویه العارف الزاهد ابو احمد الحسنوی النیسابوری من کبار مشایخ التصوف مدفون فی مقبره شاهنبر ، محمدبن احمدبن محمد محمود ابوالحسن المراجمی النیسابوری نفقه عندالاستاد ابوالولید، محمدبن احمدبن عمر الخفاف ابونصر النیسابوری ، محمدبن احمدبن الحامد ابوالحسن العطار النیساری محمدبن احمدبن سهل ابو سهل الوراق الزوزنی، محمد بن احمدبن عمرویه النیسابوری محمدبن احمدبن علی ابوالحسن الصنعی الخنجرودی النیسابوری ، محمدبن احمدبن

محمد الفقيه ابو بكربن ابی سعيد النسوی، محمدبن احمد بن علی بن عبدالرحيم ابوالحسن بن ابی احمدالصفار النيسابوری ، محمدبن احمدبن سعيد ابونصربن ابی‌سعيدالوالی‌النيسابوری،محمدبن‌احمدعلی‌بن‌شعيب ابوبكرالكرابيسی النيسابوری من‌خان الدستی ، محمد بن‌احمد بن عبدالله‌الاردبيلی ابوالعباس الوراق ، محمد بن الحسن‌بن سعيدالجرجانی ابوبكر الوراق ؛ محمدبن احمدبن محمدبن عقيل‌ابوبكر القطان‌النيسابوری ، محمدبن احمدبن‌سعيد الانماطی البخاری ابومحمد ، محمدبن احمدبن موسی القاضی ابوعبدالله الحازنی الداری ، محمدبن احمد بن يحيی الفقيه ابونصر السرخی ، محمدبن‌احمدبن بالويه ابومنصورالكسايتی النيسابوری، محمدبن احمدبن يعقوب المذكی ابوعبدالله الاديب ، محمدبن احمدبن علی‌بن نصير المعدل ابوعبدالله النصيری النيسابوری، محمدبن احمدبن‌عبدوس ابوبكربن‌ابوعلی‌بن‌عبدوس النيسابوری المزكی ، محمد بن ابراهيم بن الفضل الهاشمی ابو الفضل المزكی النيسابوری و اكثرشيوخ نيشابور فی‌العدالة ، محمدبن‌ابراهيم بن عمران‌بن موسی الجوزی ابوبكر النحوی من جور فارس ، محمدبن‌ابراهيم بن علی حسنويه الزاهد ابوبكر الوراق النيسابوری‌وكان من البكايين من‌خشية‌الله تعالی حتی لقب بالبكاء محمدبن ابراهيم بن الحسن موسی المناشكی النيسابوری ابو العباس المحاملی ، محمدبن‌ابراهيم‌الفامی‌ابوبكرالنيسابوری، محمدبن ابرهيم‌بن‌نصر ابوعبدالله الاربندی محمدبن ابرهيم بن اسحق ابوبكرالصائغ ، محمدبن ابراهيم بن ابی‌عمران الاميربن الامير ناصرالدوله ابی الحسن النيسابوری ، محمد بن ابراهيم‌بن حمش‌ابوعبدالله النيسابوری نزيل نسا ، محمدبن ابراهيم‌بن يحيی الاديب ابوعمرو البشتی وانشد فی ذكر اصحاب الحديث قصيدة بعضهاهذا .

ودع فكرجرجان فـان شيوخنا ۰ ببلدة نيسابورا علـی‌فما الحزن

فیحیی بن یحیی لا یقاس بغیره
کلاك به عزا اذ اکنت ممتحن

و تا بعهم اسحق لله درة نعم
و الر باطی فضلهم غیر مکتمن

ابو الا ظهر المفضال ثم ابن هاشم
ومسلم ارباب الحدیث فلا تجن

فمن مثلهم فی حفظهم ومحلهم
فاثارهم یسعی و تدفع فی المحن

ومنا ابن اسحق الخزیمی شیخنا
ومفخرنا شیخ قوم المشایخ والزمن

ولقد کان للا سلام رکنا ومرکزاً
فبقی الله قبرا فیه ذاشیخ مندفن

و منا ابو عمر بن نصر رئیسنا
به عرف العز الذی اهله سکن

و نفخر با لسراج فخراً مواظباً
و با لحیری من او ضحو السنن

حسین و جارو دنیا و مسدد
وعن جعفر بن العلم بالحفظ مقرن

ولم اطمأن الا بذکر مفضل
ابی طالب کن بذکره مطمئن

و بعدهم الشوقی ثم مؤمل
اثلث بالمکی یا حبذ القران

ومنا ابو عثمان ثم محمد
عتیب ابا بکر اقر دایة ادن

ومنا الادیب الاریحی الذی مضی
ابو القاسم الشیخ المذکور وامتن

ومنا الفقیه البیهقی محمد
فکیف الطباری وموفی اللحد والکفن

و منا الرئیس الفاضل ایسد
الذی بنصرنه لم ترتفع راس

اقول له و العقول منی تحیت
سلام علی الرئیس ابی الحسن

و منا من الاحیاء طال بقاء هم
دوام لهم فضل و عبر بلا شحن

کمثل ابی بکر بن اسحق صدرنا
امام الا سباب الفرایض والسنن

ومنا من الاصحاب قاموا منه
هو البقی الطالب الحمد بالثمن

لقد بلغوا فی الدین اشرف خطبه
ویحیی بن منصور وهم سادة الزمن

و حسان سیف الله و الصارم الذی
بدین به ولم یفروا لم یدن

علیهم صلوة الله ما درّ سارق ویا صاح قمری علی شعب النن
وکل فقیه حاکم و مذکر فمنا ابرهیم المداین و الفطن

محمدبن ابرهیم بن علی النیسابوری ابوالعباس من رستق باخرز ، محمدبن ابرهیم بن سعید ابوجعفر البوشنجی ، محمدبن ابرهیم بن ابوعثمن الزاهد النیسابوری وکان من الصوفید العباد رحمة الله علیه ، محمد بن اسحق بن ایوب بن یزید الصنعی ابوالعباس اخوشیخ ابوبکر النیسابوری ، محمدبن ابراهیم بن یحیی ابوبکر الکسامی النیسابوری، محمدبن ابراهیم بن نضر الوکیل ابوبکر النیسابوری، محمدبن ابراهیم ابو سعید الا دیب النیسابوری ، محمد بن اسحق بن محمد بن یحیی الا صفهانی ، محمدبن اسحق بن محمد المعدل ابوالحسن المولقا بادی النیسابوری ، محمد بن اسحق بن بشرویه الزاهد من قریة ازاء ابوجعفر الزائی ، محمدبن اسحق بن محمد السجستانی ابوالحسن النیسابوری ، محمد بن بشر بن العباس ابو سعید الکرابیسی النیسابوری المعروف بالبصری ، محمد بن بکر بن بشر البونی ابو عبدالله الفقیه ، محمدبن بسطام الحسن ابوجعفر الاستوائی ،

محمدبن جعفر بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب رضی الله عنهم السید ابوجعفر الموسوی وکان اوحد الاشراف فی عصره ، محمد بن جعفر احمدبن موسی الفقیه الادیب، ابوبکر بن ابی جعفر المزکی البشتی، محمدبن جعفر بن ابرهیم بن یوسف ابوبکر الفامی النیسابوری ، محمدبن جعفر بن محمدبن مطر العدل ابو عمر و الزاهد النیسابوری محمدبن جعفر بن محمود ابوسعید الهروی، محمدبن جعفر بن ابرهیم النسوی ابوجعفر ، محمدبن جعفر بن الحسین بن محمدبن المفید ابوبکر البغدادی ، محمد بن الحسن بن ابوطاهر المحمد آبادی النیسابوری ، محمد بن الحسن بن علی بن بکر العدل ابوالحسن النیسابوری ، محمدبن الحسن بن الحسین التاجر العدل

ابوالحسن من اجل مشايخ العلم النيسابوری ؛ محمدبن الحسن بن احمد بن‌اسمعيل ابوالحسن المقری السراج النيسابوری ، محمدبن الحسن المو لقابادی، محمد بن محمد الصوفی ابوالعباس البغدادی ابن الخشاب ، محمد بن الحسن الفقيه ابوعبدالله الجرجانی الحسين ، محمد بن الحسن بن فوراك ابو بكر الا صبهانی ، محمد بن الحسن بن ثابت ابوبكر النيسابوری ، محمدبن‌الحسين بن محمد بن اسمعيل السلمی ابوالحسن الكرابيسی النيسابوری ، محمدبن الحسين‌بن محمدابوالحسن‌الجرجانی محمدبن الحسين بن محمد ابو الحسن المادی النيسابوری ، محمدبن الحسين بن يحيی ابوجعفر المؤدب البشتی ، محمد بن الحسين الجرجانی ابو الحسين‌الخياطی النيسابوری الوراق امام نيشابور ، محمدبن الحسن بن زيدابو احمدالوراق الطوسی محمد بن الحسين ابوعبدالله‌الانباری الموضاحی ، محمدبن الحسين بن‌داودالحسينی العلوی ابوالحسن النيسابوری رضی‌الله عنه ، محمدبن الحسين بن داودبن علی ابو علی الحسنی النيسابوری العلوی رضی الله عنه، محمدبن الحسين بن موسی‌السمسار النيسابوری ابوسعيد ، محمدبن الحسين بن مهران ابو الحسن الفقيه النيسا بوری محمدبن الحسين‌بن موسی‌السلمی ابوعبدالرحمن النيسابوری ، محمدبن‌الحسين بن محمد ابوالفضل قاضی المعروف بالحدادی النيسابوری، محمد بن الحسين الفقيه ابوعمرو البسطامی ، محمدبن حاتم‌الكشی ، محمدبن‌حيان التميمی ابوحاتم البشتی القاضی ، محمدبن حبكان ابوالحسن السحوری النيسابوری ، محمدبن حفص‌بن‌عمر ابوالعباس النيسابوری المعروف بالهروی ، محمد بن حيان الصوفی ابوبكر صاحب الاحوال مدفون فی‌مقبرة الحسين رضی‌الله‌عنه ، محمدبن محمدبن حامدبن محمود القطان ابوالعباس السامانی النيسابوری ،محمدبن‌حامدبن‌امة النيسابوری ،محمدبن حامدبن علی ابوبكر النجاری ، محمد بن حام بن متك النيسابوری ابوعبدالله‌الحمال

ظفر بن محمد العلوی الحسینی المصنف العالم النیسابوری رضی‌الله‌عنه ، محمد بن عبدالله بن احمدابوعبدالله الصفار الاصبهانی محدث عصره بخراسان و کان مجاب الدعوه لم یرفع الاکما بلغنا اربعین سنه توفی رضی الله عنه فی سنه تسع وثلثین ثلثمائه و دفن فی داره فی سلمة العنبی ، محمد بن عبدالله التاجر ابوعبد الرحمن النیسابوری، محمدبن عبداللهبن دینارالعدل ابوعبدالله النیسابوری ، محمدبن‌عبدالله بالویه ابو جعفر السامانی‌النیسابوری ، محمد بن‌عبداللهبن محمد ابوبکرالنیسابوری محمد بن عبدالله بن محمد ابوعبدالله المزنی اخوالشیخ المزنی توفی بنیسابور ، محمدبن عبدالله بن محمدبن صبیح العمری النیسابوری رضی‌الله‌عنه، محمدبن‌عبدالله بن محمد الرازی ابوالحسین ،محمدبن‌عبدالله بن جمشادالغازی ابوبکرالنیسابوری، محمد بن عبدالله بن محمدبن بشر المزنی ابوالحسین الهروی ، محمدبن‌عبداللهبن عبدالعزیزابوبکرالرازی، محمدبن‌عبدالله بن‌قریش‌الوراق‌الریدیجی‌النیسابوری،محمد بن عبدالله بن ابرهیم ابوالحسن السلیطی النیسابوری ، محمد بن عبدالله محمد الاسفراینی ، محمدبن عبداللهبن ابرهیم ابوسعید الزاهد المروزی ، محمدبن‌عبدالله ابن‌ابوجمشاد ابومنصورالنیسابوری ، محمدبن‌عبداللهبن الحسن‌السمیری النیسابوری محمدبن عبدالله الشیبانی ابوبکربن الحسن المعدل النیسابوری ، محمد بن عبدالله البزازی‌البخاری ، محمدبن عبداللهبن یعقوب ابوبکر النیسابوری‌ویعرف بالنسال ، محمدبن عبدالله بن شنویه الهمدانی ، محمدبن‌عبداللهبن الحسین الفقیه‌ابوبکرالصنعی النیسابوری ،محمدبن عبدالله بن احمد البوشنجی ابوبکر الواعظ الصوفی، محمدبن عبدالله الفضل الفارسی ابو عبدالله الوراق ، محمد بن عبدالله بن اسمعیل ابو جعفر الادیب الرئیس النیسابوری ، محمدبن‌عبدالله بن محمدابوبکر الفارسی محمدوعلی ابناء عبداللهبن‌محمدالدورقی‌النیسابوری،محمدبن‌عبدالله‌بن‌ادریس ابوعبدالله،محمدبن

عبدالله بن جمشاد ابو سعید الحاسب النیسابوری، محمد بن عبدالله بن حمدون
ابو سعید النیسابوری، محمد بن علی بن الحسن الحسینی مولده بهمذان و منشاؤه
بعراق رضی‌الله‌عنه، محمدبن علی بن الحسین ابوعلی الاسفراینی، محمد بن‌علی بن
الخلیل الزمجاری ابوبکر التاجرالنیسابوری، محمدبن علی بن‌علی ابوعلی‌البرنودی
النیسابوری، محمدبن‌علی بن احمد الجلاب ابو منصور الفرسی، محمد بن علی‌بن
محمد بن الحسن الطوسی، محمد بن علی بن‌الحسن ابوالطیب الخیاط‌النیسابوری
وکان مجاب الدعوة، محمدبن علی الدمشقی ابوبکر، محمدبن عبدالله الکلابی‌ابو
احمد النیسابوری، محمدبن علی‌الادیب ابوالعباس‌الکرخی، محمدبن علی‌بن‌اسمعیل
ابوبکر القفال الشاشی امام عصره بماوراءالنهر، محمدبن علی بن الحسین ابوبکر
المودل النسابوری، محمدبن علی عبدالله الزوزنی، محمد بن علی‌بن‌محمدبن‌یحیی
النیسابوری، محمدبن علی بن مومل النیسابوری، محمد بن علی العلوی ابو جعفر
الیمانی، محمدبن‌علی بن‌عمرو الاصبهانی ابوسعید، محمدبن علی بن الحسن‌ابوبکر
المروزی، محمد بن علی سهل ابوالحسن الماسرخسی، محمد بن علی بن بکر
النیسابوری، محمدبن‌علی بن محمد ابوعلی المؤذن النیسابوری، محمدبن علی بن
الزراد ابوعبدالله البصری، محمدبن علی‌بن‌محمدالرازی ابوالحسن‌الفامی النیسابوری
محمدبن عبیدالله بن محمد ابوبکر بن عبید النیسابوری، محمدبن عبیدالله ابرهیم
بالویه‌ابوالقاسم النیسابوری، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابوالحسین بن ابی
القاسم النیسابوری، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابوالعباس ماملة ابی العباس
الذعولی السرخسی، محمد بن العباس بن احمد الصنی ابوعبدالله الهروی الوجیه
الرئیس العالم رضی‌الله‌عنه، محمدبن‌العباس بن حمویه ابوبکر الصیدلانی‌النیسابوری
محمد بن العباس احب‌محمدبن جریرابوبکرالادیب الخوارزمی، محمدبن‌العباس‌بن

محمد بن قوهناذا بوبکر الکساسی النیسابوری، محمدبن عیسی بن محمد ابوصالح بن عیسی احد مشایخ خراسان، محمدبن علی بن عبدل ابواحمد الجرجانی، محمدبن عیسی بن محمد بن عبدالرحمن ابو احمدالجلودی النیسابوری من کبارعبادالصوفیه، محمد بن عبدالعزیز بن عبدالله بن ابرهیم ابوعلی الزعوزی النیسابوری، محمد بن عبدالعزیز بن علی الحشتاب ابوالحسین، محمدبن عبدالعزیز بن علی ابوبکر الجرجانی محمد بن عبدوس المقری ابوبکر المفسر، محمد بن عمر بن قتادة بن نظر ابوالحسن الزمجاری النیسابوری، محمدبن عبدان ابوعبدالله خادم الجامع بنیسابوز النیسابوری محمد بن عمر بن محمد الاسفراینی ابوبکر الفقیه، محمد بن عبدوس بن الحسین ابوعبدالله السمسار النسابوری، محمدبن عون بن اسحق المروزی ابوسعید الزاهد، محمدبن عبدوس بن حاتم ابونصر الدهان النیسابوری، محمد بن الفضل بن محمد الکرابیسی ابو احمدالوراق النیسابوری وکان من المعروفین بطلب الحدیث فی الشرق والغرب، محمدبن الفضل بن محمداسحق المذکر ابوسعید المقری النیسابوری، محمدبن الفضل بن العباس الشافعی ابوالفضل النیسابوری، محمدبن الفضل بن محمدبن اسحق خزیمه ابوطاهر النیسابوری، محمدبن الفضل بن محمدالادیب البلخی الربیع، محمدبن الفضل بن محمدالفقیه ابوبکر اهل بخارا، محمدبن الفضل بن لولو الحلوانی ابوالحسین، محمد الفتح الانماطی ابوالعباس المعدل، محمد بن القسم بن عبدالرحمن ابومنصور الصنعی النیسابوری، محمدبن القسم بن محمدبن الحسین الکرابیسی النیسابوری، محمدبن القاسم محمدبن بشر بن سالم الفارسی ابوبکر، محمدبن کافور بن کافور مولی احمدبن خذیقه، محمدبن محمدبن محمدبن عبدالله بن خالد البغدادی ابوجعفر التاجر محدث خراسان فی عصره، محمد بن محمدبن یوسف ابونصر الامام الطوسی، محمدبن محمدبن الحسن الشیبانی ابواحمد النیسابوری، محمدبن محمدبن یوسف المقری

ابوبكر البخاری اللحيانی ، محمدبن محمدبن مجمش ابوطاهر الزناطی النيسابوری، محمدبن محمدبن احمدبن عبدالله السلمی الحنفی ابوالفضل الوزير عالم مرورحمة الله محمدبن محمدبن علی العطار ابوسعيد النيسابوری ، محمدبن محمدبن احمد ابوبكر البلخی، محمدبن محمدبن احمدبن اسحق ابوالحسن الحربی النيسابوری، محمدبن محمدبن جعفر ابوبكر النيسابوری، محمدبن محمدبن جعفربن مطر ابواحمدبن ابی عمروالمعدل النيسابوری ، محمدبن محمدبن احمدبن اسحق القاضی ابواحمد الحافظ امام عصره وصنف علی كتاب مسلم البخاری وعلی كتاب ابی عيسی الترمذی وصنف كتاب الاسامی والكنی والعلل والمخرج علی كتاب المزنی وكتاب الشروط وصنف النسوح والابواب توفی رحمة الله يوم الخميس الرابع والعشرين من الربيع الاول سنه ثمان وسبعين وثلاث مائة وهوابن ثلث وتسعين سنه وصلی عليه الرئيس فی ديوان الجين ودفن فی داره، محمدبن محمدبن حامد الترمذی ، محمدبن محمدبن عبدان ابوسهل بن ابی عبدالله النيسابوری ، محمد بن محمد بن الحسن الكذری وهی قرية علی فرسخ من البلد ، محمدبن محمدبن اسحق بن النعمان العدل ابواحمد الصفار النيسابوری ، محمدبن محمدبن عبدوس المقری ابوعمر والزاهد الانماطی النيسابوری ، محمدبن محمدبن الحسين الترمذی ابوسهل، محمدبن محمدبن يعقوب الحافظ المقری ابوالحسين الحجاجی النيسابوری، محمدبن محمدبن اسمعيل بن منصور الغامی ابوبكر النيسابوری محمدبن محمدبن عبدالله بن عمروالجرجانی؛ محمدبن محمد بن علی النسوی ابواحمد المعروف بالبغدادی، محمدبن محمدبن يحيی بن عامر الفقيه ابوالحسين الاسفراينی، محمدبن محمدبن داود السحری العدل ابوبكر، محمدبن محمدبن محمدبن عبدالله ابوالحسين بن ابی عبدالله المزنی النهروی، محمدبن محمدبن محمدبن اسحق الثقفی ابوعمروابی العباس السراج النيشابوری ، محمدبن محمدبن ابوزرعة الكشی، محمدبن محمدبن الحسن بن

علی بن الحسین بن السری بن یزدجرد بن سیبویه بن شاپور الذی بنا بنسابور الفقیه الحاکم ابوالحسین الصفار النیسابوری، محمدبن محمدبن شاده الزاهد ابوالخیر الکرابیسی النیسابوری محمدبن محمدبن احمد ابوعمرو القامی النیسابوری، محمد بن محمدبن علی بن الحسن بن قتیبه، محمدبن محمدبن احمد الفقیه ابوسعید المطوعی النسابوری محمدبن محمدبن سمعان الحیری ابومنصور المذکر النسابوری، محمدبن محمدبن احمدبن عثمان البغدادی ابوبکر الطرازی، محمدبن محمدبن سعید المعدل ابوطاهر بن الکسکری النیسابوری، محمدبن محمدبن سعد الانماطی النیسابوری ویعرف بابی الحسین المدنی، محمدبن محمدبن اسحق السعدی ابواحمد الهروی، محمدبن محمدبن رجا الامین ابونصر الزمام علی الضی النیسابوری، محمدبن محمدبن احمد المعدل السراج ابوبکر النیسابوری، محمد بن محمدبن عبدالله بن محمدبن صبیح العمری النیسابوری، محمدبن محمدبن الحسین الکرابیسی ابوعبدالله الخالدی، محمدبن محمدبن عبدالله المطوعی ابومنصور النیسابوری، محمد محمدبن احمد بن انس ابونصر بن ابی الفضل الصرام النیسابوری، محمدبن محمدبن احمدبن عبدالله السلمی النیسابوری محمدبن محمدبن احمدبن احمدبن اسحق الکرابیسی النیسابوری محمدبن محمدبن اسمعیل الزاهد ابونصر الکرابیسی النیسابوری، محمدبن محمدبن سهل بن ابرهیم النیسابوری ابونصر امام اهل الرأی بخراسان، محمدبن محمدبن احمد المروزی ابوالفضل الروحی، محمدبن محمدبن الفضل الخفاف ابوعمرو القهندری النیسابوری محمدبن محمدبن ابراهیم بن سیمجور، محمدبن محمدبن عزیز بن محمد ابوالحسن دوست محمدبن محمدبن عبدالله بن ادریس ابوعبدالله الاسترابادی، محمدبن محمدبن ابو عمرو الرازی، محمدبن عبدالرحمن النیسابوری ابوبکر، محمدبن المومل بن الحسین الماسرخسی النیسابوری وکان احد وجوه خراسان رضی الله عنه

وما حالاتنا الاثلث شباب ثم شيب ثم موت ومن انساده فى وقت دخوله على بعض الوزراء
الم ترانى ازور الوزير وامدحه ثم استغفر واثنى عليه وتثنى على وكل لصاحبه تسخر،
محمد بن موسى بن عمران الفقيه ابو الحسن الصيدلانى ، محمد بن محمد بن موسى
الحسين بن الثعلبى ابو الحسن الكوفى ، محمد بن موسى بن عمران ابو جعفر الموذن
الطوسى، محمد بن موسى بن القاسم ابو سعيد الدباس النيسابورى، محمد بن نصرويه بن
البغدادى ابو عبدالله البزاز ، محمد بن نصر الطبرى ابو عبدالله الفقيه ، محمد بن الوليد
ابو العباس الزوزنى ، محمد بن هشام ابو عبدالله المروزى ، محمد بن يعقوب بن يوسف
الاموى مولاهم ابو العباس الاصم النيسابورى رضى الله عنه وارضاه مدفون فى مقبره
شاهنبر، محمد بن يعقوب بن يوسف الشيبانى ابو عبدالله الاحرم الحافظ وكان يعرف بن
الكرمان ولكن هو نيسابورى وله تصانيف كثيرة وهو صدر اهل الحديث فى زمانه
رضى الله عنه وارضاه ، محمد بن يعقوب النحوى الاصبهانى، محمد بن يعقوب بن اسحق
ابو مصعب الاسفراينى، محمد بن يوسف بن حمدان ابو جعفر التاجر النيسابورى، محمد بن
يوسف ريحان النجارى الامير ابو الفضل، محمد بن يوسف بن ابرهيم الموذن ابو عبدالله
الدقاق النيسابورى ، محمد بن يوسف بن يعقوب ابو سعيد السوسى ، محمد بن يحيى
ابن محمد بن عبدالله العنبرى ابو العباس بن ابى زكريا النيسابورى، محمد بن يزيد بن
محمد العدل اخو عبدالله الزاهد النيسابورى ، منصور بن احمد بن هارون الفقيه المزكى
ابو صادق نيشابورى، منصور بن محمد بن احمد بن حرب القاضى ابو نصر البخارى ، منصور
بن عبدالله خالد الذهلى ابو على ،منصور بن عبدالرحمن بن الحسين ابو احمد النيسابورى مكى
بن احمد بن سعدويه البردعى ابو بكر ،مسيب بن محمد بن مسيب ابو عمرو ابى عبدالله الارغيانى
موسى بن محمد بن موسى ابو المعشر المالينى ، سعيد بن جمعة بن خاقان الاديب المطوعى
الطبرى ، موفق بن محمد بن الجراح الاديب ابو سعيد الهروى ، محمود بن الحسين بن

محمود ابوحامد القطان النیسابوری ، محمود بن محمد بن محمود ابومحمد المطوعی من اهل فواده عبدالله حمزة بن حبه ابومنصور الدهقان القندشنی النیسابوری منصوربن عبدالله بن حمزه ابونصربن ابونصر النیسابوری، معاذبن محمد الحسین المعدل ابوالحسن الانماطی المعروف بالمعادی النیسابوری منه المنان بن محمدبن سلمویه ابورشید العدل النیسابوری ، مطهربن محمدبن حاتم بن عبدالله ابوعلی النیسابوری ، مسلم بن عبدالعزیز الیمانی ابو عبدالله الخصیب نوح بن قلج بن احمدبن ابو حاتم النیسابوری ، نصربن محمدبن احمدبن یعقوب ابوالفضل الطوسی ، نصربن حاتم بن بکربن ابو اللیث الشاشی ، النصربن محمدبن احمدبن محمد ابوالقاسم المحمی النیسابوری ، نصربن محمدبن عبدالملک الصوفی الاندلسی ، النعمان بن محمدبن محمودبن احمدبن الحسن الطوسی ابوالحسن الروغندی ، النعمان الجرجانی ابونصر ، ناصربن محمدبن ابی المعالی المروزی، نعیم بن الحسین الجرجانی ابوالحسین التاجر ناصربن عبدالرحمن بن ناصر ابونعیم الجرجانی ، ولید بن احمد بن محمد الولید ابوالعباس الزوزنی، ولیدبن بکربن مخلدبن ابی زیادالعمری ابوالعباس الفقیه المالکی الاندلسی، هارون بن احمدبن هارون ابوسهل الاسترابادی ، هارون بن محمد هارون الصوفی ابوسهل الحمامی النیسابوری ، هارون بن محمد الازواری الجوینی ابوموسی هبته الله بن الحسن الادیب النحوی العلامة ابوبکر الفارسی، هشام بن محمدبن بکر ابونصر السرخیسی ، لاحق بن الحسن بن عمران ابوعمرو الوراق البغدادی ، یحیی بن منصوربن یحیی عبدالملک ابومحمد الحاکم العالم الدین النیسابوری الجرودی ، یحیی بن محمدبن عبدالله بن العتیربن عطا مولا ابی خرقا السلیمی ابو زکریا العنبری النیسابوری ، یحیی بن محمدبن احمدبن محمدالحسینی العلوی ابومحمد ابی الحسین بن ابی زیاره النیسابوری رضي الله عنه ، یحیی بن محمدبن سهل الاسفراینی ابوزکریا

يحيى بن محمد بن احمد المقرى ابو بشر القطان النيسابورى قريب محمد بن اسحق، يحيى بن عمرو بن صالح بن محمد بن يحيى ابو زكريا البشتى، يحيى بن احمد بن ابو عمرو المخلدى النيسابورى، يحيى بن اسمعيل بن يحيى المزكى ابو زكريا الحربى النيسابورى، يحيى بن يحيى بن عبدالله ابو زكريا المحسودى البخارى، يحيى بن محمد بن احمد بن المذكر الطوسى ابو زكريا، يحيى بن محمد يحيى المعدل ابو القاسم الصيدلانى النيسابورى، يحيى بن زكريا بن الشاه السرخسى ابو منصور، يحيى بن احمد بن ابو زكريا بن ابى طاهر السكرى النيسابورى، يحيى بن عبدالرحيم بن يحيى ابو زكريا الحيرى النيسابورى، يحيى بن عثمان الواعظ السحرتى ابو زكريا، يوسف بن يعقوب بن اسحق، يوسف بن احمد بن سليمان الدير عالى، يوسف بن يعقوب بن ابرهيم البغوى ابو يعقوب، يوسف بن اسحق الفقيه ابو الحسين الجرجانى، يوسف بن اسمعيل بن يوسف ابو يعقوب الساوى، يوسف بن محمد بن محمد بن يوسف ابو الجراح الطوسى يعقوب بن احمد بن محمد بن يعقوب الخسر وجردى ابو يوسف البيهقى، يعقوب بن محمد بن اسحق بن يزيد ابو يوسف المذكر النيسابورى، ياسين بن محمد بن محمد بن ياسين ابو يوسف النيسابورى

قال الحاكم الامام ابو عبدالله الحافظ النسابورى وقع الفراغ بعون الله وحسن تقديره شهر رمضان سنه ثمان وثلثمائه

وذكرت بعد الاربعين سنه منها شيوخى واخوانى الذين استعدت عنهم حديثاً اوحكاية او انشاداً وخرروا من العلوم الى هذا الشهر فعلقت وفاة من توفى من هذا الوقت، عبيدالله بن محمد بن عبدالله ابو الفضل القامى النيسابورى ابو على بن ابى الصامت بن ابى محمد النيسابورى، محمد بن احمد بن محمد السختيانى النيسابورى، العباس بن

ابی القاسم الرمکی الوزیر النیسابوری ، عبدالواحد بن محمد ابوالوفا البزاز النیسابوری
محمد بن محمد بن علی بن سهل بن مصلح الفقیه ابوبکر الماسرخسی النیسابوری، ابوبکر
بن محمد بن محمد بن علی بن بکر النیسابوری ، عبدالعزیز بن عبدالله محمد بن عبدالعزیز
ابوعمرو النیسابوری المعروف بابی عبدالله الهرثی، یحیی بن یحیی بن احمد بن ابوزکریا عمرو
الخلدی النیسابوری ، محمد بن الحسین بن الحسن الاصبهانی المقری، مهدی بن محمد بن
محمد ابوسلمة الصیدلانی النیسابوری محمد بن عبدالله ابوالعباس الزاهد السختیانی
النیسابوری عبدالرحمن بن محمد بن احمد ابوالقاسم بن ابی بکر المسکی التاجر النیسابوری
عبدالله بن احمد بن محمد الماسرخسی النیسابوری ابومحمد، محمد بن احمد بن عبدالله بن
سلیمان السلیطی ابوعمرو النیسابوری ، ختن ابی بکر بن اسحق محمد بن عبدالاعلی بن
محمد بن ابوبکر الشاهد النیسابوری، محمد بن احمد بن حبیب ابوسهل المقری النیسابوری
ابراهیم بن محمد الاصبهانی ابواسحق ، محمد بن محمد بن الفضل ابوحاتم القهندزی،
فاطمه ام علی بنت ابی جعفر النیسابوری، محمد بن محمد بن عبدالله بن محمد ابوسهل بن
اخو الحاکم المصنف النیسابوری، محمد بن عبدالرحمن بن ابرهیم ابوالحسین النیسابوری
ابوعلی ، الحسین بن شیخ الرئیس ابی الحسین النیسابوری ، علی بن عبدالله محمد بن
جعفر ابوالحسن البیسکی احمد بن عبدالحمید بن عبدالرحمن النیسابوری ، محمد بن
احمد ابوبکر الفرائضی البطحی النیسابوری ، عبدالله بن محمد عبدالله بن الرومی ابو
محمد الحیری النیسابوری ابو عبدالله ، سعید بن محمد بن سعید ابوعثمان السکری
النیسابوری ابوالقاسم علی بن محمد بن علی الجرجانی ، عبدالرحمن بن محمد بن محمد
بن حمد ابوسعید النیسابوری ، الحسن بن داود رضوان ابوعلی الفقیه السمرقندی، عبدالله
بن احمد المذکر ابوالحسین الحنبلی وهو ابن بنت علی الجنابدی ، محمد بن علی بن الفضل
بن محمد الخزاعی ابونصر النیسابوری ، محمد بن علی بن الحسین الخلقانی المعروف بابی

نصیر القصار ، محمدبن القاسم ابومنصور المنادی النیسابوری ؛ محمدبن احمدبن محمد ابوبکر المقری النیسابوری ، عبدالرحمن بن محمدبن محمدبن احمد ابوالقاسم المزکی النیسابوری الحسین بن محمدبن ابرهیم ابوعلی النسوی ، ابوسهل بن ابی بشر بن محمد هارون النیسابوری ابوسهل بن ابی القاسم النیسابوری ابوبکر ، محمدبن محمدبن جمش النیسابوری ، محمدبن ابی اسحق الکیال المطوعی الجرجانی، محمدبن محمدبن احمد المعدل ابوعبدالله شیخ اهل الرأی النیسابوری، یحیی بن یحیی بن عبدالرحمن ابواحمد النیسابوری ، عبدالله بن محمدبن احمد الصوفی الزاهد ابوالعباس السختیانی النیشابوری، یحیی بن عبدالرحمن ابوزکریا العاصمی النیسابوری طغرل الترک مولی الشیخ العمید ، محمد ابوعمرو السلیطی النیسابوری، السید ابوالفضل احمدبن محمد الحسینی الغلوی النیسابوری ، محمد بن عبدالاعلی بن محمد ابوبکر الفقیه النیسابوری ابن وجه اسحق محمود التاجر الاصبهانی ابو سهل بن حبیب المقری ابو عمرو بن علی الانماطی ، عبدالرحمن بن عبدالله بن حمدون ابوسعید ابونصر العصلی العارضی ،محمدبن احمد بن سهل ابوسهل الدستی علی بن محمد المذکر ابوالحسین المهرانی، عبدالله بن محمد بن علی ابو محمد النیسابوری، عبدالله بن محمدبن عبدالله ابوالقاسم المطوعی النیشابوری المعروف بالحرضی ، محمدبن عبدالله بن محمد ابونصر الصوفی الانماطی النیشابوری ، علی بن محمدبن احمد ابوالحسن السلیطی النیسابوری ، علی بن محمدبن احمدبن الحسن ابوالحسن المعادی النیسابوری، ابراهیم بن احمدبن حمزه ابواسحق الوزیر الحسین بن علی بن الحسین الجوری النیسابوری ، محمدبن الفضل بن محمدبن یعقوب النیسابوری ؛ شیبة بن محمدبن احمدبن ابومحمد الشعیبی النیسابوری، عاصم بن یحیی النیسابوری ، ابراهیم بن محمدبن ایوب الفقیه ابواسحق الطراحی النیسابوری، محمدبن احمدبن حاتم ابوحاتم الطوسی ابوعمرو الحموسی احمدبن ابی القراقی الاستوائی، احمد

بن منصور بن عبدالله اخو المعتز النيسابوری ، عبدالرحمن بن محمد ابوسعید الشریفی الصوفی النیسابوری، محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد ابوالفضل بن الرئیس النیسابوری، محمد بن احمد ابوبکر الحموسی الفقیه النیسابوری،محمد بن احمد بن حمویه ابوالحسن الرئیس بابیورد ، الحسن بن محمد بن شاذان الشاهد ابومحمد النیسابوری ، محمد بن احمد بن معاد ابوبکر الفامی النیسابوری ، عبدالرحمن بن عبدالله بن الشیخ ابی بکر علی بن محمد الفازی ابوالحسن القطان الجرجانی،عبدالحمید بن محمد المذکر الخانقاهی ابوالقاسم ابوسهل البقال الواعظ ، اسمعیل بن الشیخ ابی علی العبدوی النیسابوری ، علی بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله ابوالحسن الحداد النیسابوری ، علی بن محمد ابوالحسین بن غلکان الخیاط النیسابوری ، عبدالله بن محمد بن علی الصفار ابومحمد الشاهد محمد بن احمد المولی ابونصر النیسابوری ، محمد بن علی بن الفضل الخزاعی ابوبکر النیسابوری ، محمد بن علی الطبری ابوجعفر البلادری الشریف ، ابوجعفر بن ابی محمد العلوی العباس بن محمد بن علی بن معدویه ابوجعفر بن ابی الحسن صهر الحاکم المصنف النیسابوری ابوسهل بن ابی بشر ، محمد بن هارون التاجر عبدالرحمن عبدالله بن علی بن محمد بن سختویة النیسابوری ، محمد بن علی المذکر ابوجعفر الجوردی ابوسهل بن مهران العدل النیسابوری ابوسعد الفلاحی الفقیه وتوفی سنه اربعمائه ،محمد بن یعقوب الفقیه الزاهد ابوبکر بن مخلد بن بنت ابی بکر بن ابی عثمان الزاهد النیسابوری ،احمد بن محمد ابو نصر البالوی النیسابوری، یحیی بن یحیی بن محمد بن عبدالله العنبری النیسابوری ابواحمد ، عبدالله بن محمد بن الحسن المهرسنان بن عمرو بن محمدك ابو منصور فاطمه بنت بکر بن محمد بن اسحق بن خزیمه سمعت اباها وحدیث و توفت رحمهاالله فی رجب سنه اثنین اربعمائه والله تعالی اعلم.

قال الحاکم الامام ابوعبدالله النیسابوری سألنی جماعة من اخوانی ان اذکر بعض ما انتهی الی من بناء المسجد القدیمه بنسابور والقهندز والمدینة الداخله و ذکر الاودیه والمحال والرساتیق والارباع فلم احد السبیل الی الاستقضاء فیه بالاسانید فقداجبتهم ان اذکر بعض ما یمکن ذکره بالاسانید وهذا کلامة الامام الفقیر محمد بن الحسین الخلیفه النیسابوری فترك الاسانید اعتماداً علی صحة قوله رضی الله عنه و اجتنابا من الاطالة

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع و محلات و بارو و وادیها و محولات نیسابور و آنچ تعلق بامثال این امور دارد

امـام حاکم فرمود اول کسیکه قهندز بنانهاد انوش بن شیث بن آدم بـود علیه السلام اساس آن برسنگی بزرك سفید مدور املس نهاد و ازاینجهت در افواه خلق بودکه آنرا قلعهٔ حجریه یعنی سنگی گفتندی بعد از آن بمدتی مندرس شدوچند گاه ماند تاوالایکه دوم باربنا نهادبعداز آن بطوفان خراب شد وتازمان ایرج بـن افریدون مهمل ماند از آن جهت که افراسیاب ساحر بالشکرعظیم برملك ایران غلبـه کرد وشهرها خراب میکرد واسیر وغارت میکرد ودرساحره ماهر بود دفع او متعذر بود دراثناء اینکه درملك ایران میگشت بصحراء قهندز رسید نزول کرد شهری نبود بجوانب نظر کرد میدانی وسیع دید ازاینطرف کوهی قوی خوش منظر از آنطرف کوهی مقابل ازجوانب جبال و تلال بوصف ایصال وادیها روان چشمها جاری اشجار مثمره ثمار لذیذه میدانی مستدیر جبال محیط درشگفت افتاد قلعه اعلاء قهندز بنـا کرد و دیوارها احکام کرد و بنی اساس مرتب گردانید وبعضی کسان ساکن کرد ودر زمان ایرج افریدون عمارت آن بیشتر و تمامتر شد.

ذکر حفر خندق قهندز

امام حاکم فرمود که چون نوبهٔ حکومت بمنوچهر رسید بقهندز آمد و در حوالی آن خندق حفر کرد و درجوانب مردم را ساکن کرد و بعضی را درون قلعه اسکان نمود و اهل مملکتی را بعمارة ورفع دیوار و توطن در جانب آن تکلیف کرد و آتشکده در آنجا ساخت وقومی را بر آن خانه موکل کرد وحکم کرد که بچهل روز اهل مملکتی از عماراتی که گفته بود فارغ شوند بس درجوانب قهندز اماکن و مساکن پیداشد و درون قلعه مسکون گشت واجتماع مردم دست داد .

ذکر بناء شهر قدیم

امام حاکم فرمود که چون هرمز پادشاه شد وملك اورامسخر گشت منجمان وفال گویان او را خبر کردند که فرزندی اورا متوقع است که همهٔ روی زمین را مسخر کند وفرزند درراه بود هرمز بود مادرش رااز حال بسرش خبر کردند درمحافظه آن بسرقوی جدی مینمود ووزراء پدرش طریق وفاداری رعایت نمودند تاج پدرش می فرستادند ومادرش تکیه میکرد آن تاج برسینه مادر می نهادند یعنی تاج پدر برسر پسر است وآنچ مصلحت میدیدند درمملکت جهت آن بسر حکم میکردند واحکام می نوشتند وبسلاطین زمان از زبان آن پسر منشور میفرستادند واورا شابور نام نهاده بودند یعنی شاه پسر یعنی پسر یعنی بسر بادشاه بقصد آنك چون بیدا شود هر نام که جهت خود اختیار کند نام او آن باشد چون بالغ شد نام خود همین اختیار کرد وبشابور شهره یافت یعنی شاهزاده وبحسب دنیا عالی همته بود ورأی صائب داشت ملك شرق وغرب او رامسخر شد این شابور شهر قدیم نیشابور درحوالی قهندز بنیا نهاد ومعماران وعمله تعیین کرد وگفت که برجوانب شهر خندق حفر کنند و باصل

مملکت بدرش که دیار بغداد ومداین آست وآن جوانب بودرفت وایوان مـدائن بساخت وودردیار شام‌شهر انبار بناکردوشهر کرخ وسجستان دراطراف بصره بساخت وشهزی ساخت فیروز شابور نام نهاد وبعد ما بنیسابور عود کردوبرحوالی شهرخارج خندق عمـارات آغاز کرد انبار ده نام نهاد معماران وعمله مرتب کرد و تکلیفات شاقه فرمود رعایا عاجز آمدند معماران را امر کردکه هرروز پیش از آفتـاب بسر کارها روند وهرکه ازرعایا پیش ازآفتاب حاضر نشود زنده درمیان خشت و گل دیوار گیرند وچنان کردندوخلق بر آن رنج قرار گرفتندوبعدازمنین کثیره کهچندان وبنیان انبار ده منهدم میشد استخوان جسد بنی آدم ازسرتاقدم ازمیان گل برخاک میافتاد وآن انبارده ازسده بنابود تاقریب زمان سلطان محمود عمروبن لیث کـه والی نسابور بود خراب بودوازخاک آن بازاری مقابل جامع شهربنانهاد چه شهر قوی وسیع بود واسباب عمارت بغایت متعذر

ذکر حفرخندق در جوانب شهر قدیم

امام حاکم فرمودکه چون شابور بمملکت دررفته بودلشگرترک بار دگـر برملک ایران غلبه کردند چون شابور بازآمدخلق ازآن فتنه فریاد برمی آوردند تا بلشکر جرار بسر آن اتراک رفت وبمحاربه ومقاتله ایشانرا از ملک ایران اخراج کرد وبازبنیسابور آمد بوقت طیب هوا وزینة فضا وکثرة غذا وسعهٔ معاش ورتبـه ارتیاش وسکون غبار وثمار بسیار وعذوبه میاه واسطامه جایگاه فارغ البال منتظـم الحال مملکت مسخر ومهمات میسر دشمن مقهور ولشکر منصور اینجا مقام نمود وبناء شهر متصل بقهندز واقامه شهرستان واخراج ابراج وتشییه اساس فرمودومحلات وعمارات بهم واصل کرد وخندق شهر وقهندز بهم متصل کرد وبرجارجانب شهرجار

دروازه مرتبه داشت شرقی وغربی وجنوبی وشمالی ومهندسان رافرمودند طریق بنـا بایشان نمود تاچنان بنانهادند که چون آفتاب طلوع کردی شعاع آن ازهرچاردروازه در درون شهر سطوع کردی وآن ازعجایب بناها بود وبوقت غروب ازهرچاردروازه آفتاب درنظر بودی که پوشیده شدی همچنین ساختند وبسی زمان بنیان بر آن سان بود وبنام خودشهررانام نهاد.

امام حاکم فرمود وآن بناست که تاغایة اثر آن پیدا وعلامة آن هویداست ودروقت حفر خندق بوی خبر آوردند که گنجی پیداشد اندك اهتمامی نمود وضبط آن یکی ازنواب فرمود گفتند هشتادخروارزربوداز آن اهتمام پشیمان واز آن التفات پریشان شد چه آن مقداررا کم داشت واندك پنداشت وترسید که برقصورهمة اوز فرط خست حمل کنند اشارتی کرد که همه رانفقه کنیدودیگر ذکر آن نکرد

ذکر ارتفاع زمین نیشابور بنسبت بابلاد دیگر

امام حاکم فرمود که در کتب متقدمان حکما ثابت است که زمین نشابور ارفع مقام مسکون است ویك دلیل آنستکه دردواوین قدیمه نام این شهر ابرشهر نوشتندی یعنی شهریکه بابر نزدیکست ازکمال ارتفاع خصوصیة دارد بابر اورا بابر اضافت کنند ودیگر دلیل آنك معتدل الهواست نه حار مفرط نه بارد مفرطنه سموم مفسد مهلك بخلاف باقی ممالك

ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر و قهند ز بود بازدیاد عمارات در شهر و سور داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت

امام حاکم فرمود که شصت دیه بااسواق و بساتین و مقابر داخل محلات شهر ست و دراطراف شهر اکنون متفرق مشهور بکوجها و محلهاء شهر معدود از بنیان بلده اما :

آن مصر و مملکت که تو دیدی خراب شد

وان نیل مکرمت که شنیدی سراب شد

و نا مهاء دیهها که یکان یکان بوده همکنان بعماره همه را جمله ساختند این است .

الزیـق بویابـاد ، حنانهٔ خشك، شحنهٔ علیا ، شحنه سفلی، مـاهکاباد ،سورین کوی ، دزدان ، زمجارسفلی ، زمجا علیا ، باغ کبار ، وینکاباد ، عارکاباد، دودیه‌یهود باغك‌وشهرستانه، شابورواین‌رانصر آباد گفتندی، لعانجی‌سفلی،بشماناباد ، داربجرد حیره طبیرانه واین‌راکوی دزکان گفتندی، وافکرسلیط ، وافکرمعاد، مناسك‌سفلی مناسك علیا، خرقن‌علیاباد، حافظ محفوظ،باغ‌بهله، برز گرابـاد، محمدآ بـاد، حول، خندرون ،کنارسفلی، راقعه، سیمجردعلیا، سیمجردسفلی، حفصـاباد ، تلاجرد علیا، تلاجردسفلی،حنجرودعلیا، حنجرود سفلی، سهل‌تاشیش، قناه، خشانه‌قناة حمزه علیا، خرکابـاد، عمرویاباد، قناه علیا ازجـودی، بـاب‌طاق، ومسجدقریهٔبود، جوری‌علیا، جوری‌سفلی، حوسق، سیسنویه،حایط ، سلمه ، سوانقادرعلیا، سوانقادرسفلی، ورودهای‌وفراتاباد، ودستجرد،سهرامقان ، قناه جهم ازدستجرد ماغین ،کرم‌بکر ، فازرشك‌ورقاب‌فارس‌این‌مجموع‌قنوات‌وقری‌بودبرجوانب‌شهر بکثرهٔعمارات‌همه‌محلات

رکوچها شهر شد و باغات و بساتین ومقابران درمحلات داخل گشت و بقضاء ازلیه درسنه خمس وخمسین وخمسمائه دور وقصور خارجها وداخلها

توقیع اذازلزلت الارضش کرد   دریك دو سه دم عالیها سافلها

ذکر محلات شهر واوضاع واوصاف آن

وتمامی محلات جل وهفت بود ویك محله متوسطه را که نه بزرگ و نـه خرد محله جولاهکان گفتندی سیصد کوچه زیادت داشت: محله حیره، محله‌جامعه، فایده‌بود. اشرف‌محلات مقام اولیا و بازار حیره اعظم، اعظم اسواق‌شهر بود واول‌بازار ازسرحیره بود و مقطع اوقربی روضه سلطان حسین و یك فـرسخ هست تقریباً وتمام پوشیده بود

محله بویاباد درعماره ورتبه وجلاله اهل محله مـواضع را بآن مثل‌زدندی ابومسلم مروزی رحمةالله پیش‌از ظهور سلطنت در آن محله فرودآمد درکاروان سرائی برزبان او گذشت که زود باشد که همه خراسان مسخر من باشد بعضی جوانان سفها دنب دراز گوش او بریدند چون دید پرسید کـه نام این محله چیست گفتند بویاباد گفت زود باشد که این محله را گند آبـاد گردانم و برفت دیگر بار که آمد والی بود آنرا خراب کرد وهمچنان خراب ماند دیگرمعمور نشد

محله مولقا باد پیوسته اعلاء حیره است

محلهٔ میدان زیاد بغایة بزرگ بود .

محله نصر آباداعلاء شهربود بزرگ وعریض محله علما و تجـار بود

امام حاکم فرمود جل بازرگان بوددر آن محله بوقت‌عبدالله طاهر بهرعیدی یکی از ایشان اهل شهـررا دعوتی کردی که همه خلایق شهررا فرا رسیدی عبدالله

طاهر پرسید کـه از آن جماعت کـدام طعـام دهنده ترست وطـریق تـر گفتند حسین بن محمـد نصر آبـادی او را حاضر کـرد واز رسوم دعـوت و عادة ایشان برسید قضا بگفت درترتیب دعوة که عبدالله از آن تعجب کرد وجاه ومال و حشمة ودعوه وسخاوه نفس او بیش او اندك نمود گفت خراب مباد. شهری که دروچنین ارباب مروة باشد.

محله دیگر بود بزرگ درومسجدی بود متبرك وحوضی که بآب آن تبرك جستندی حوض کسلان گفتندی و قصه این محله و حوض مستوفاً ذکر خواهد شد بطریق اوضح.

محله الزیق، محله مناسك علیاوسفلی گوید اعلی حده شهری بود

محلـه دیـز بوقت فتح شهر صحابه آنجا مسجدی ساختند مبارك طابه دیز واهل آن نبود مسجد و اهل آن منطفی گشت.

محله نمد آبـاد بزرگ بود

محله باب ابی الاسود محلـه قباب محله خواست متصل شادیاخ است

محله شادیاخ مکان عبدالله طاهر بودویعقوب لیث خراب کرد وبساتین ساخت و بعد از آن شهر شد

محله جلاباد بزرگ بود متصل بشادیاخ

محلهٔ تلاجرد محله قوی بزرگ بود یکطرف بجلاباد دیگر طرف متصل بحنبجرودمحله حفصـاباد

محله خمزکابادمحله بزرگ بود

محله محمدآباد درورياض وحیاض است

محلـه قزمحلهٔ بزرگ معمور بود بعلم وعدی وعماره وارفع محلها بود وآب وهوای اوخوشتر بود ووصف او بیاید

محله درباغ وآن باغ ابومسلم بود صاحب دولة

محله باب عقیل محلـه باب عسگر همه بازارهاش بزان وطعام فروشان بودی وبازار علافـان

محله باب عزرہ محله حرب محله باب معاذ، محله بیدستان درخت بید بسیار بوددرو ،

محله مـرتعه محلهٔ سرپل ، محلـهٔ دزدان موضع کنارنك بود و او در جاهلیة ملك خراسان بود

امـا بعبـدالله بـن عامـر او کاغـذ و کس فـرستاد تـا آمدند و خراسان فتح داد

محله باب معمر، محلـه در باغ ماژجرد ، محلـه میدان حسین و او صاف بسیار دارد محله سمیجرد، محلهٔ الرقیا، محله جولاهگان محلهٔ جودی علیا عیدگاه آنجا بود ودر وبساتین وانهار بسیار بود

محلهٔ جوری سفلی محلهٔ سرکوی محله سنجد ستانه ،

محله بـاغ رازیان اهل علم وتجارة آنجا بسیار بودی

محله باغك متصل بود بمحله قزعبدالله عامر که فتح کرد آنجا نزول کرد مسجد او آنجاست

محله زمجار محله خرکلاباد متصل بزمجار بود وعلماء صحابه وتابعین آنجا بودندی

محله سرواقه طرف مغرب بود محله کرمانیان در زمان امام حاکم این محلات معمور بوده واوصاف بسیارهریك رافی الجمله نوشته بود جون حالا نیست نبشته نشد یاقومی راابومسلم ازشهر بیرون کرد محلهٔ داشتند آن نوشته نشد.

ذکر فتح نیشابور بردست صحابه و تابعین رضوان الله علیهم

و مقصود از کتابه این است و بیان مفاخر نیشابور در این است و بالله التوفیق.
امام حاکم رحمة الله ورضوانه علیه فرمود که بنقل صحیح از ثقات اثبات ثابت شد که بوقت حکومة عبدالله بن عامر بن کریز بن حبیب بن ربیعه بن عبدالشمس در بصره وحکومة سعید بن عاص در کوفه در خلافت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه کنارنك که والی خراسان بود واومجوسی بودنامه فرستاد بایشان وایشانرا بخراسان خواند وبفتح وعده دادو گفت که یزدجرد بی مروة درمرو کشته گشته ومقصودنامه این بود که اشاره بساره ظهور نور اسلام وسطوع طلوع شموس هدایه واحکام سید انام و شفیع روز قیام ماحی ظلام وهادی کرام خواجه کاینات علیه الصلوة والسلام باستماع جموع این اماکن و مقام رسیده بیماران ضلاله فرو ماندگان تیه جهاله محتاجان شفاء هدایة تشنگان شربت عنایه دل زندگان عهد ازل کمر بستگان عبودیه ابدچشم برراه و گوش بر آواز منتظرند.

گر یك نظر بسوی من خسته میکنی　　　همچون مسیح مرده بدم زنده میکنی

ایشان این خبر بامیرالمؤمنین فرستادند رضی الله عنه بایشان نامه فرستاد ووعده خلعة جنة داد که هر کدام سبقة گیرند ودر نشر نور اسلام جد نمایند و بوالد و حافد و ولد وجد بازنمایند حکومت درین جهان ودرجه جنان در آن جهان اورا باشد

فرمان مدینه را ز جابر جستم　　　احکام همی گفت کمر می بستم

عبدالله بن عامر سرعة نمودو سعی فرمود وعن قریب بازادوار جوین نزول کرد وسعید بن عاص چون بقومس یعنی ولایت سمنان رسید وهر یك از راهی دنیوی بطلب جاهی اخروی می شتافتند خبر سبقة عبدالله عامر شنود مراجعه فرمود واهل ازاد وار

کرمان، و باجیشی همه موافق، و دوستان بناحیه قهستان، نزول کرد وبقاع و قلاع آنرا بعده بسیار، و مدت اندك، فتح فرمود وبدست هداة، بهراة، مکتوبات فرستاد، وایشانرا باتباع طریق رشاد، وشداد، وسرعت خروج بسوی او واداء خراج باو دلالت کرد جواب فرستادند که مآل حال و مال، و انتظام احوال، و مرجع کبار، این دیار، ابرشهر مشهور یعنی نشابور است، چون ایشان تابع شوند همه مطیعیم، وطوس وابیورد، ونسا دران تاریخ توابع نسابور بود بس عبدالله طاهر قصد ظاهر نسابور مصمم داشت و اعلام مجاهده فی سبیل الله برافراشت و چون بحوالی ابر شهر رسیدند و پوش زره پوشیدند برزان جاه طاقی وباغی که در آن زمان والی این زمین بود باقوم او آن دولة وصولة، بدیدند اونیز باحمران دیگر ازمیدان آن مردان بجایگاه و پایگاه خود باز دویدند، بکره واجبار دستار چون افسار بر گردن زیر دستان کرده بر بالاء دیوار حصار ودزقهندز کشیدند، ویکماه تمام از صباح تاشام وازاول شام تابانگ خروس آواز و خروش جنك بود، ناگاهی شبانگاهی هوا متغیر و حرکة متعذر گشت و غمام بر تمام جوانب ابرشهر احاطه کرد، واز میغ بی دریغ برفها چون تگرك باران شد، وغموم بر دلهای مؤمنان عموم یافت، اقربا ازربان ضعفا بیش عبدالله عامر گفتند که ما غریبیم واز عربیم در برف سرما، بسرما فرود آمد: الحریوذی والبردیقتل لعن الله العجم یموتون من البرد ویقولون خنکل گرما گریبان چاك کند اماسرما ابدان هلاك کند

نی روی سفر کردن ونی جای اقامت

عبدالله عامر با سعاف حاجات ضعفا برداخت و لواء کوچ برافراشت و آن لشگر را بملاطفه و مکالمهٔ اجلی از قند بمرغزار غندبرچه از دید که آنجا هوا باعتدال و مقام بودن را محال است چون چندروزی نجح و فیروزی در آن

منزل روزی شد شبی بمقتضای قضا در آن فضا چندان برف برطرف جویباران مرغزار متراکم شد که از ثلوج بروج آن: اشدالبلاء علی الانبیاء ثم علی الاولیاء و برد چنان دست بردی نمود که از خوف شراو شرر آتش را از جوف آهن وسنگ قوه حرکت نماند.

سرماست چنانکه بینی گوش وفسرد سرماست چنانك دیك در جوش فسرد

کر آتشکی مانده بدور دوزخ آن نیز پریر ودینه و دوش فسرد

ضعفا دلها از غم بخستند، و سرما و هواء نسابور باز جستند، معتق که یکی از مقربان عبدالله عامر بود، گفت صواب آنست که بنسابور رویم، وهر آینه نصرت ما راست، دل اعداء ما مقهور رست، بیرون در خانها با جامها زمستان بگذرانیم، چون ربیع بدیع وروزگار بهار آید بصلح یا بجنگ آن شهر بچنگ آوریم وهرجا فرمایی برویم صواب دیدند وباز عبدالله خازم را طلیعه لشگر کردند وعبدالله عامر در آن زمستان بنیسابور بازعبور فرمود، وبرزان جاه مذکور ضال مضل نسابور را از آن معاد ومخافة تمام مراجعه کرد، وقوی ضعیف وسخت سست وحال او تنك بدشد. وآن قلعها وحصارها بتأیید خدای در زمان قریب همه فتح شد، وکنارنك بآستانهٔ عبدالله عامر آمد، وخراج ابرشهر یعنی نشابور وطوس هفتصد هزار درم که قریب بپانصدهزار مثقال نقره باشد بابسیاری ازانواع اشیاء ذکر قبول کرد، وچون این فتح دست داد ملوك خراسان ازهراه وبلخ و مروو غیر آن دیدند، جاء نصرالله والفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجاً واموال کثیره ازانواع زرونقره وثیاب وافراش ومواشی آوردند وباضعاف قبول کردند

آن فوج مسلمان شدتا باد چنین بادا کفرش همه ایمان شد تاباد چنین بادا

وعبدالله عامر درون شهر ببقعه محله شاهنبر فرود آمد، وآنجا مسجد ساخت وسرائی برای خود بنا نهاد، وخراسان آسان برایشان قرار گرفت.

امام حاکم فرمود دربیان کرامة وشرف عبدالله بن عامر رضی الله عنهما: روی ان عامر بن کریز اتی با بنه عبدالله الی النبی صلواة الله وسلامه علیه وهو ابن خمس اوست سنین فقبل النبی صلواة الله وسلامه علیه ان ابنك لمسقاً قال فکان یقال لوان عبدالله قدح حجراً أماهه یعنی یخرج الماء من الحجر من برکته: ترجمه والنعم عندالله آنست که عبدالله پسرخود عامر را بحضرت خواجه ماصلواة الله و سلامه علیه برد واوپنج ساله بود یا شش ساله پس بوسه دادند حضرة خواجه ماصلواة الله وسلامه علیه دردهن او آن سعادتمند ازل وابد بس شروع کردیعنی عبدالله فرو میبرد آب دهان حضرة خواجه ما از اصلواة الله وسلامه علیه

بس فرمود حضرة خواجهٔ ما صلواة الله وسلامه علیه بدرستی که پسر تواین هر آینه آب داده شده است

بس چنان بود که اگرعبدالله سر انگشتی یا سرپائی بر سنك زدی وخواستی انفجرت منه اثنتاعشرة عیناً روان شدی ازیك سنك ده سنك آب ازبرکت آن تربیت.

امام حاکم فرمود رحمة الله: که چون عبدالله نسابور فتح کرد عبدالله بن طاهر را درنسابور بگذاشت و خود ببصره رفت و بدرخود را بازیافت بعد ها باز به نسابور باز گشت ودرهمان حوالی وسرای خود که بشاهنبر ساخته بود نزول فرمود وازنسابور بهمه بلاد واماکن امرافرستاد ونسابور دارالاماره وسلطنه کرد و اموال این ممالك همه بنیسابور آوردندی آنچ بشرع آوردن جایز بود نه بجور

بعضی ارباب تاریخ گفته اند که نسابور بجنك مسخر شد واضح آنست وبیشتر مشایخ بر آنند که نشابور بصلح فتح شد

ونقلست که عبدالله طاهر چون والی ومطلق العنان شد بر نشابور خواجگان شهر راجمع کرد ومال خراج برایشان الزام میکرد وقصد کرد که نواحی شهر و ولایت را مساحه کنند وزمینها محیاة مواترا ضبط کنند و برهرجریبی مالی خراجی وضع کنند ودرچاررربع وهمه ولایاتی که تعلق بنشابور داشت جنین کنند

احمدبن حاج بکر از کبار نشابور بود گفت تو امیر مایی نه شریك مایی واین شهر مابصلح فتح شد نه بقهر و جنك آنچ بقهر وجنك فتح کنند در آن خراج است و آنچ بصلح فتح شد شرعاً خراج نیست آنچ حاصل کنیم عشر آن بمستحقان رسانیم ومعهذا خراجی نیز بتو بدهیم اما مساحتی دراین ناحیه بیشتر شده است باتفاق همه رعایا وسلطان سلیمن بن مطر ودر دواوین ثابت است اگر بآن رضا دادی فبها ونعم ، واگر آن تغییر میکنی راضی نیستیم ازشهر بیرون روو مارا یکسال مهلت ده تاغلات خودرا برداریم وبحصار بریم و آنچ خواهیم ذخیره نهیم پس بیا وجنك کن اگر بقهر وغلبه بگیری ومسخر کنی مساحة نو کن وهرچ خواهی بکن پس عبدالله طاهر توقف کرد وتامل نمود وبرمساحت سلمین بن مطر برفت ومصالحه کرد بااهل ابرشهر یعنی نشابور برد و بار هزار هزار درم و دویست هزار درم که تسلیم نمایند مجموع هزار هزار وپانصد هزار و چل هزار مثقال نقره باشد

امام حاکم رحمةالله فرمود که باین روایات معلوم شد که نشابور بصلح فتح شده نه بجنك و آناك نسابور همیشه قصبه خراسان بود و دار اماره وسلطنت ومال کبار اماکن و بلاد حفظت عن الفتور الی یوم النشور

مفاخر نیسابور قدیم که برکه آن تا ابد برسکان این بلد فایض و باقی است

از جمله انک چون سلطان اولیا برهان اتقیا وارث علوم المرسلین مهبط اسرار رب العالمین ولی الله صفی الله فلذة کبد رسول الله غوث الامه کشف الغمة یوم الاخذ بالنواص و اضطرار المذنبین الی الخلاص لامتحان الاعمال بموازین الاخلاص حین النحات والاستبات یوم البعث کماورد فی المواقف الثلث عندالمیزان وتطائر الصحف والصراط ببسط بساط الشفاعه والسری بالانبساط سلطان المقربین یوم الحشر والجزا الامام ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوة الله وسلامه علی رسول و علی اله الائمة المعصومین و اتباعهم اجمعین الی یوم الدین

در مدینه در شهور ثمان و اربعین و مائه نور مقدس ایشان ظهور یافت و در شهور اربع وتسعین ومائه ببصره بدرس حدیث ونشر علم بنصرة دین آفتاب هدایة ایشان برامة تافت وبتدوین نسخه مبارك صحیفه تقویة مله حنیفه فرمودند پس بمقتضای قضای ازل وحکم مبرم قدیم لم یزل بصوب خراسان عزیمت نمودند ودرسنه مائتین من الهجرة نشابور بمقدم حضرة ایشان روضات جنات شد وچون بشارة سطوات شعشعه اشعه آن نور برقطر نشابور میان سکان شهر مشهور شد قطب الانام کهف العلماء برهان المجتهدین این محب محبوب حقیقی نه مجازی شیخ ابویعقوب اسحق راهویه مروزی قدس سره شیخ شهر ومقدم ارباب کشف و ولایة بود درکبرسن آن شیخ مسن زمین منن باقدام براشغال اقدام نمود بتأیید توفیق عینیه تا قریه مویدیه با چندهزار صدیق رفیق در پی پیشوا رفتند

ونقلست که حضرة سلطان صلواة الله علی رسول الله وعلی آلهم در محفه بر

ناقه عضباء خود سوار بودند و قدوهٔ اهل انس و انبیاس شیخ محمد بن اسلم طوسی را قدس سره در محفهٔ دیگر اجلاس فرموده بودند فایده قبر این دو بزگوار در نشابور بر کناره خندق شادیاخ بر طرف راه روضهٔ تلاجرود در بناء یك صنعة قوی بهم قریب است و آن اسوه احرار کمر بندگی بسته و بحکم من اغبرت قدماه فی سبیل الله حرمه الله تعالی علی النار دامن تا نتمه ساق بر کشیده شربت وعدهٔ کمال قربت چشیده زمام خطام مرکب حضرت انام اولیا ملك علام بر دوش احترام گرفته

و نقاست که متوجه بآن ابرار ذره وار در هواء ولاء از وراء قهقری بشهر باز آمد استفاده احکام و استکشاف اسرار میکرد و بزبان فصیح و عبارة صریح میگفت که بر و ز قیام ملك علام جل جلاله وسیلهٔ نجاح و وصیله فلاح من اینست که روزی در دنیا خادم و مهار کش مرکب حضرت سلطان خود بوده‌ام و چون بنسابور ورود فرمودند در محلهٔ قز در کوچه بلاس آباد خدام مقام اختیار کردند و در افواه و استماع فقراء مشهور بود که چارسال در نشابور توطن فرمودند والعلم عندالله

و آن استانه منزل مبارك که مهبطه ارواح مقربین و مطاف ملائکه علیین بود مانده بقاء آن شهر مآل اولیا و ملاذ اصفیا و محل اجابهٔ دعا اشراف آن شهر بود و خدام آن آستانهٔ ولایت مرتب و بانواع اعزاز و اکرام موظف میبودند و بعضی از کرامه که در آن محله واقع شد آن بود که بر سر آن کوچه حمامی خراب وقناتی بایر ومحوطهٔ بود که آنرا حمام و قناة و محوطهٔ کهلان گفتندی اهل محله بعماره حمام اهتمام کردند تا بوقت التفات خدام باستحمام حاجت بمحلات نباشد وقصد میداشتند که چون عماره تمام شود اسان آب از چاه یا غیر آن پیدا کنند و چون حمام تمام شد بی حرج و خرج و سعی مقنی از قناه کهلان بشتاب آب روان شد و حضرت سلطان صلواة الله علی رسول الله و علی اله الائمه المعصومین اجمعین بآن

حمام در آمدند وبشرف انتساب بحضرت ایشان متبرك شد و آن حمام بنام مبارك ایشان شرف اضافه یافت حمام سلطان گفتندی .

وامام حاکم اززبان خود نوشته است که آن حمام هنوز هست ومتبرك خاق است ، یك کرامة دیگر آن بود که روزی یك بادام بیکی ازخدام دادندوفرمودند که درطرفی از محوطه کهلان غرس نماید خادم چنان کرد غرس الفردوس بیده سبز شد و درهمان تابستان بادام بسیار بار آورد وبرگ وشکوفه وپوست ومیوهٔ آن درخت سبب برگ ونوا وصحت وشفاء مرضی آن زمان بودی تاچون بسی زمان بگذشت ظالمی غاشم در قهندز حاکم شد وازقصورعقل خواست که در آن محوطه قصری سازدکه که محل آن درخت داخل قصراو می بود ودرخت رانضاره بذبول بدل رفته بود وبعضی اجرا ومعمار و نجاررا گفت تا آنرا قطع کنند عماره تمام ناشده آن ظالم ومعمار ونجار ومزدور وهر کس بآن کارمنسوب وبر آن منصوب بودهم درزمان اندك مردند بعدازچند سال حاکمی ظالمی دیگر پیدا شد بعماره همان قصرقصد کرد چون بناء دیوار می کندند اصل آن درخت درزمین نمود تمام قصهٔ گذشته بااو گفتند چون دلش سیاه وقصدش تباه بود بعین استبصار در آن نگاه نکرد وچون درخت نیست واین در زیرخاك پنهان بوده سهل بنداست و آن بی اصل آن اصل رابرداشت عماره ناساخته اووهمه آن اقوام دراندکی ازایام هلاك شدند.

واز فواید مقام خدام ایشان بنسابور

یکی دیگر آنستکه روزی صاحب دولتی دعوتی ساخت و حضرة سلطان را صلواةالله وسلامه علی رسول‌الله وعلی آله‌الائمه المعصومین التماس اجابة نمود وعده فرمودند وعادة آن عصر آن بودکه شریفی که دعوت بجهت ایشان بودی

صاحب دعوة بیشتر طفیلیانرا بنشاندی بس آنراکه اول مقصود بود آخر حاضر کردی تاانتظار احضار نباشد آن عزیز باین معنی اولیا واعاظم وعلما و اشراف آن شهر راجمع کرد وعادة دیگران بودکه در مجامع بیشان صفهاصدر بودی و بزرگان آنجا مجالس اختیار داشتندی وخدام بر کنار صفها بودندی چون حضرة سلطان صلواة الله علی رسول الله وعلی الهالائمه المعصومین و سلم رسیدند صوفیان صفوف بیشان صفها صفا بانیل سعادت واقبال استقبال نمودند حضرة سلطان بمتکاو نمارق مصفوفه بیشان صفه التفات نفرمودند و کنار صفه بشرف ذیل خلعت ولایت حضرت ایشان شرف یافت از آن حین تاقیام قیامت درین دیارو سایر اقطار کنار هاصفها صدرصدورومنازل افاضل شد و متبعدان یك بقعه سایر بقاع که آن نام داشت دولة آن مکرمةوتعزز برداشت .

واز مفاخر نیسابور

دیگر آنستکه روزی حضرة سلطان صلواةالله و سلامه علی رسول الله وعلی اله المعصومین درمجلسی بنماز قصد فرمودند کسی سؤال کرد که محراب موضع قبله مستقیم هست دست آنکس را گرفتند وبانگشت مبارك اشاره فرمودند باب کعبه درمواجهه نموده شدوان محل باغایه متعین است برطرف قبله شارع عام ازامام قهندز میگذردواقع است.

واز مفاخر نیسابور

دیگر آنستکه حضرة سلطان صلواة الله وسلامه علی رسول الله و علی اله الائمه المعصومین و سلم روزی فرمودندکه عبارتی که فی الجمله حکایت آن اینست

وازمفاخر شهر قدیمی

این قصه کریم درالسنه مذکور ودرافواه مشهور است که حضرت سلطان صلواة الله وسلامه علی رسول الله وعلی آله وسلم درنسابور به منبر بر آمدند ونقلست که چند هزار دوات وقلم اعیان وامم مرتب داشته اقتباس انوار اسرار افادهٔ ایشان میکردند حضرت سلطان این حدیث معنعن ازاباء اولیا اصفیا خود باحضره خواجه کائنات صلواة الله وسلامه علیهم وعلی الهم الائمه المعصومین الاجمعین الی یوم الدین روایت فرمودند :

التعظیم لامر الله والشفقه علی خلق الله

دیگر ازمفاخر نیسابور

آنستکه منشاء و مقر و مظهر انوار ولایت چند هزار از مقربان حضرت وائمه عظام ملة بود که اسامی نفیسه حضرت بعضی از ایشان رضوان الله علیهم اجمعین درین اجزاواوراق سابقه ذکر شده وهریك را ازکرامات ومقامات بسیار بود که این نسخه قابل بیان آن نبود.

وازمفاخر نیشابور

امام حاکم رحمة الله فرمود کی ازدلائل ارتفاع بقاع نیسابور بربلدان واماکن قریب ودور آنستکه: ثماردر هیچ دیار در دوره سال بر قرار نماند الانیسابور کی مثل امرود وسیب و بهی دردوازده ماه هرگاه که خواهید فی الجمله موجود است و درقرب نه ماه وده ماه انگور وخربزه تر وتازه در بیوت و اسواق و دروازه بنها و دریوزه توان یافت واز آن ثمارشربتهای نافع توان گرفت ودربلاد شرق این مذکورات اگرباشد زودمنقص شود ونیسابور برکمال خود باقی ماند مگردرمحافظه مساهله نموده باشند.

امام حاکم فرمود که نسابورشت، هوای اوصافی بصحت ابدان وافی، خالی از خطایا، عاری ازوبا واکثر بلایا، مصر امصار حلیه مقدار ؛ عروس بلدان، خزانهٔ خراسان،دارامارة بطیف،عماره معدن فتوه مخزن مروة؛ ومواطن ادیان، مقرسلطان موضع اعلام هدی ، مطلع انوارتقی ، رحمت دروی نازل ، برکت باو واصل در نسابور زنبورکند و جهان پرانگبین کند،زیره اوفیروزه، وحصول آن نحرهر روزه ، حجر او جوهر کمراونقره وزر ، نبات او بر اطراف عیون وجالسان زیباش در ومخافه سموم نی‌مرض او را عموم نی سلاطین با مارهان متفاخر و در انتزاع آن از یکدیگر متظاهر ، منازل کبرا ، مناهل عظما ، ماوی اشراف، مثوی‌عدل وانصاف، همه جیزاوموصوف، سکان او بسخا وجودموصوف‌اهل کمال را درو مقام همة کمالات او تمام این معانی و اوصاف قدیمه کثرتی داشت ختم‌شد.

ذکر وادیهاء نیسابور

امام‌حاکم فرمود که‌میان یکی‌از نیسابور ودیگری ازشهری‌دور معارضه‌شد غریب گفت درشهر شما مسافر راباب نیست ودر صحرا راهگذری را آب نیست‌در بلاد دیگرمثل‌دجله وجیحون‌ودراطراف این‌شهرهمه‌مأمون‌است . نسابوری گفت‌این سخن هرنادانست ومرا برصدق خودروشن صدبرهان است‌ازدیر بادکه‌طرف ولایت ما کالکا بادکه آن کنف ناحیه است وادیها وجویها و چشمها که بر دیدها عیان است زیاده ازسیصد موضع آبها روان است که همه بی سعی انسان است که اگر اکثر آن جمع بودی بیشتر ازجیحون وسیحون شدی و نزد همه عقلا معقول‌است‌که ازمتفرق بودن آن بیش محصول است‌واز عین‌اخضر وآب‌انبوه آن که‌در کوه است

جه‌مجال مقال است و مابین‌دو طرف ولایت زیادت از چهار هزار قناوه است غیر قنواتی که دیهها بر آن مبنی است و آب کاریز شیرین تر و باك‌تر از آب بلاد دیگری است که بسیار قاذورات در آن واقع‌شود تابخانها رسد

و اول کسیکه کاریز و بهندیسه آب از زیر زمین بر روی زمین اجرا کرد پادشاه منوچهر بود و اجرا قنوات نسابور آزاو شد و نیز گویند که بعضی از اوضاع کاریز کندن و آبها بر بلندیها بردن بدولاب ومثل آن ابی الریحان حکیم خوارزمی اخراج و اما آن وادیها که بشهر جاری میشود و شرب باغات و یا داخل شهرست شغاند یر ووادی بوشتقان وحرو اسب و آنچ داخل نمی‌شود جارست : وعطی‌رود ووادی شامات وادی بشفروش وادی دیزباد

امارباع نسابور چارست

ریوند ، مازل ، شامات ، بشفروش وکیفیه قسمت ومساحة آنست که ازجار طرف مسجد جامع بهرطرفی رفتند وماکیاد زمین ولایة قری وقنوات را باآن ربع نسبت دادند وبقریه‌که در آن جانب‌معمور ومیسر بود اضافه کردند .

اما ربع ریوند ازحد مسجد جامع بود تا مزرعه احمدآباد

اول حدود بیهق طول او سیزده فرسخ ازحدود ولایت طوس تاحدود بشت پانزده فرسخ مشتمل برزیاده از پانصد دیه‌که بعضی رایك قناه بود یا دو یا سه یا چهار پنج وریوند که ربع بآن منسوب است قریه کبیره‌معموره بود بانی آن انوشروان عادل در و مسجدی جامع منیع رفیع و خانقا های‌بسیار و در اول اسلام حکام ماوراء النهرسه برادر بودند محمد و عطریف ومسیب هرسه از ریوند هریك در آن مملکه درم و دینار بسیار زدند و آثار آن بیدا است :

ربع شامات از مسجد جامع تا حدود بشت طول آن شانزده فرسخ و عرض آن از حدود بیهق تا رخ چارده فرسخ قری آن سیصد زیاده بوده راه فارس و کرمان از سوی قهستان بر آن است .

ربع مازل ازهمه ارباع، قری بیشتر دارد، متنزهات و موضع تفرج وتنزه اهل بلده قرای این ربع است واکثر قرای آن متصل است .

فرهنك و موستقان و باغ فرك در ربیع و خریف مطاف هر حریف و ظریف است.

ربع بشفروش ناحیه بزرگتر ولایت است ودیههابزرگ معمور بخراسان از آن معمورتر ناحیتی نیست

ذکر ولایات کی از نواحی واقطار خراسان بنسابور نسبة دادندی اشراف واکابر آنرا نشابوری خواندندی

و آن دوازده ولایت است طول وعرض یعنی آن ازسی فرسخ وبیست وپنج کمتر نباشد بهریکی از آن قری وقنوات وباغات وعمارات مالایعد ولایحصی منها

ولایة بیهق من حدود ریوند تا ولایة دامغان بیست وپنج فرسخ زیاده است وعرض مثل این

ولایة جوین منشأ اولیاء وعلما ، قری وقنوات درعمارات بحدغایات بیکدیگر قریب جنانچ همه را بمثابه یك ربع مسکون مملکت توان گفت اهل دین ودیانت وخداوندان باهوس وهمه ایوان خانها رفیع ومهمان خانها وسیع اصناف اشراف وعوام ایشانرا همتهاء عالی ودل اکرام اصناف واتمام الطاف دلها از ملال خالی

بتبرك بیماران و غیر ایشان بآن انتفاع یافته بی‌ثمن، درودرختها ناژوتوت که از هر یکی از آن غالباً چند ستون حاصل شدی چنان بزرگ، زیاده از صدخادم و فراش داشت ودرموضعی ازومثل خانه مبنی بردوازده ستون بعماره ممتاز شش ستون از مرمر و دوستون ازبیشه طرف دجله آورده برنك مهرهاء سیاه وسفید وچهارستون ازگچ وخشت پخته ساخته سقف وستونهاء آن بزرتذهیب کرده وقبهٔمذهب بالای آن مرتب مقومان و مبصران بیست هزار مثقال زر راتقدیر می‌کردند

اما حاکم فرمودکی سقف و ستون وبلها و منابر وصنادیق و مصاحف وقنادیل وحصیرهاوفرشها وتوابع اینها راقیمة کردند بصد هزار مثقال زررسید و صد هزار مثقال‌زرطلارا اوقاف‌مسجدجامع‌زیاده‌بودوبخراسان مبنری‌احسن‌تراز آن‌منبر نبودکه ابومسلم دربن‌جامع نهاده بود.

ذکر دومنار جامع

ابومسلم‌درجامع‌منارساخت‌بعدازوارباب مناصب‌را آن‌منارقصیروان‌بنابنسبت باجامع‌حقیر نمودچون‌حکومه‌بمنصور بن‌طلحه‌بن‌طاهر برادرزاده عبدالله‌طاهر رسید آن منارراً منهدم ساخت‌ومناردیگر برافراخت وببسیاری‌از اول بلندتر و قوی‌تر وعمارهٔ اوبزینت وتذهیب آراسته‌تر کرد وبطریق هندسه چنان‌کردند که در دورهٔ سال از ظلال آن‌انتقال شب‌وروز معلوم‌شدی بعداز زمان او بحرکتی درایامی میلی دروی پیداشد چون‌نوبهٔ بعمرولیث رسید آنرا نیست‌کردو دیگری برداشت ونام ولقب‌خود برآن بنگاشت بعد از آن چون‌نوبت بخمارتکین رسید مناری رفع کرد وصیت آن دومنار دفع کرد چنانچه‌در دنیا ارفع‌از آن‌واعجب وآراسته‌تر و پیراسته تروداپرتر

منارو هیچ دیار پنج نجارندیدار فوق عـالی بام جامع تا سرمنار نمود و چارذراع بوداجرة استادان بی مزد در خرج عمارة دو هزار مثقال طلا مقرر کرده بودنـد و بهندسه جنان ترتیب کرده بودند که چون باد آمد فراخورد قوه‌بآدان منارحرکت کردی امانیفتادی و هیچ خشتی وجزئی ازوی‌فاسدنشدی

ذکر مسجدهای متبرك شهر قدیمی
که محل قبول طاعات واجابت دعوات بودی

اول مسجد که صحابه بنانهادند بوقت فتح‌شهر قدیم در موضع شاهنبر و در آنجا نماز گذاردندی و سنگی قوی بزرك جمع صحابه باتفاق خود برداشتند و در آن مسجد آوردند وبرای علامة بگذاشتند

مسجد محله قزدر جوار منزل خدام سلطان صلواة الله وسلامه علی رسول‌الله وعلی آله‌الائمة المعصومین اجمعین

مسجد معروف بمسجد روی بکوه مسجدی قدیم وعزیز بـود

و مسجد بـاب معمرمیان دو مقبره

مسجد رجابن معاذبن مسلم .

مسجد دروازه قهندز کـه بیش از نه ماه صحـابه درآنجا عبادة کـردند .

مسجد سرا معارمسجد کـه مصلی جنیان گفتندی ، مسجد امام یحیی متصل سرای بستان، مسجد ابن‌حرب ، مسجد ایوب بن الحسن ، مسجد جمش از اجابة دعـا درین مسجد عجایب بسیار منقول بود

ذکر میادین نیسابور

میدان تلاجرد ودرصدداین میدان‌قصرمطبوع مرفوع مرغوب‌محبوب مزین‌بود
هرون‌رشیدچون‌به‌نیسابوررسیدمدةاقامةاو آن کوشك مقام او بود ..

میدان هانی، میدان حسین‌بن معاذبن مسلم مجمع سلاطین و میان بلد بود و

میدان زیاد

ذکر مقابروقبورکی مزارات نیسابوربود

مقایر وقبوراولیا واصفیا در محلات وقری بیشتر بود ازعددو احصاء تا آنچ
علی‌التعمیم زیارةکردندی ازمقابروقبور بیشتر آنست

مقابر صحابه در بالای مقبره حیره‌وآنرا مقبره نصربن زیادالقاضی گفتندی‌و
وسه‌صحـابی درآنجا مدفونند اما آن قبرکه سرحلاب است یقین‌قبر همام‌بن‌زیـد
است که از صحابه کبار وقدوهٔ ابرار بود درهمین مقبره در حیره روضهٔ شیخ ابی
حفص وابی‌عثمان وزهاد بسیار است‌و شیخ‌ابوجعفرمدنی دربالای مقبره‌است ،

مقبره تلاجـرد مسجد سلطان علوی شهید مقبول ولی‌الله المقتول فلذه کبد
الرسول‌صلوةالله وسلامه‌علیه و آله و علی‌آله المعصومین اجمعین نام ونسب مبارك
ایشان براوحی مسطور برسرروضه ایشان باین‌ترتیب است: هذا قبرالامام محمدبن
محمدبن‌زیدبن علی‌بن‌الحسن بن‌علی بن ابیطالب علیه‌السلام ورضی‌الله عنهم اجمعین

مقبره سرمیدان قبر نصربن زیادالقاضی و امام احمدبن ابراهیم وابی عبدالله
البوشنجی وابی الولید و و ایوب الحسن الزاهد و امام مسلم‌الحجاج صاحب صحیح
وبشربن الحکم و عبدالرحمن بشرو محمدبن عبدالوهاب؛

مقبرهٔ شاهنبربسیاری از علماو اولیاء تابعین آنجا مدفون اندودر آن مقبره

بزرگان که بعد از آن تا ششصد وشصت و شش که خرابی شادیاخ شد وبعداز آن در آن شهر دیگر که عدوحصر این بزرگان مقدور ومیسر نیست یکی ازایشان درین اسامی مذکور نیستند

فایده

وبعضی از وقایع نیشابور آنست که در حواشی تاریخ یمینی که درچارصد و کسری ازهجرة نوشته شده آورده که نیسابور ازابتداء بناء آن تااین غایة هیشرده بار بزلزله خراب شده وبعداز آن در تاریخ پانصدو پنجاه و پنج ازشهرقدیم خرابی کلی یافت و قومی که ماندند بمحله شادیاخ اجتماع کردند و شهر ساختند صد و ده سال مجال بقاء شهر بود مجمع افاضل ومعدن کرام وعظام ایام بود ودر آن ایام بزرگان شادیاخ بر اشراف سایر بلاد فضیله داشتندی خصوصاً سیدبزرگوار سید صدرالدین الحسینی که مراتب علم وعمل لاحق باولین وسابق بر آخرین بودند وازمکارم حضرت ایشان یکی آنست که امام امة ومقتدای ملة امام فخر الملة والحق والدین الرازی رضوان الله علیه مکتوبی نوشته‌اند بایشان بعضی از آن اینست: کتبت من هراة صینت عن الافات رایت فی السفر الخامس من التورة ان الله سبحانه قال لموسی یاموسی احب ربك بكل قلبك وانا اخبر سیدی وسندی ومولای الصدر الاجل المنجل السید السند الظاهر الازهر التقی النقی صدر الملة والدین شمس الاسلام والمسلمین ملك السادات افتخار العترة الطاهره قدوة المحققین فی العالم حصه الله تعالی من السادات القدسیه والكرامات العلویه باكمل درجاتها و افضل غایاتها بانی احبه من صمیم قلبی واحب ان احبه الی اخر المكتوب

حاصل کلام ماتخفیف ابرام آنك فرمود امام که خواندم درسفر پنجم ازتورة که

حق سبحانه وتعالی فرمود موسی را علیه السلام که ای موسی دوست داری پروردگار خود را بتمام دل خود و من خبر میکنم سید خود وسند خود و خواجه خود را که من ایشانرا دوست میدارم انك ایشانرا دوست میدارد باآنچه آن مکتوب است از براهین برین معنی بعدها درشب جمعه سنه ست وستین وستمائه این شهر نیز بزلزله خراب شد هفتاد کس بصحراها ماندند ازشهر سیم بنانهادند آن نیز بجاست یکشنبه اخر جمادی الاولی سنه ثمان وثمانمائه بزلزله خراب شد

اندرسه زمان سه زلزله واقع گشت　　　بدپانصدواند آنك شدشهر جودشت

شش سال فزون دوم وره ازششصدوشصت　　　از زلزلهٔ بارسیم هشتصد و هشت

جون بیان اسامی وکرامات و مقامات سادات و اتباع حضرت ایشان از اولیاء کرام و علماء عظام مقدور مقدار بشرنیست برین مختصر ختم اولیتر

اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات بحرمة النبی محمد و آله خیر البریات وادخلهم برحمتك فی روضات الجنات والحمد لله رب العالمین آمین رب العالمین

بسم الله الرحمن الرحیم رب یسر و تمم

الحمدلله رب العالمین و الصلوة والسلام علی حبیبه و رسوله محمد و آله اجمعین . قال الله تعالی ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون وقال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان اولیاء الله لایموتون ولکن ینقلون من دار الی دار وقال صلی الله علیه وسلم کنت نهیتکم عن زیارة القبور الافزوروها

بر مقتضی آیه و حدیث چون زیارة دوستان خدای متضمن ثواب بسیار وفواید بی شمار بود بعضی از احبه که امتثال التماس ایشان واجب بود درخواست کردند از بندهٔ کمینه احمد: محمد بن حسن بن احمد المعروف بالخلیفه النیسابوری تاب الله علیه باسامی بزرگان که در نیسابور آسوده اند در قلم آورد و ذکر اسامی ازجملهٔ بزرگان متعذر بود از بهر آنک نیسابور کهنه که محط رجال: رجال لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله بوده جهل وهفت محله داشته که یکی از آن محلات متوسط را محله جولاهگان گفتندی و آنرا سیصد کوچه زیارت بودی وهر محله را مقبره بوده وشصت دیه در ربض در آمده بود ومقابر آن دیهها که مملو باولیا وصلحا بوده در میان شهر ناپیدا گشته و بعد از خرابی آن شهر بسبب غارات و تاراج مزارات مندرس و قبور منطمس شده و کسی نمانده که گورستانها را بازشناسد فکیف بالقبور وهرچند چنین بود اما برموجب ان لم یدرك الکل لم یترك الکل . اسامی این بزرگان که در طبقات شیخ عبدالرحمن

سلمی و رسالهٔ استاد ابوالقاسم و تذکرهٔ شیخ فریدالدین عطار و تاریخ امام ابوعبدالله نیسابوری مسطور است که در نشابور آسوده‌اند جمع کرد حق سبحانه و تعالی همگنان را رعایت اقوال این بزرگان و متابعت افعال ایشان کرامت کناد و از برکت و شفاعت ایشان محظوظ گرداناد و هو ولی الاجابة و التوفیق

اسامی سادات کبار

محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب صلوة الله علی رسول الله و علی آله الطیبین الطاهرین مدفونست بمقبرهٔ تلاجرد، ابوجعفر الصوفی محمد بن جعفر بن الحسین بن علی بن عمر بن الحسین بن علی ابن ابیطالب، محمد بن احمد بن عبدالله و بسر بزرگوار او، محمد بن محمد الملقب بزباره نقیب سادات خراسان این دو شریف بزرك و اولاد و احفاد ایشان رضی الله عنهم در مقبره عبدالله طاهر اند و آنرا گورستان سادات گفتندی

اسامی صحابه رضی الله عنهم

عامر بن سلیم الاسلمی علمدار رسول خدای عزوجل، عنان بن حبیب، همام بن زید بن وابصه این سه صحابی و سه صحابه دیگر که نام ایشان معلوم نیست بیقین در نسابور آسوده‌اند و گفته‌اند که نیز: ابوبریرهٔ اسلمی در نیسابور آسوده است

اسامی مشایخ طبقات

ابو حفص حداد نیسابوری ؛ ابوعثمان حیری نیسابوری ، حمدون قصار نیسابوری، محفوظ بن محمود نیسابوری، ابوعلی ثقفی نیسابوری، یحیی بن معاذ رازی ابوالحسن علی الفوشنجی ، ابوبکر طمستانی فارسی ، عبدالله بن مبارک نیسابوری

آنست که هانی آنجاست؛ ابوبکرالزاهد؛ ابوالحسن الکوفی، ابرهیم بن ابی‌طالب ابویعقوب اسحق. ابوعمر والحیری، ابوعمرو المستملی؛ ابوعمر والخفاف، ابو عمرو الزاهد، عباس بن حمزه، ابوسعید الاصم، ابوالحسین الخفاف، الحسن الحداد، ابوالولید، ابوالعباس العابد، ابوعبدالله الصفار، ابوالفضل الواعظ، زکریا بن ولویه ابرهیم بن محمدبن شعبان، عبدالله بن عمرالریاح؛ یاسر بن نصرالباهلی، حسن بن الفضل الحلی، بشربن الحکم العبدی، عبدالرحمن بن بشر، محمد بن عبدالوهاب احمدبن سعید داریی، ابوزکریا عنبری، بعضی ازاین بزرگان مجاب الدعوه بوده‌اند ودعا برسر خاك هریکی ازبزرگان مرجوالاجابة است،

این بزرگان از متقدمان‌اند اما بزرگانی که بعد از طبقه ششم در این شهر آسوده‌اند ازآن‌جمله، شیخ عالم ابوعلی دقاق، استاد ابوالقاسم قشیری، امام احمد میدانی، شیخ علی مؤذن، امام بن فورك اصبهانی، امام الحرمین ابوالمعانی، امام علی واحدی، شیخ فرید الدین عطار، شیخ طبسی، شیخ مجنون اولیا، شیخ مجد الدین بغدادی ارزقنا الله متابعتهم والانخراط فی سلکهم بفضله وکرمه وهواکرم الاکرمین وارحم الراحمین صلی الله علی نبینا محمد وآله اجمعین

اسامی بزرگانی که درشهر نسابور مدفون‌اند.
نقل از خط خواجه قطب الدین رحمة الله

مقابر صحابه رضی الله عنهم در اعلی حیره درمقابر منسوب بنصربن زیادالقاضی، سید بزرگوار محمد محروق صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم وهو محمدبن محمدبن زیدبن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب کرم الله وجهه ورضی الله عنهم، جوانمرد معروف بابو شختویه از شهدای صدر پیشین است، تربة اومحل اجابت دعاست

جوانمرد علمدار حضرت مصطفی بوده قبر او مشهور است ،

جوانمرد ترد باد او نیز از شهداء صدر اول است، احمد حرب رحمة‌الله تربت او و تربت یحیی معاذ رازی که از کبار طبقات است رحمة‌الله در مقبره معمر است، شیخ محمد بن اسلم طوسی تربت او در راه مزار تلاجرد است زاهد زمان بوده است و خدمت امام علی بن موسی الرضا را دریافته صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم و حدیث از او شنیده

امام مسلم بن الحجاج القشیری تربت او در حوالی تربا باد در شرقی کهن دیر نشابور قدیم است رحمة‌الله

امام ابو بکر فورک و یحیی بن یحیی در بر حیره هر دو در یك حظیره اند از زاهدان و عباد زمان بوده ،

امام الحرمین عبدالملك ابوالمعالی بن الامام ابی محمد یوسف الجوینی رحمة‌الله تربت او در جوار مزار تلاجرد است ،

شیخ محمد فنال تربت او در قبلهٔ مقبرهٔ حیره است ، رحمة‌الله

شیخ عبدالرحمن کوف و شیخ عبدالرحمن سلمی و ناصر الدین محمد کوف رحمة‌الله تربتهاء ایشان در قبلهٔ مقبره حیره است

امام بیان الحق قاضی محمود نیسابوری مصنف عمل الغرائب وغیره تربت او در جوار نماز گاه عید در شهر شادیاخ ، رحمة‌الله قنبر امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه تربت او در جوار فرات آباد ،

شیخ علی مؤذن رحمة‌الله تربت او در جوار مقبرهٔ حیره است

استاد ابوعلی دقاق و استاد ابوالقاسم قشیری و محمد بن یحیی رحمهم‌الله در یك حظیره اند در شهر قدیم در قبله کهن دیر ،

شیخ فریدالدین عطار رحمة‌الله تربت او در شادیاخ است،

شیخ محمد ماهی و امام جمال الاسلام رحمهما‌الله تربت هر دو بهم نزدیك

است در شادیاخ ،

شیخ ابوحفص حداد و شیخ ابوبکر صیدلانی تربتهای ایشان در راه شارع ادك است در غربی علمدار رحمهم الله ؛

شیخ مجد الدین بغدادی که از خوارزم صندوق اورا نقل نسابور کرده اند تربت او در شادیاخ است رحمة الله

شیخ طبسی و تربت شاه شجاع کرمانی بهم نزدیك است رحمهما الله شیخ مجنون اولیا تربت او در مقبره جلسر ، مقبرهٔ باب عروه فیه حسن بن الولید وجعفربن عبدالرحمن و عبدالله بن عبدالرماج و حسن بن الفضل وابوالعباس السراج و ابرهیم بن ابیطالب رضی الله عنهم شیخ حمدون قصار وابوعلی ثقفی وعبدالله مبارك در جوار حیره رحمهم الله مقبره عبدالله طاهر فیها قبره وقبر اولاده و قبر امام الحدیث ، محمد بن یحیی الزاهدی ائمه تربتهاء ایشان در جوار ترخاك زركان نساید است قبر ایشان ، عبدالله الفوشنجی ، ابو ایوب بن الحسن الزاهد شیخ محمد بن عبدالوهاب بشر بن الحکم العبدی استاد ابوالولید مقبره حداباد

امیر طاهر میفرمود که علماء وزهاد آن زمانرا درین مقبره دفن میکردند فیها اسحق بن ابرهیم الحنظلی و محمد بن اسلم و محمد بن الرافعی القشیری واحمد بن مؤید الروقی واسحق بن المنصور و ابو زکریا القشیری رحمة الله علیهم اجمعین

بسم الله الرحمن الرحیم رب یسر

هذه اسماء المشایخ الذین سماهم السلف مشایخ الطبقات نقلت من الرسالة التی هی معروفة بطبقات السلمی مما جمع الشیخ العالم الربانی المحقق الصمدانی عبدالرحمن السلمی رحمة الله علیه

الطبقة الاولی منهم

فضل بن عياض بخاری الاصل مات فی الحرم ووفاته سنه سبع وثمانين و كنيته ابوعلی

و منهم : ابواسحق ابرهيم بن ادهم بن منصور مات بالجرير فحمل لی صور ودفن لهافی الشام

و منهم : ذوالنون المصری قيل مات سنه ثمان واربعين ومأتين و قيل سنه خمس واربعين و كنيته ابوالفيض

و منهم : شيخ بشرخافی مات سنه سبع و عشرين و مأتين ببغداد و دفن فيها و كنيته ابونصر

و منهم : الشيخ سری مسقطی رحمة الله مات سنه احدی وخمسين و مأتين و كنيته ابوالحسن

و منهم : الشيخ ابوعبدالله حارث المحاسبی من بصره مات ببغداد سنه ثلث واربعين ومأتين

ومنهم: الشيخ ابويزيد البسطامی رحمه الله مات بسنه احدی وستين ومائه واسمه طيفور

ومنهم : الشيخ ابوسلمان دارانی مات بسنه خمس عشره ومأتين واسمه عبدالرحمن بن عطيه

ومنهم: الشيخ معروف الكرخی مات ببغداد بسنة مأتين وقيل سنه احدی و مأتين و كنيته ابو محفوظ

ومنهم: الشيخ حاتم الاصم مات سنه اربع عشر ومأتين و كنيته ابوعبدالرحمن وقيل سنه سبع وثلثين ماتين

الطبقة الثالثه

ومنهم : الشيخ ابومحمد الحريری مات بسنه احدی عشر وثلثمائه واسمه احمد بن محمد الحسين

ومنهم : الشيخ ابوالعباس العطامات بسنه تسع وثلثمائه و قيل سنه احدی وعشر واسمه احمدبن محمد سهل بن عطا

ومنهم : محفوظ بن محمود من اصحاب ابی حفص النيسابوری مات بسنه ثلاث اواربع وثلثمائه بنيسابور ودفن بجنب ابی حفص —

ومنهم: الشيخ ابوعمروالدمشقی مات بسنه عشرين وثلثمائه هو مشايخ الشام

ومنهم : الشيخ محمدبن حامد الترمذی من مشايخ خراسان و كنيته ابوبكر

ومنهم : الشيخ طاهر المقدسی من اصل مشايخ الشام

ومنهم : الشيخ ابومحمد عبدالله بن محمد الحرار من مشايخ الرازيين مات قيل البعد الاربعين و ثلثمائه

ومنهم : الشيخ نعمان بن محمد الحمال الواسطی ساكن مصر مات بباقی رمضان سنه ست عشر وثلثمائه وكنيته ابوالحسن

ومنهم: الشيخ ابرهيم بن احمد الخواص مات فی جامع الری بسنه احدی وتسعين و ماتين وكنيته ابواسحق

ومنهم: الشيخ ابوحمزة البغدادی مات قيل الجنيد سنه تسع وثمانين ومأتين واسمه محمد بن ابرهيم

ومنهم: الشيخ ابوالحسن الوراق من مشايخ نيسابور مات قيل العشرين وثلثمائه واسمه محمدبن سعد

ومنهم: الشیخ ابوبکر الواسطی اصله من خراسان استوطن کورة مرو ومات بها بعدالعشرین و ثلثمائه واسمه محمد بن موسی

ومنهم: الشیخ ابوالحسن الدینوری من مشایخ الجبل اقام بمصر ومات بها بسنه ثلثین وثلثمائه اسمه علی بن محمدبن سهل

ومنهم: الشیخ ابوالمغیث حسین بن منصور الحلاج قتل بباب الطاق ببغداد یوم الثلثاء من ذی القعده سنه تسع وثلثمائه

ومنهم: الشیخ خیرالنساج اصله من سامره اقام ببغداد و کنیته ابوالحسن

ومنهم: الشیخ حمشادالدینوری من کبارمشایخها مات بسنه تسع وتسعین ومأتین و

ومنهم: الشیخ ابوحمزة الخراسانی من نیسابور من محله ملقاباد مات بسنه تسعین ومأتین

و منهم: الشیخ الصبیحی من اهل البصره وکنیته ابوعبدالله مات بالسوس وقبربها

ومنهم: الشیخ ابواسحق ابرهیم بن داود الرومی مات بسنه ست وعشرین ومأتین وقیل ثلثمائه

ومنهم: الشیخ ابوجعفر احمدبن حمدان بن علی بن سنان من مشایخ نیسابور مات فی سنه ست عشر وثلثمائه

الطبقة الرابعة

ومنهم: الشیخ ابوبکرا الشبلی خراسانی الاصل عاش سبعا وثمانین سنه و مات فی ذی الحجه سنه اربع وثلثین و ثلثمائه ببغداد واسمه دلف بن جحدر

ومنهم: الشیخ المرتعش وهو ابو محمد بن عبدالله بن محمد النیسابوری من محلة حیره مات ببغداد سنه ثمان وعشرین وثلثمائه وقیل من محله ملقاباد

ومنهم: ابوعلی الرود باری توفی بسنه اثنین و عشرین و ثلثمائه بمصر واسمه احمدبن محمد بن ابی القاسم

ومنهم: الشيخ ابوالحسن الاقطع اصله من المغرب مات بسنه اربعين وثلثمائه

ومنهم : ابوعلى الثقفى مات بسنه ثمان و عشرين وثلثمائه بنسابور واسمه محمدبن عبدالوهاب

ومنهم : ابومحمد عبدالله بن محمد بن منازل من مشايخ نيسابور مات بها بسنه تسع و عشرين اوثلثين و ثلثمائه

ومنهم ابوالحسن المزين واسمه على بن محمد اصله من بغداد جاور بمكه ومات بها سنه ثمان و عشرين وثلثمائه

ومنهم : الكتانى و هو محمدبن على بن جعفرالكتانى امام بمكه ومات بها بسنه اثنين وعشرين وثلثمائه وكنيته ابوبكر

ومنهم : النهرجورى و هو ابويعقوب اسحق بن محمد امام بمكه و مات بها سنه ثلاثين و ثلثمائه

ومنهم : ابوالخيربن منار من مشايخ مصر مات فى التيه

ومنهم ابو الكاتب من كبار مشايخ المصرمات بسنه ست واربعين وثلثمائه واسمه الحسين بن احمد

ومنهم:ابوبكرعبدالله بن طاهر الاهرى من مشايخ الجبل قيل مات بقرب الثلثين وثلثمائه

و منهم : القرسسى من مشايخ الجبل مات فى سنه ثلاثين وثلمثائه

ومنهم : ابوالحسين على بن هندالفارسى من كبار مشايخ الفرس

ومنهم : ابواسحق بن شيبان القرسينى

ومنهم : الحسين بن على مردە من اهل ارمنه مات فى الصغر سنه ثلاث وثلاثين وثلثمائه

ومنهم : محمدبن احمد بن سالم النصرى و كنيته ابو عبدالله

ومنهم ابرهيم بن احمدبن مشايخ الرق وكنيته ابواسحق

وسبعین وثلثمائه

ومنهم : ابوالقاسم النصرآبادی نیسابوری الاصل والمولد خرج آخر عمره الی مکه سنه ست وستین وثلثمائه واسمه ابرهیم بن محمد .

ومنهم : بندار بن الحسین من اهل شیراز مات بسنه ثلث وخمسین و ثلثمائه و کنیته ابو الحسین

ومنهم : الحضیری وهو ابوالحسن علی بن ابرهیم بصری الاصل مات ببغداد یوم الجمعة ذی الحجه سنه احدی وسبعین وثلثمائه

ومنهم : ابوبکر الطمستانی الفارسی ورد نیسابور ومات بها بعد سنه اربعین وثلثمائه

ومنهم : ابوعبداله البروغندی واسمه محمد بن محمد بن الحسن من مشایخ مات بعد الخمسین وثلثمائه

ومنهم : ابوالعباس الدینوری مات بسمرقند بعد الاربعین وثلثمائه واسمه محمد بن احمد بن محمد

ومنهم : محمد بن احمد و کنیته ابوبکر مات قبل الستین وثلثمائه وهو من مشایخ نیسابور

ومنهم : ابوعبداله الرودباری واسمه احمن عطا بن احمد مات سنه تسع وستین وثلثمائه

ومنهم : ابوالحسن بن علی بن بندار الحسین الصوفی من مشایخ نیسابور مات بسنه تسع وخمسین وثلثمائه

ومنهم : ابوعبدالله وابوالقاسم ابناء احمد بن محمد المقری فاما ابوعبدالله مات بسنه ست وثلثمائه واما ابوالقاسم مات بنسابور بسنه ثمان وسبعین وثلثمائه

ومنهم : محمد بن احمد بن حمدون الفرا من کبار مشایخ نیسابور مات سنه سبعین وثلثمائه

ومنهم : محمد بن عبدالخالق الدینوری مات بها کنیته ابوعبدالله

ومنهم : ابوعبدالله محمد بن محمد الواسی

پایان

الف

ب

ت

ج

ح

خ

د

س

ش

ط

ع

ف

ق

ل

م

ن

و

هـ

ی